روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴
۱۸ شعبان ۱۴۴۷ | ۰۷ فوریه ۲۰۲۶
شماره ۸۵۷
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

آخرالزمان کسب و کارهای رمزارزی

صفحه ۰۸

مجموعه ریسک‌ها در کسب‌وکار

۳

بورس و سقف‌های جدید

۵

پشت صحنه ناوگان سایه

۷

با پیکان دربست تا صدر

تاب‌آوری بانکی مقابل شوک‌ها

این سند ۲۹ ماده‌ای که به عنوان «حداقل استاندارد قابل اجرا در سطح جهانی» شناخته می‌شود....

صفحه ۲

معمای رفع فیلتر تلگرام

در حالی که برخی منابع از آغاز مذاکرات وزارت ارتباطات با تلگرام خبر می‌دهند کارشناسان تاکید دارند...

صفحه ۴

خصوصی‌سازی در خودروسازی

۱۷ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۳ نقطه‌عطفی در صنعت خودروی کشور بود. روزی که مدافعان مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی خودروسازی....

صفحه ۶

۸میلیون مسکن در برنامه هفتم

فرهاد بیضایی
کارشناس بخش مسکن

یکی از احکام مورد مناقشه برنامه هفتم توسعه تبصره ۱ ماده ۵۰ است آنجا که وزارت راه و شهرسازی را مکلف می‌کند در راســتای اضافه شدن معادل حداقل ۰.۲ درصد مساحت سرزمین به ظرفیت سکونتگاهی کشور با تراکم حداکثر ۶۰ نفر در هکتار، در روستاها، شهرهای کوچک و میانی، مناطق مرزی و شهرک‌سازی با رعایت سند آمایش سرزمینی، قانون حفظ کاربــری اراضی زراعی و باغ‌ها و تبصره (۲) ماده (۹) قانون جهش تولید مسکن برنامه‌ریزی و اقدام کند.

به منظور تسهیل مهاجرت معکوس اقشار مختلف جامعه، در این واگذاری شــرط سکونت ۵ سال لحاظ نخواهد شد و وزارت راه و شهرسازی مجاز است واگذاری را به صورت ۹۹ ســاله انجام دهد. فراتر از نکات مثبت و مترقی قانون مانند تمرکززدایی و توجه به شهرهای کوچک و متوسط، توجه به اراضی زراعی و باغات و تشــویق به مهاجرت معکوس باید از منظر فنی نیز مورد بررسی قرار گیرد که این قانون با توجه به نیاز فعــلی و همچنین ظرفیت اجرایی و اقتصادی امکان تحقق دارد.

با توجه به آنکه کشور ۱۶۴۸۱۶۹ کیلومتر مربع مساحت دارد طبــق این قانون باید قریب به ۳میلیارد و ۳۰۰میلیون مترمربع معادل ۳۳۰ هزار هکتار به فضای ســکونتی کشور اضافه شود. جالب آنکه در حال حاضر محدوده تمامی شهرهای مراکز استان‌ها ۳۷۰ هزار هکتار است و تقریبا معادل پهنه ۳۱ مرکز استان باید به پهنه سکونتی کشور اضافه شود. این مقدار ۶ برابر پهنه تهران، ۱۰ برابر مشهد و ۱۵ برابر تبریز خواهد بود. طبق استانداردهای شهرسازی ۵۰درصد از پهنه‌های الحاقی به زمین مســکونی (زیربنای مسکونی و محوطه مسکونی)، ۲۵درصد معابر، ۱۰درصد فضای سبز و ۱۵درصد به خدمات شهری اختصاص خواهد یافت. از آنجا که در قانون مقید شده است که تراکم ۶۰ نفر در هکتار رعایت شود، الگوی توسعه مسکن به صورت واحدهای یک طبقه و ویلایی خواهد بود.

مطابق قوانین شــهری، ۶۰ درصد از زمین‌های مسکونی به زیربنــا و ۴۰ درصد به محوطه اختصاص خواهد یافت. با این تفکیک ۹۹۰میلیون مترمربع به زیربنای مسکونی کشور اضافه خواهد شد و ۶۶۰میلیون مترمربع محوطه‌سازی فضای مسکونی خواهد بود. ۸۲۵میلیون مترمربع معادل ۲۵ درصد از کل به معابر، ۳۳۰میلیون متر مربع معادل ۱۰ درصد به فضای ســبز و ۴۹۵میلیون مترمربع معادل ۱۵ درصد به خدمات روبنایی مانند خدمات شــهری اداری، تجاری، آموزشی و... اختصاص خواهد یافت. این سطح از زیربنای مسکونی معادل ۸میلیون مســکن جدید خواهد بود یعنی فقط در شهرهای کوچک و متوسط بیش از ۲۴میلیون جمعیت جدید ساکن شود بدون محاسبه رشــد جمعیت کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ. در افق چه سالی ما به چنین جمعیتی خواهیم رسید، شاید دهه‌ها طول بکشد.

درحالی‌که هدف‌گذاری کمی برنامه هفتم ساخت سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی در سراسر کشور اعم از کلان‌شهرها، روستاها، شهرهای کوچک مسکن خصوصی حمایتی یا بافت فرســوده است، این طرح ظرفیت ساخت سالانه یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار واحد در ســال را فقط در شــهرهای کوچک و متوســط فراهم خواهد کرد. اگر به صــورت حداقلی هزینه هر مترمربع مسکونی ۲۰میلیون تومان، هزینه هر مترمربع کاربری‌های شهری و خدمات روبنایی ۲۵میلیون تومان، هزینه هر مترمربع معابر همراه با روشنایی، تاسیسات و جداول و... ۲میلیون تومان، هزینه هر مترمربع فضای سبز ۴میلیون تومان و هزینه هر مترمربع محوطه مسکونی ۵میلیون تومان باشد به این ترتیب معادل:

۱۹۸۰۰همت هزینه ساخت زیربنای مسکونی، ۳۳۰۰همت محوطه مسکونی، ۱۶۵۰ همت معابر، ۱۳۲۰ همت فضای سبز و ۱۲۳۷۵ همت برای خدمات روبنایی و سرانه‌های شهری، به منابع مالی نیاز هســت. بنابراین ساخت ۲دهم درصد از مساحت سرزمین و اضافه کردن آن به سکونتگاه‌های کشور، به همراه خدمات وابسته به آن بیش از ۳۸ هزار همت منابع مــالی نیاز دارد.برای درک بزرگی منابع مورد نیاز این طرح، این رقم بیش از ۳برابر نقدینگی کشــور، تقریبا معادل کل تولید ناخالص داخلی کشور و همچنین معادل فروش ۱۵ تا ۲۰ سال صادرات نفت کشور است.

هرچند که با توجه به توصیه واگذاری ۹۹ ساله، وابستگی قانون به منابع عمومی به راحتی قابل جایگزینی هم نخواهد بود اما اقتصاد کشور تکافوی چنین بلند پروازی‌ای را نمی‌دهد. درحالی‌که بودجه عمرانی کشور تنها ۴۰۰ هزارمیلیارد تومان اســت نمی‌توان چنین انتظاری از دولــت برای تامین مالی خدمات زیربنایی و روبنایی داشت.

ممکن است عنوان شود این زمین برای دهه‌های متمادی اســت؛ که با توجه به سرعت تحولات اقتصادی و اجتماعی اضافه کردن زمین طی ۵ ســال بــرای دهه‌های آتی امری غیرضروری اســت. مســلما در بازه زمانی ۵ ساله هم امکان تهیه طرح‌های توجیهی و توســعه شهری برای این حجم از زمین وجود نخواهد داشت و تغییر مورفولوژی شهرها و تهدید بدقوارگی از بزرگ‌ترین معضلات کشــور در صورت اصرار به اجرای این قانون خواهد بود.

رویکرد عرضه زمین، توجه به مهاجرت معکوس، شهرهای کوچک و میانی همه از سیاست‌های خوب و قابل دفاع است اما بلندپروازی و هدف‌گذاری‌های بدون پشتوانه‌های محاسباتی می‌تواند اهداف سیاستی دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد. آنچه مسلم است اینکه این حکم از برنامه هفتم با توجه به ظرفیت و منابع اقتصادی موجود کشــور امکان تحقق ۱۰۰ درصدی نــدارد اما با همکاری دولت و مجلــس می‌توان با بازنگری، شرایط معقول‌تری برای اجرای این حکم به تصویب رساند.

مجموعه ریسک‌ها در کسب‌وکار

کریم حسن پور – شاخص محیط کسب‌وکار در پاییز سال جاری بدترین میزان از بهار سال ۱۳۹۸ را ثبت کرده است. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی ایران، شاخص مذکور در تمام مناطق کشور در محدوده نامطلوب قرار دارد و شرایط تولید در استان‌های مولد همچون فارس، آذربایجان‌شرقی و تهران بدتر از میانگین کشور ارزیابی شده است.

مهم‌ترین عامل محیط نامطلوب تولید، وجود ریسک‌های متعدد در اقتصاد کشــور اســت؛ بحرانی که تــوان برنامه‌ریزی صاحبان بنگاه‌ها را به حداقل رســانده و تولید را در وضعیتی ســرگردان قرار داده است.

محیط کسب‌وکار در پاییز سال جاری در فضای نااطمینانی پس از چالش‌های اقتصادی، نامناسب ارزیابی شده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران، شاخص محیط کسب‌وکار در پاییز ۱۴۰۴ به رقم ۶.۱۳ رسیده است. این عدد نشان می‌دهد که وضعیت کســب‌وکار در ایران در پاییز امسال به بدترین سطح خود از بهار ۱۳۹۸ رسیده اســت؛ به‌طوری که شــرایط فعالیت بنگاه‌ها حتی از دوران شیوع کرونا، زمانی که بخش بزرگی از کسب‌وکارها تعطیل شــده بود، نامساعدتر ارزیابی می‌شــود. بر اساس گزارش اتاق بازرگانی ایران، برخلاف فصل تابســتان، فعالان بخش خدمات بدترین شرایط را نسبت به بقیه بخش‌ها تجربه کرده‌اند. هرچند در بخش‌های صنعت و کشاورزی نیز عدد شاخص در محدوده نامطلوب قرار دارد. همچنین بر اساس این گزارش، محیط کسب‌وکار در تمام استان‌های کشور نامساعد بوده است.

بر اساس گزارش فعالان اقتصادی، سه عامل اصلی که بیش از هر چیز فعالیت بنگاه‌ها را مختل کرده‌اند، شــامل «غیرقابل پیش‌بینی بودن و نوســانات قیمت مواد اولیه و محصولات»، «دشواری تامین مــالی از بانک‌ها» و « بی‌ثباتی سیاســت‌ها، قوانیــن و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کســب وکار» اســت. این ســه عامل، به همــراه دخالت‌های غیرمنطقی برخی نهادها در تعیین قیمت‌ها، نه تنها ریسک برنامه‌ریزی و ســرمایه‌گذاری را افزایش داده و امکان توســعه و ادامــه تولید را محدود می‌کنند، بلکــه اطمینان فعالان اقتصادی نسبت به چارچوب عملکردی خود را کاهش داده و محیط کسب‌وکار را نامطمئن کرده‌اند. در نتیجه، فشار مضاعف بر بنگاه‌ها، کاهش ســرمایه‌گذاری و محدودیت رشد اقتصادی، پیامد مستقیم این شرایط نامساعد است.

یکی از مولفه‌هایی که در پاییز امسال شرایط بهتری را نسبت به تابســتان تجربه کرده، «محدودیت دسترسی به حامل‌های انرژی» است که ناشی از سرد شدن هوا و تغییرات جوی است. با توجه به اطلاعات این پژوهش، به نظر می‌رسد ساختار سیاستگذاری کشور باید به سرعت نسبت به بحران‌ها واکنش نشان دهد؛ زیرا این فضای نامطلوب، برای افراد مشــتاق به راه‌انــدازی بنگاه‌های جدید موانع ورود ایجاد می‌کند و همچنین باعث می‌شــود صاحبان بنگاه‌های فعال از ادامه تولید منصرف شوند؛ شرایطی که به تشدید مشکلاتی همچون افزایش نرخ بیکاری و کاهش رشد اقتصادی منجر خواهد شــد. در این سنجش، عدد ۱ بیانگر بهترین و عدد ۱۰ نشان‌دهنده بدترین ارزیابی از وضعیت محیط کسب‌وکار است.

کارنامه محیط کسب‌وکار

شــاخص ملی محیط کسب‌وکار کشــور در پاییز ۱۴۰۴ به عدد ۶.۱۳ رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با میانگین ۶.۰۹ در تابستان امسال از نامســاعدتر شدن شــرایط بنگاه‌داری و تداوم مشکلات اقتصادی برای فعــالان بخش خصوصی حکایــت دارد. یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که بخش‌های عمده اقتصادی کشور، از جمله صنعت (۶.۰۴) و خدمات (۶.۰۸)، نسبت به تابستان امسال وضعیت نامساعدتری را تجربه کرده‌اند، هرچند بخش کشاورزی (۶.۰۳)، با توجه به افزایش بارش‌ها در پاییز اندکی بهبود یافته اســت. از نظر منطقه‌ای، محیط کسب‌وکار در بیشتر استان‌ها رو به وخامت رفته است. شاخص ملی محیط کســب‌وکار بر پایه قانون بهبود مستمر محیط کســب‌وکار و با هدف ارزیابی عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود.

ســه مولفه شــامل «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مــواد اولیه و محصولات»، «دشــواری تامین مــالی از بانک‌ها» و «بی‌ثباتی سیاســت‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کســب‌وکار»، در تمام بخش‌های عمده اقتصادی کشور در تابستان و پاییز امســال به‌عنوان مهم‌ترین موانع فعالیت بنگاه‌ها شــناخته شده‌اند. نکته قابل‌توجه آن است که با کاهش دما در پاییز و بهبود نســبی تامین انرژی نسبت به تابســتان، «محدودیت دسترسی به حامل‌های انرژی (بــرق، گاز و گازوئیل)» اندکی کاهش یافته، اما همچنــان در میان موانع اصلی قــرار دارد. با این حال، نااطمینانی همچنان مهم‌ترین عامل وخامت محیط کسب‌وکار باقی مانده‌است.

همچنین، مجموعه‌ای از عوامل فرعی نیز فشــار قابل‌توجهی بر بنگاه‌ها وارد می‌کنند. این عوامل شــامل «وجود انحصار، امتیاز یا هــر نوع رانت به یک یا تعــدادی از رقبا در بازار»، «موانع اداری و دشــواری‌های اخذ مجوز»، «سختگیری ادارات» و «تولید و عرضه آزاد کالاهای غیر استاندارد و تقلبی» است. در مقابل، برخی مولفه‌ها مانند «اســتقبال مشــتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصــولات» و «محدودیت دســترسی به آب»، تنهــا مولفه‌هایی هســتند که اعداد پایین‌تر از ۵ کســب کرده‌اند و اثرگذاری آنها بر وخامت محیط کســب‌وکار محدود ارزیابی شده است. این داده‌ها نشــان می‌دهد که مشکلات محیط کسب‌وکار ایران تنها به عوامل کلان مانند سیاســت‌ها و نوســانات قیمت محدود نمی‌شود، بلکه عوامل نهادی و ساختاری نیز فشــار مضاعفی بر فعالیت اقتصادی وارد می‌کنند.

> **مجموعه‌ای از عوامل فرعی نیز فشار قابل‌توجهی بر بنگاه‌ها وارد می‌کنند. این عوامل شامل «وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار»، «موانع اداری و دشواری‌های اخذ مجوز»، «سختگیری ادارات» و «تولید و عرضه آزاد کالاهای غیر استاندارد و تقلبی» است.**

شرایط وخیم تمام استان‌ها

بر اســاس یافته‌هــای گزارش اتاق بــازرگانی، در پاییز ۱۴۰۴، استان‌های سمنان (۶.۵۰)، فارس (۶.۳۷)، همدان (۶.۳۳)، مازندران (۶.۳۳) و آذربایجان شــرقی (۶.۳۱) به ترتیب نامساعدترین محیط کســب‌وکار را در کشور داشته‌اند. در مقابل، استان‌های چهارمحال و بختیــاری، اصفهان و زنجان به عنوان مناســب‌ترین اســتان‌ها ارزیابی شــده‌اند، اما شــاخص این اســتان‌ها نیز بالاتر از ۵ است که نشــان‌دهنده وجود موانع قابل‌توجه در محیط کســب‌وکار آنها اســت. ثبت شاخص ۶.۲۵در استان تهران به‌عنوان پایتخت و یکی از کانون‌های اصلی فعالیت اقتصادی کشــور، بیانگر نامساعد بودن شــرایط محیط کسب‌وکار در این استان و تداوم فشارهای نهادی و اقتصادی بر بنگاه‌های مستقر در آن است.

نتایج پایش همچنین نشان می‌دهد که شاخص محیط کسب‌وکار در حدود ۶۱ درصد استان‌ها پایین‌تر از شاخص ملی است و اختلاف شاخص میان بهترین و بدترین استان‌ها تنها ۰,۸۰واحد است؛ این امر حکایت از نبود تفاوت قابل‌توجه میان استان‌ها و نامساعد بودن یکنواخت محیط کســب‌وکار در سراسر کشور دارد. چنین وضعیت یکسانی، مشــکلات محیط کسب‌وکار ایران را به‌عنوان یک چالش سراسری نشان می‌دهد.

ظرفیت پایین بنگاه‌های اقتصادی

بــر اســاس یافته‌های این طــرح، میانگین ظرفیــت فعالیت واقعی بنگاه‌هــای اقتصادی شــرکت‌کننده در پاییز ۱۴۰۴ حدود ۳۹درصد گزارش شده است؛ رقمی که تفاوت معناداری با وضعیت تابســتان ســال جاری ندارد و از تداوم ســطح پایین بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولیدی حکایت می‌کند. تثبیت ظرفیت فعالیت در این ســطح، نشــان‌دهنده آن اســت که بخش قابل‌توجهی از توان تولیدی اقتصاد همچنان بلااســتفاده مانــده و بنگاه‌ها، تحت‌تاثیر نااطمینانی‌هــای اقتصادی، محدودیت‌های تامین مالی و ضعف تقاضای موثر، از افزایش تولید و ســرمایه‌گذاری جدید اجتناب می‌کنند. اســتمرار این وضعیــت می‌تواند در میان‌مدت به کاهش بهره‌وری، افت انگیزه ســرمایه‌گذاری و تضعیف توان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها منجر شود.

وضعیت رشته فعالیت‌های اقتصادی

در پاییز ۱۴۰۴، رشــته‌های «اداری و خدمات پشــتیبانی»، «سلامت انســان و مددکاری اجتمــاعی» و «اطلاعات و ارتباطات» به ترتیب نامســاعدترین محیط کســب‌وکار را تجربه کرده‌اند. بخش «مالی و بیمه» نیز با ثبت شــاخص ۵,۵۷ در مقایســه با ۶,۲۳ فصل گذشته، وضعیت مســاعدتری پیدا کرده اســت. رکود موجود در بخش اداری و خدمات به وضوح بر زنجیره‌هــای مرتبط با سلامت و ارتباطات تاثیرگذار بوده‌اســت، از ســوی دیگر، بخش‌های خدماتی با وابســتگی بیشــتر به انرژی و فناوری، پاییزی دشوارتر را پشت سر گذاشته‌اند. در مقابل، رشــته‌های «مالی و بیمه» و «آموزش» با بهبود چشــم‌گیر شاخص نسبت به تابستان امسال و همچنین بخش «حمل‌ونقل و انبارداری»، مساعدترین محیط کسب‌وکار را در میان سایر رشته‌ها تجربه کردند.

پیشنهادهای اصلاحی بخش‌خصوصی

در بخش پایانی گزارش پایش ملی محیط کســب‌وکار پاییز ۱۴۰۴، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران مجموعه‌ای از راهکارهای عملیاتی پیشنهادی تشکل‌های تخصصی و اتاق‌های استانی را ارائه کرده که می‌تواند چارچوبی برای سیاستگذاری کوتاه‌مدت تا بلندمدت ترسیم کند. بر اســاس این گزارش، نوســانات قیمت مواد اولیه و ناترازی ارزی از مهم‌ترین چالش‌های بنگاه‌هاســت که به توقف خطــوط تولید، افزایش هزینه‌ها و افزایش آسیب‌پذیری صنایع ســنگین و حیاتی کشور منجر شده اســت. برای کاهش آثار این محدودیت‌ها، بخش خصوصی در کوتاه‌مدت اولویت‌بندی تخصیص ارز و اســتفاده از روش‌های جایگزین پرداخت، در میان‌مدت ســرمایه‌گذاری در تولید داخلی مــواد اولیه و قراردادهای تضمینی خرید و در بلندمدت توسعه شبکه‌های هوشمند، مدیریت تقاضا و تنوع‌بخشی منابع را پیشنهاد کرده است.

کمبود نقدینگی و دسترسی محدود به سرمایه در گردش نیز فشار مضاعفی بر تولید وارد کرده که ایجاد خطوط اعتباری ترجیحی، اســتفاده از ابزارهای تامین مالی مانند فاکتورینگ، تامین مالی زنجیره‌ای و صندوق‌های ســرمایه‌گذاری مشــترک دولــت و بخش خصوصی از راهکارهای پیشنهادی است. همچنین تاخیر در تخصیص ارز و اختلال در واردات اقلام حیاتی، ریسک قراردادها و هزینه‌ها را افزایش داده که استفاده از پنجره ویژه ارزی، مجوزهای اضطراری و روش‌هایی چون تهاتر و اعتبارات اســنادی به‌عنوان راه‌حل مطرح شده است.

در کنار این موارد، نوسانات قیمت و کمبود مواد اولیه، رکود بازار و افت تقاضا، بوروکراسی اداری، طولانی بودن فرآیند صدور مجوزها، کمبود نیروی ماهر و تشدید ریسک‌های صادراتی، همچنان از عوامل فشــار بر بنگاه‌ها محســوب می‌شــوند. راهکارهای پیشنهادی شامل ایجاد انبارهای استراتژیک، عرضه کنترل‌شده در بورس کالا، توسعه بازارهای صادراتی، دیجیتال‌سازی مجوزها، آموزش مهارتی نیروی کار، تنوع‌بخشی بازارهای هدف و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. در مجموع، تداوم نامساعدی محیط کسب‌وکار در شرایطی که اقتصاد ایران با تحریم‌ها، نوســانات ارزی و ناترازی انرژی مواجه اســت، هشــداری جدی برای سیاستگذاران محسوب می‌شود؛ چراکه افزایش ریسک‌های سیســتماتیک می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش‌خصوصی را محدود کرده و رشــد اقتصادی را با موانع بیشتری روبه‌رو کند.

روزنامه مرز اقتصاد ۲
شنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

مقاومت مسکن در برابر کاهش قیمت

نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران گفت: با وجود رکود در بازار، قیمت مسکن در برابر کاهش مقاومت می‌کند و تا به امروز افت قیمت گسترده نداشته ایم.

داود بیگی‌نژاد با بیان اینکه ممکن است برخی افراد بتوانند زیر قیمت منطقه اقدام به خرید ملک کنند، افزود: شرایط در بازار به گونه‌ای است که خریداران از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردارند.

وی اظهار داشت: آمار جدیدی از معاملات ملکی از سوی دستگاههای نظارتی بازار مسکن ارایه نشده است و از این رو میانگین نرخ هایی که به عنوان قیمت در مناطق مختلف مطرح می شود، قابل استناد نیست زیرا نمی توان با قطعیت گفت که چه تعداد قرارداد با چه قیمت هایی منعقد شده است.

بیگی‌نژاد درباره رعایت سقف تعیین شده برای افزایش نرخ اجاره بها در سال جاری نیز گفت: این سقف قیمتی برای واحدهایی که به دنبال تمدید اجاره نامه هستند، تا حدود زیادی رعایت می شود اما برای قراردادهای جدید تابع توافق مالک و مستاجر است.

در سال‌های گذشته نرخ درصد افزایش اجاره بها به صورت دستوری بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تعیین و به کل کشور ابلاغ می‌شد اما طبق مصوبات جلسه شورای عالی مسکن ۲۴ فروردین‌ماه امسال، مقرر شد این موضوع استانی بوده و در شورای مسکن هر استان و مطابق نرخ تورم هر استان تصمیم‌گیری و تایید شود.

نایب رئیس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران درباره وضعیت ساخت و ساز در پایتخت نیز اظهار داشت: به دلیل افزایش قیمت تمام شده ساخت، سازندگان تا واحدهای خود را نفروشند، قادر به آغاز پروژه های جدید ساختمانی نیستند. بیگی نژاد، خروج کارگران اتباع بیگانه از بازار کار صنعت ساختمان و افزایش دستمزد کارگران روزمرد را مورد اشاره قرار داد و افزود: به‌طور متوسط دستمزد کارگران روزمزد نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده و بر کاهش ساخت و سازها اثر گذاشته است.

۱۷ میلیون بطری آب معدنی در ۹ مرز اربعینی توزیع می‌شود

رئیس ستاد فرمان اجرایی امام با اشاره به گرمای هوا، گفت: ستاد اجرایی فرمان امام در ۹ مرز ورودی و خروجی کشور ۱۷ میلیون بطری آب معدنی بین زائران توزیع می‌کند.

پرویز فتاح رئیس ستاد اجرایی فرمان امام در جریان بازدید از زیرساخت‌های ایجاد شده در مرز مهران توسط ستاد اجرایی فرمان امام اظهار کرد: امسال خدمات این نهاد در مرزهای مهران، خسروی، شلمچه، چزابه، تمرچین، باشماق، بازرگان، ریمدان و میرجاوه در حوزه‌های زیرساختی، تأمین مواد غذایی و آشامیدنی، خدمات درمانی، حمایت از زائران و همکاری با گروه‌های جهادی انجام می‌شود.

وی با اشاره به توسعه خدمات زیرساختی و خدمات رفاهی این نهاد در مرزهای ورودی و خروجی کشور گفت: فضایی ۵ هکتاری به عنوان پایگاه برکت الحسین در مرز مهران شامل انبار و سردخانه ۲۴۰۰ تنی و محلی برای پشتیبانی از خدمت به زائران اربعین ایجاد شده است.

فتاح با اشاره به گرمای هوا و تدابیر اندیشیده شده توسط این ستاد افزود: ستاد اجرایی فرمان امام در ۹ مرز ورودی و خروجی کشور ۱۷ میلیون بطری آب معدنی بین زائران توزیع می‌کند، همچنین ۵ کارخانه یخ سیار آماده شده که ۳۵ هزار قالب یخ در ایام اربعین تولید خواهد کرد.

وی ادامه داد: تأمین مواد غذایی مورد نیاز برای توزیع ۲ میلیون پرس غذای گرم در دستور کار قرار گرفت، همچنین دو دستگاه نانوایی سیار به جهت پخت روزانه ۶۰ هزار قرص نان و یک آشپزخانه سیار با ظرفیت پخت ۷ هزار پرس غذا به صورت روزانه در مرز مهران ایجاد شده است.

همچنین به طور ویژه در مرز خسروی آشپزخانه‌ای دائمی راه‌اندازی شده است که روزانه بیش از ۵ هزار پرس غذای گرم طبخ می‌کند.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام درباره خدمات ویژه درمانی این ستاد در ایام اربعین گفت: مجهزترین بیمارستان سیار ۹۲ تختخوابی کشور در عمود ۹۸۹ با ۱۷۵ نیروی پزشکی و درمانی در حوزه‌های ارتوپدی، مغز و اعصاب، قلب، زنان، بیهوشی، طب سنتی، اطفال، طب اورژانس، داخلی، عفونی، نورولوژی و رادیولوژی آماده خدمت‌رسانی به زائران حسینی است.

فتاح در ادامه تصریح کرد: یک مرکز تخصصی درمانی سیار ۲۰ تختخوابی و ۲ واحد درمانگاه سیار نیز در مرز مهران ایجاد شده است. همچنین با راه‌اندازی سامانه تلفنی ۴۰۳۰ مشاوره خدمات بهداشتی و درمانی در مسیر پیاده‌روی اربعین با همکاری جمعیت هلال احمر انجام خواهد شد. علاوه بر این از ۲۰ موکب درمانی در مسیر زائران، حمایت دارویی و درمانی شده است.

سید پرویز فتاح از اعزام ۲۴ هزار زائر مناطق محروم در اربعین امسال به عتبات عالیات خبر داد و گفت: ستاد اجرایی فرمان امام این تعداد از افراد نیازمند مناطق محروم را حمایت خواهد کرد تا در ایام نورانی اربعین به عتبات عالیات مشرف شوند.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام گفت: حمایت از زائران حسینی در ایام اربعین با همکاری ۷۰۰ نیروی جهادی و ۶۰۰ موکب و گروه مردمی انجام خواهد شد.

خلأ حکمرانی در اداره تهران

مریم لطفی – ۲.۵ دهه عملکرد شورای شهر تهران از دوربین‌های «سیاستگذاری» و «کنترل شهرداری»، مردودی و ناکامی این نهاد را نشان می‌دهد.

نشست‌های هفتگی شورا شبیه «دورهمی‌های بی‌نتیجه» شده و در سمت مقابل، مسائل بحرانی تهران در حال رکوردزنی است. این دو، ریشه مشترک دارند؛ خلأ «حکمرانی‌شهری».

فرید قدیری: مدل فعلی اداره شهر تهران را وقتی با خط‌کش‌های جهانی مورد سنجش و قضاوت حرفه‌ای قرار می‌دهیم، از سه منظر «مردود» می‌شود و هنگامی که علت این کج‌کارکردی را بررسی می‌کنیم، مشخص می‌شود شیوه فعلی نگهداری و توسعه پایتخت کشورمان که البته در دیگر شهرهای ایران نیز جاری است، «نسخه منسوخ ۴۵سال پیش حکومت‌های محلی در جهان» است که همان موقع به‌خاطر اشکالات و معایبی که ظاهر شد، جای خود را به الگوی موفق و معجزه‌آسای «حکمرانی‌شهری» داد.

در تهران طی هفته‌های اخیر هزاران نفر، عمدتا از چهره‌های سیاسی یا معروف و همچنین وابستگان این افراد در کنار اقلیتی از متخصصان حوزه شهر در کنار قدیمی‌های مدیریت شهری، برای دور جدید شورای‌شهر تهران ثبت‌نام کردند. شیوه فعلی اداره شهر تهران، یعنی مدل «مدیر- شورا» اما مملو از ایراد و مساله است که اگر پیش‌از تشکیل شورای‌شهر آینده، مورد «اصلاح اساسی با نسخه جهانی» قرار نگیرد، مطابق تجربه دوره‌های گذشته تاکنون شورای‌شهر، نمی‌توان انتظار «تنظیم فرمان» منحرف‌شده این سیستم شهری را در ذهن تصور کرد. «دنیای‌اقتصاد» از همین‌رو و به بهانه «پایان‌کار» این دوره مدیریت‌شهری در هفته‌های ابتدایی سال‌آینده، در این مقاله ضمن تشریح نتایج آزمون «مطلوبیت و موفقیت مدل فعلی اداره تهران با خط‌کش‌های جهانی اداره شهرها»، به تفاوت ساختار و عملکرد این مدل و الگوی موفق در جهان می‌پردازد و در نهایت «آینده تهران با حکمرانی‌شهری» را باز براساس تجربه‌های موفق تصویر می‌کند.

تهران با کدام شیوه اداره می‌شود؟ نتایج آزمون سه شاخص

برخی از مدیران شهر تهران طی این سال‌ها مدعی شده‌اند؛ الگوی اداره اینجا، «حکمرانی‌شهری» است. تعریف ساده این الگوی اداره شهر آن است که «قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای شهر، دست یک‌نفر(شهردار) نیست بلکه هر سه بازیگر یا ذی‌نفع اصلی شهر یعنی مدیریت‌شهری، شهروندان و بخش‌خصوصی (کسب‌وکارها) در چارچوب قانونی شفاف و مشخص برای اداره شهرشان قدرت اعلام‌نظر دارند و تصمیمات نهایی با «مشورت عمومی» پخته و در نهایت توسط شهرداری با اختیار کامل اجرایی به‌اجرا درمی‌آید. اکنون با لحاظ این تعریف و سه شاخص جهانی الگوی «حکمرانی شهری»، وضعیت تهران را محک می‌زنیم تا به این سوال پاسخ دهیم که سیستم اداره پایتخت کشورمان، همین است یا مدل دیگر.

شاخص‌های اصلی تشخیص جاری‌بودن یا نبودن الگوی «حکمرانی شهری» دست‌کم شامل سه مولفه «کارآیی عملکرد مدیریت شهری با اندازه‌گیری آن»، «وضعیت شهر» و «نحوه تعامل و رابطه بین شهرداری و شورا از یک‌طرف و شهرداری و شهروندان از طرف دیگر» می‌شود.

وضعیت تهران در اولین شاخص، منفی است به این معنا که در الگوی حکمرانی شهری، به شکل منظم و شفاف، «میزان رضایت شهروندان از شهر و اداره آن» با نظرسنجی‌های دوره‌ای پایش و اعلام می‌شود و در کنار آن، شاخص‌های «کیفیت‌زندگی» نیز تعیین وضعیت می‌شود، اما در تهران به‌جز در سال‌های پایانی «دوره شهرداران» که آن‌هم به شکل سلیقه‌ای (توسط برخی شهرداران و نه همه آنها) گزارش‌هایی از این جنس منتشر می‌شود، چنین رویه‌ای تا به حال حاکم نبوده و تابلوهای سنجش رضایت عمومی از اداره شهر، خاموش است.

شاخص دوم، یعنی «وضعیت شهر» نیز بازهم براساس مشخصه‌های «الگوی موفق حکمرانی شهری» دارای اشکالات اساسی است. وقت‌کشی گسترده در سفرهای روزانه درون‌شهری به‌همراه تنفس هوای سمی (بسیار آلوده با ذرات معلق و گازهای سمی)، دست‌کم دو مورد جدی و اساسی از «بحران شهری زندگی در تهران» است که نه‌تنها در روندی مشخص کاهش‌نیافته که سال‌به‌سال این دو مزاحم زندگی در پایتخت در پیشروی شهری، رکورد هم می‌زنند. در کنار این دو، مولفه‌هایی همچون «دوقطبی خدمات شهری و سکونتی» بین شمال و جنوب پایتخت، فقر آب، فقر مسکن، ضعف نظافت و نگهداشت نیز مصادیق دیگری از عدم‌مطلوبیت «وضعیت شهر» در تهران است.

اما شاخص سوم، «نحوه تعامل و رابطه بین شهرداری و شورا از یک‌طرف و شهرداری و شهروندان از طرف دیگر»، شاید به شکل ملموس‌تر جای خالی «حکمرانی شهری» در سیستم اداره تهران را آشکار کند. شورای‌شهر تهران طبق عرف جهانی و همچنین قانون مصوب مرتبط با ماموریت شوراها در ایران، دست‌کم ۲ وظیفه اساسی برای هدایت شهرداری در ریل «اداره مطلوب و موثر شهر» بر عهده دارد؛ تصمیم‌سازی و سیاستگذاری کلان برای رفع کمبودهای شهر توام با مشارکت کارآ در چکش‌کاری ایده‌ها و پیشنهادهای سیاستی شهرداری و همچنین نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها و تکالیف شهرداری.

اما مرور همه دوره‌های گذشته و حال شورای‌شهر از دوربین نوع و نحوه «تعامل با شهرداری» و دوربین «نشست‌های هفتگی» شورا نشان می‌دهد، برآیند کار بیشتر از آنچه تحقق رضایت‌بخش وظایف باشد عمدتا تنش و دعواهای با تم سیاسی یا ناشی از خودسری مدیران اجرایی شهر و در عین‌حال نشست‌های دورهمی شورا منتهی به تذکرات بی‌خاصیت شفاهی و کتبی بوده‌است. برای این سومین شاخص، ۷ مصداق را می‌شود از سال‌های اخیر استخراج و بیان کرد. در این سال‌ها به‌رغم آنکه مشکل شمارنخست تهرانی‌ها، «ترافیک» بوده اما سیاست‌های به اجرا درآمده، درست برخلاف انتظار، تشدیدکننده ترافیک بوده‌است به این معنا که همچنان خیابان‌کشی و بزرگراه‌سازی در اولویت بوده تا رسیدن به درد متروسواران و پیاده‌ها. از خاصیت افتادن طرح‌ترافیک، فروش ذخایر (سرمایه ملکی) غیرقابل‌جبران شهر برای تامین منابع بودجه، تصویب سیاست‌ها و مقررات در شهرداری بدون کسب اجازه یا هماهنگی حداقلی با شورا همچون ابلاغیه یکم تیرماه، تذکرات بی‌پاسخ اعضای شورا به مدیران اجرایی شهر، اختلاف برسر واگذاری املاک شهر و همچنین اختلاف‌نظر شورا و شهرداری برسر نحوه تامین ناوگان حمل‌ونقل عمومی از جمله مصادیق «تعامل بد» در درون مدیریت‌شهری و بین مدیریت شهری و شهروندان است.

به این‌ترتیب نتایج آزمون سه شاخص توضیح داده‌شده حاکی است؛ الگوی اداره شهر تهران، بسیار با «حکمرانی شهری» فاصله دارد و تا حدود زیادی منطبق بر مدل «مدیر-شورا» است. در اداره شهر تهران با مدل «مدیر-شورا»، قدرت شورای‌شهر صرفا بر اختیارات کلی برای سیاست‌های عمومی خلاصه می‌شود و دخالتی در امور اداری و اجرایی شهرداری ندارد. این مدل را می‌توان در قالب «حکومت شهری» که درست نقطه مقابل «حکمرانی شهری» قرار می‌گیرد، نیز تحلیل کرد.

«نحوه تعامل و رابطه بین شهرداری و شورا از یک‌طرف و شهرداری و شهروندان از طرف دیگر»، شاید به شکل ملموس‌تر جای خالی «حکمرانی شهری» در سیستم اداره تهران را آشکار کند.

چرا تهران «حکمرانی شهری» می‌خواهد؟

شیوه فعلی اداره شهر تهران به این‌صورت است که همچون مدل «حکومت شهری» و نه «حکمرانی شهری»، قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در شهر بسیار متمرکز است، ضمن آنکه مرکز ثقل تمرکز قدرت نیز در شهرداری است. نبود شفافیت در تصمیمات و رویه‌ها و به بازی‌نگرفتن نظر و دغدغه‌های عمومی برای تصمیم‌گیری نیز از المان‌های مدل اول به‌حساب می‌آید. تفاوت سیستم «حکومت شهری» و «حکمرانی شهری» به میزان قدرت، نفوذ و صلاحیت سه گروه مدیریت‌شهری، بخش‌خصوصی و شهروندان در اداره شهر مربوط است. در مدل دوم، در عین حالی که حکومت شهری به رسمیت شناخته می‌شود، تکلیف میزان مشارکت و حق‌نظر مردم و بخش‌خصوصی در اداره شهر نیز روشن است.

در الگوی «حکمرانی شهری»، قدرت توزیع می‌شود و مردم و صاحبان کسب‌وکار نیز در صحنه سیاستگذاری حضور دارند. در این الگو، مدیریت‌شهری به دریافت مشاوره عمومی متعهد است و بازیگران خارج از سیستم مدیریت شهری را به رسمیت می‌شناسد. در این سیستم همچنین «شفافیت» وجود دارد، نه «پنهان‌کاری» یا «سورپرایز با مصوبات شبانه و تصمیمات ناگهانی»، ضمن آنکه آزادی عمل مدیران اجرایی در تصمیم‌گیری به‌خاطر بازیگری دو بازیگر دیگر، اندک است و تعادل نسبی بین سه گروه وجود دارد. «حکمرانی شهری»، به بیان ساده قدرت را در خارج از مدیریت‌شهری به رسمیت می‌شناسد. سال۲۰۰۶، دفتر «هبیتات» سازمان‌ملل بعد از مشاهده تجربه‌های اولیه «حکمرانی شهری» در شهرهای مهمی از جمله لندن، به دولت‌های محلی توصیه کرد؛ «شیوه برنامه‌ریزی و اداره شهر را به سمت مشارکت نهادهای عمومی، مردمی و خصوصی تغییر دهند تا منافع متعارض در سیاست‌های شهری از حالت واگرایی به سمت همگرایی متمایل شود.»

«هبیتات» در آن زمان المان‌های «حکمرانی شهری» را قانون‌مداری، چارچوب‌های حقوقی مدون، تعیین سطح تمرکززدایی و فراهم‌کردن زمینه مشارکت عمومی در تصمیمات شهری معرفی کرد. جایی مثل تهران اگر مشابه‌جایی مثل لندن اداره شود براساس منطق «حکمرانی شهری»، بین منافع اقلیت امتیازبگیر از شهرداری و منافع عمومی ساکن در شهر، نوعی تعادل نسبی به‌وجود می‌آید و می‌توان انتظار داشت «صدای شهروندان» در سیاست‌های مختلف از مقررات ساخت‌وساز و کاربری املاک گرفته تا نحوه توزیع سرمایه‌گذاری‌های شهری منعکس خواهدشد.

شهردار در الگوی «حکمرانی شهری»، رئیس اجرایی سیاست‌ها و تصمیماتی می‌شود که «مشورت عمومی» آنها را تصویب می‌کند و نه «صرفا مدیران شهر.» شهردار لندن، «اختیار اجرایی کامل و بالایی» دارد اما قدرت اجرایی شهردار با «نظارت شورای‌شهر منتخب اکثریت شهروندان» و همچنین «مشارکت مستقیم شهروندان در فراخوان‌های عمومی برای تصویب یک تصمیم جدید شهری»، مهار شده‌است و امکان خودسری یا تصویب یک سیاست که مخاطب(برنده) آن نه عموم شهروندان که اقلیت خاص هستند در این شیوه اداره شهر لندن مسدود شده‌است. هرچند تخلفات مدیران در همه‌جای جهان محتمل است اما «ساختار» چون شفاف و قائل به مشارکت عمومی است، به‌گونه‌ای است که استعداد بروز تخلف را تا حد امکان کور کرده‌است.

تصویر «زندگی در تهران» با حکمرانی شهری

بعد از آنکه مشخص شد شیوه اداره پایتخت در حال‌حاضر، چیزی غیراز «حکمرانی شهری» است و در عین‌حال درباره «مزایای حکمرانی شهری» نیز گفته شد، اکنون نوبت آن است که «تصویر تهران مجهز به الگوی حکمرانی‌شهری» یا «پایتخت به‌دور از سیستم مدیر-شورا» را پردازش کنیم تا معجزه این الگو برای همگان و حتی مدیرانی که تمایل دارند «به‌دور از رانت‌های نهفته در مدل تمرکز قدرت در اداره شهر» برای شهر و شهروندان‌شان منشأ خیر باشند، مشخص شود. طبق تجربه‌های جهانی به‌جا مانده و در حال مشاهده از الگوی «حکمرانی شهری»، این الگو سرعت تقویت توسعه شهر را افزایش می‌دهد، محیط مناسب برای زندگی راحت همه طبقات اجتماعی از جمله فقیرترین طبقه شهروندی را فراهم می‌کند، به کاهش فقر و جدایی‌گزینی می‌انجامد، منافذ بروز فساد شهری را مسدود می‌کند و دست‌آخر کیفیت‌زندگی را ارتقا می‌بخشد. «حکمرانی شهری»، چراغ «پاسخگویی و حساسیت عمومی» در مدیریت‌شهری را روشن می‌کند. این چراغ با «انتشار منظم تصمیمات، درآمدها و هزینه‌های شهرداری» و همچنین با «شفافیت، حسابرسی مستقل و فعالیت کمیسیون ضدفساد» روشن می‌شود.

کارآیی مدیران شهر، از شهرداری تا شورا، با شورای منتخب شهروندان و شهرداری‌های منتخب محلات و توزیع قدرت بین سه ضلع شهرداری، شهروندان و فعالان اقتصادی تضمین می‌شود. «قانون‌مداری» به‌جای «امضاهای طلایی»، در الگوی حکمرانی شهری حرف اول را خواهد زد. اکنون این پرسش احتمالا برای شهروندان به‌وجود می‌آید که جرقه «پارادایم‌شیفت» در اداره شهر چگونه باید زده شود؟ پاسخ این پرسش در تجربه دهه ۱۹۸۰ لندن وجود دارد. در آن زمان، دولت مرکزی ابتدا اقدام به تغییر قانون مدیریت شهری کرد. این تغییر براساس رای عمومی اتفاق افتاد و بعداز آن شهردار با «انتخاب مستقیم» شهروندان در مدیریت شهری اعتبار گرفت. البته نحوه انتخاب شهردار، انتخاب غیرمستقیم توسط شورا یا مستقیم توسط مردم، شرط لازم برای تغییر شیوه اداره شهر به «حکمرانی شهری» محسوب نمی‌شود، بلکه ابزار مناسبی برای تحقق این الگو می‌تواند باشد.

طرح ترافیک برای موتورسیکلت‌ها

مبلغ ورودیه و پایه برای ورود وسایل نقلیه به محدوده طرح ترافیک تهران برای سال بعد ۱۴۵هزار تومان تعیین شد که این رقم نسبت به نرخ آن در سال۱۴۰۴ به میزان ۴۱درصد افزایش داشته‌است.

در آخرین جلسه شورای‌شهر و در میانه بررسی لایحه بودجه سال‌آینده پایتخت حداقل مبلغ طرح ترافیک در صورت رزرو در محدوده طرح ترافیک اصلی(حلقه اول) ۱۷۴هزارتومان تعیین و حداقل پرداختی برای ورود به محدوده طرح آلودگی هوا (حلقه دوم) ۸۷هزارتومان تعیین شد که این ارقام نسبت به سال۱۴۰۴ به میزان ۴۱درصد افزایش داشته‌است. حداکثر مبلغ پرداختی طرح ترافیک در صورت رزرو در محدوده طرح ترافیک اصلی(حلقه اول) ۳۴۸ هزارتومان است و حداکثر پرداختی برای ورود به محدوده آلودگی هوا (حلقه دوم) ۱۷۴هزارتومان است که این ارقام نسبت به سال۱۴۰۴ به میزان ۴۱درصد افزایش داشته‌است.همچنین اگر کسی اقدام به رزرو نکند، هم حداکثر ضرایب و هم یک ضریب یک و نیم به‌عنوان جریمه برای آن تعیین می‌شود، اما اگر خودرویی نسبت به رزرو طرح اقدام کرده و وارد محدوده نشود، باید ۲۰درصد نرخ پایه را پرداخت کند. اعضای شورای‌شهر برای سال‌آینده اخذ عوارض از موتورسیکلت‌ها برای ورود به طرح را نیز به تصویب رساندند. مطابق لایحه تصویب‌شده در صحن شورای شهر، تردد موتورسیکلت‌های برقی به محدوده طرح ترافیک در صورت ثبت‌نام در سامانه شهرداری تهران رایگان است. مبلغ تردد موتورسیکلت‌های بنزینی در صورت رزرو ۵درصد مبلغ پایه خواهد بود و در صورت عدم‌رزرو ۲۰درصد مبلغ پایه را باید پرداخت کنند.

آخرین وضعیت نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی

سلامت نظام بانکی ایران برای سال‌ها، به‌ویژه تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی و قطع ارتباط با شبکه‌های مالی جهانی نظیر سوئیفت، به‌شدت تضعیف است. چندی پیش، آمارها تصویری نگران‌کننده از وضعیت بانک‌های کشور ترسیم می‌کردند. در سال ۱۴۰۲، میانگین نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی به منفی ۰.۲ درصد رسیده بود؛ رقمی که فاصله‌ای بسیار زیاد با استاندارد حداقلی ۸ درصدی استاندارد اعلام شده توسط بانک مرکزی داشت. این شاخص کلیدی که توانایی یک بانک در پوشش ریسک‌ها و زیان‌های احتمالی را می‌سنجد، نشان می‌داد که سپر حفاظتی بسیاری از بانک‌های ما در برابر بحران‌ها تا چه حد شکننده است.

با این حال، روز گذشته گزارش یک مقام بانک مرکزی از تحولی قابل تأمل در نسبت کفایت سرمایه خبر داد. بر اساس اعلام رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی، میانگین کفایت سرمایه کل شبکه بانکی که برای سال‌ها منفی بود، سرانجام مثبت شده و در سال ۱۴۰۳ به ۱.۷۵ درصد رسیده است. البته به عقیده کارشناسان، درستی این ادعا جای بحث دارد چرا که هنوز نسبت کفایت سرمایه برای بسیاری از بانک‌های کشور اعلام نشده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون نسبت کفایت سرمایه سال ۱۴۰۳ تنها برای ۱۷ بانک در سامانه کدال اعلام شده است ولی میانگین کفایت سرمایه که توسط معاون تنظیم‌گری بانک مرکزی اعلام شده است مربوط به ۲۹ بانک است.

۱۴ بانک در وضعیت کفایت استاندارد

بر اساس گزارش بانک مرکزی، رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی با اشاره به اینکه در حال حاضر از مجموع ۲۹ بانک فعال در کشور، ۱۴ بانک نسبت کفایت سرمایه بالای ۸ درصد دارند، گفت: این رقم نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ که تنها ۷ بانک بالای ۸ درصد بودند، پیشرفت قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. همچنین میانگین کفایت سرمایه کل شبکه بانکی که سال‌ها منفی بود، در حال حاضر به ۱.۷۵ درصد مثبت رسیده است. حجت اسماعیل‌زاده تصریح کرد: سرمایه کل شبکه بانکی از حدود ۳۳۰ همت در پایان سال ۱۴۰۰ به حدود ۸۵۲ همت در پایان سال ۱۴۰۳ رسیده است. این به معنای افزایش ۵۲۰ همتی در این دوره است که ۳۴۰ همت از آن تنها در سال ۱۴۰۳ محقق شده است. طبق به‌روزرسانی‌هایی که انجام شده و بر اساس مجوزهایی که صادر شده این ۸۵۲ همت به ۱۱۷۰ همت رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۴۰۴، مجموع سرمایه شبکه بانکی به ۱۳۵۰ همت برسد که بیش از چهار برابر رقم پایان سال ۱۴۰۰ خواهد بود. او با بیان اینکه میانگین کفایت سرمایه کل شبکه بانکی که سال‌ها منفی بود، در حال حاضر به ۱.۷۵ درصد مثبت رسیده است، بیان کرد: چنانچه بانک‌هایی که وضعیت ویژه‌ای دارند از این آمار خارج شوند، نسبت کفایت سرمایه کل شبکه به حدود ۵.۵ درصد افزایش می‌یابد.

رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی، تاکید کرد: بر اساس قانون برنامه هفتم، طی مدت اجرای این برنامه باید کفایت سرمایه شبکه بانکی به ۸ درصد برسد. در حال حاضر حدود یک سال از اجرای این قانون می‌گذرد و طی ۴ سال آینده حتما این رقم محقق خواهد شد.

اسماعیل‌زاده با اشاره به اینکه در حال حاضر، از مجموع ۲۹ بانک فعال در کشور، ۱۴ بانک نسبت کفایت سرمایه بالای ۸ درصد دارند، خاطرنشان کرد: این رقم نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ که تنها ۷ بانک بالای ۸ درصد بودند، پیشرفت قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. با این حال، هنوز ۶ بانک با کفایت سرمایه منفی و ۹ بانک دیگر با کفایت سرمایه مثبت اما کمتر از ۸ درصد وجود دارد. او با تاکید بر آمار سال‌های گذشته مبنی بر اینکه ۱۹ بانک موظف شده بودند تا برنامه افزایش سرمایه خود را به بانک مرکزی ارائه دهند، تصریح کرد: از این ۱۹ بانک در حال حاضر، کفایت سرمایه ۵ بانک به بالای ۸ درصد رسیده است. مابقی بانک‌ها چه بانک‌های دولتی و چه بانک‌های غیردولتی غیر از دو سه بانکی که بانک مرکزی برنامه متفاوتی برای آنها تدارک دیده است، برنامه افزایش سرمایه خود را ارائه و به تصویب مجامع خود هم رسانده‌اند. پس در حال حاضر، بانکی نیست که برنامه افزایش سرمایه خود را ارائه نداده باشد.

رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی با اشاره به اینکه بانک‌هایی هم که کفایت سرمایه آنها به میزان لازم نرسیده است بر اساس قانون بانک مرکزی، مشمول اقداماتی از جمله تعیین هیات سرپرستی و... خواهند شد، بیان کرد: برای برخی از این بانک‌ها هیات سرپرستی تعیین شده و برخی دیگر نیز در دست تصمیم‌گیری است. لازم به ذکر است بانک مرکزی همیشه رصد شبکه بانکی را به طور دقیق و منظم انجام می‌دهد. با توجه به اهمیت افزایش سرمایه، این بانک، اقدامات گسترده‌ای را در این زمینه انجام داده است.

اسماعیل‌زاده در ادامه کفایت سرمایه را یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش سلامت نظام بانکی دانست و گفت: این شاخص نشان‌دهنده میزان توانایی بانک‌ها در پوشش ریسک‌های احتمالی از طریق سرمایه و حقوق مالکانه است. توضیح ساده‌تر این است که کفایت سرمایه نشان می‌دهد تا چه حد سرمایه یک بانک می‌تواند در برابر ریسک‌ها به‌عنوان پشتوانه عمل کند. اگرچه محاسبات این شاخص پیچیده و شامل مباحثی مانند دارایی‌های موزون به ریسک است، اما فهم کلی آن برای عموم مردم اهمیت دارد.

او با اشاره به تعاریفی که از «مالک واحد» در قانون برنامه هفتم آمده، افزود: در قانون برنامه هفتم و دستورالعمل‌های قانون بانک مرکزی از مالک واحد تعاریفی آمده است که بر اساس آن در صورتی که اشخاصی دارای روابطی از جمله سهامداری یک بانک باشند به عنوان «مالک واحد» شناخته می‌شوند.

این امر می‌تواند ۱۰ یا ۲۰ درصد و یا با مجوز بانک مرکزی ۳۳ درصد از سهام یک بانک را داشته باشند. البته اگر مجوزی از بانک مرکزی نداشته باشند ۲۰ درصد و ۳۳ درصد را هم نمی‌توانند در اختیار داشته باشند. رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی با بیان اینکه در حال حاضر بانک‌هایی هستند که چون مجوز مالک واحد از بانک مرکزی دریافت نکرده‌اند مازاد بر مالک واحد شناخته می‌شوند، خاطرنشان کرد: بانک‌هایی هم هستند که اگرچه مجوز ۳۳ درصد را دارند اما سهام در اختیار سهامداران این بانک‌ها بیش از ۳۳ درصد است، این بانک‌ها هم به عنوان مازاد بر مالک واحد شناخته می‌شوند. طبق قانون برنامه هفتم حق رای این سهام مازاد بر مالک واحد به «صندوق ضمانت سپرده‌ها» منتقل می‌شود و عواید ناشی از آن سهام مازاد به صندوق ضمانت سپرده‌ها انتقال می‌یابد.

اسماعیل‌زاده تصریح کرد: طبق قانون، سهامداری مازاد بر حد مجاز (مالک واحد) در بانک‌ها شناسایی شده است. حق رای و عواید این سهام به صندوق ضمانت سپرده‌ها منتقل شده است. در مجامع اخیر بانک‌ها، صندوق ضمانت سپرده‌ها حق رای خود را بر اساس این سهام مازاد اعمال کرده و عواید مربوطه را نیز دریافت می‌کند. در حال حاضر، حدود ۸ تا ۱۰ بانک مشمول این قانون هستند که البته میزان سهام مازاد آنها متفاوت است.

او در ارتباط با سامانه املاک و مستغلات مازاد بانک‌ها گفت: بانک‌ها موظف بودند اطلاعات املاک مازاد خود را طی ۶ ماه فرصتی که داشتند تا پایان فروردین ماه در این سامانه بارگذاری کنند. این اطلاعات در حال حاضر بارگذاری شده و بانک مرکزی در حال تکمیل و رفع نواقص آن است. تکلیف به واگذاری اموال مازاد از سال‌های گذشته وجود داشته و قانون جدید مقرر کرده است که در صورت عدم واگذاری، این دارایی‌ها به «شرکت مدیریت دارایی شبکه بانکی» منتقل شود.

این شرکت زیرمجموعه صندوق ضمانت سپرده‌هاست و بر اساس سازوکارهای قانونی، این دارایی‌ها را واگذار خواهد کرد.

رئیس مرکز تنظیم‌گری بانک مرکزی تاکید کرد: هر سال بانک مرکزی برای هر یک از بانک‌ها اموال و دارایی‌های مازاد را مشخص و در راستای قانون رفع موانع تولید به سازمان امور مالیاتی معرفی می‌کند. بنابراین مشخص است که کدام یک از اموال و دارایی‌های بانک‌ها مازاد است. طبق قانون اگر بانکی این اموال و دارایی‌های مازاد را طی مدت یک سال، معرفی نکند به شرکت مدیریت دارایی شبکه بانکی منتقل خواهد شد. خود بانک‌ها و هیات‌مدیره آنها مسوول صحت‌سنجی املاک و دارایی‌های مازاد معرفی شده هستند. اسماعیل‌زاده در پایان درباره سامانه سهامداری بانک‌ها گفت: این سامانه از مهر ماه اجرایی و دستورالعمل‌های آن ابلاغ شده و بانک‌ها تا فروردین ماه فرصت داشتند تا اطلاعات آن را تکمیل کنند. الان هم در حال تکمیل اطلاعات و رفع نواقص اطلاعات وارد شده هستیم. این اقدامات نشان‌دهنده عزمی جدی برای اصلاح ساختار مالی بانک‌ها و افزایش سلامت و کارآیی نظام بانکی است.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

بورس و سقف‌های جدید

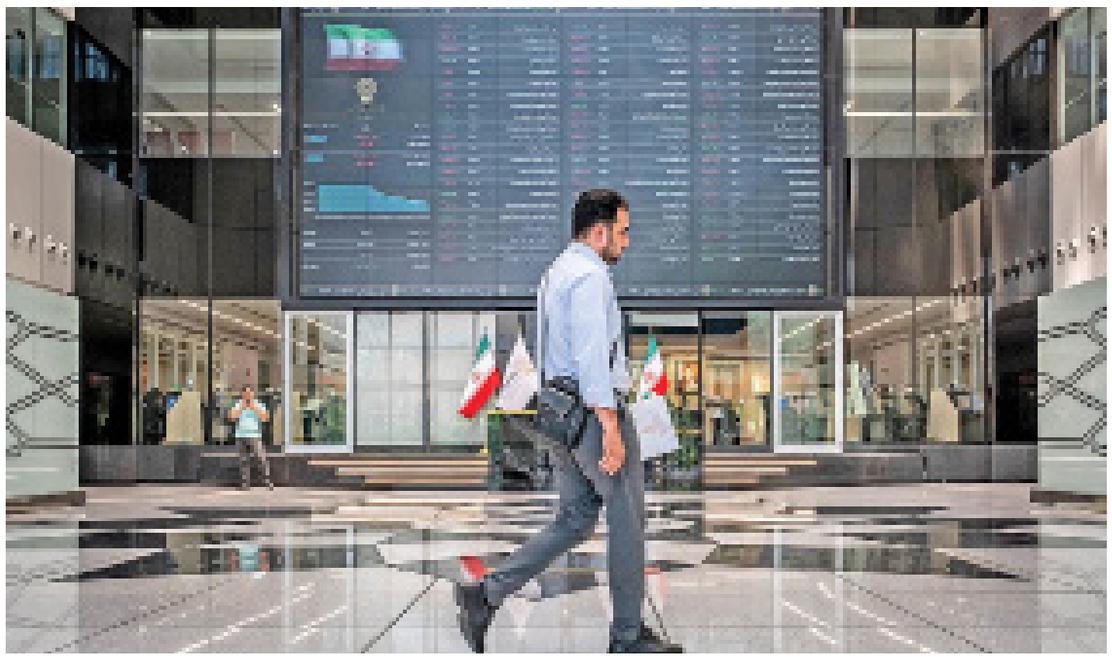

فرحناز نعمتی – بورس تهران همچنان در حال رکوردشکنی است. شاخص کل در ادامه مسیر صعودی خود، بار دیگر مرزهای جدیدی را پشت سر گذاشت و توانست به پیشروی خود در کانال ۳.۳میلیونی ادامه دهد.

شاخص کل بورس با رشد ۰.۷۷ درصدی به سطح تاریخی ۳میلیون و ۳۴۰ هزار واحد رسید. شاخص هموزن نیز با جهش ۰□۶۵ درصدی از محدوده ۹۵۰ هزار واحد فراتر رفت. امری که بیانگر تلاش تدریجی سهام کوچک برای همگام شدن با بزرگان بازار محسوب می‌شود. کارشناسان معتقدند هرچند بورس این روزها در حال فتح سقف‌های جدید است، اما رفتار دوگانه و محتاطانه سرمایه‌گذاران باعث شده تا با قطعیت نتوانیم از دوام این روند سخن بگوییم. به باور تحلیلگران، تناقض میان رکوردشکنی شاخص‌ها و احتیاط معامله‌گران، نشان‌دهنده آن است که تردید همچنان در این بازار پرسه می‌زند. وضعیت ارزش معاملات و قرار گرفتن این سنجه آماری در سطح ۱۰ همت نیز به وضوح بر این نکته تاکید می‌کند. به‌خصوص آنکه بازارهای موازی از طلا و سکه تا دلار آزاد، مرزهای جدیدی را درنوردیدند. بورس تهران باوجود سبزپوشی شاخص‌ها همچنان با ارزش معاملات پایین دست و پنجه نرم می‌کند.

در دو روز گذشته نیز با وجود رشد شاخص‌های سهامی پول قدرتمندی وارد معاملات سهامی نشده است. این رفتار دوگانه میان عملکرد شاخص‌ها و رفتار معامله‌گران، نشان‌دهنده بی‌اعتمادی نهفته و احتیاط سنگین بخش بزرگی از فعالان بازار است. گفت‌وگوی «دنیای اقتصاد» با کارشناسان بازار سرمایه حاکی از آن است که پیشروی اخیر بورس از تغییر انتظارات تورمی و حرکت هماهنگ بازارها در مسیر صعودی نشأت می‌گیرد. از سویی رکوردشکنی شاخص‌ها اگرچه از بهبود فضای معاملات حکایت دارد، اما تا زمان ورود پول حقیقی قدرتمند، تغییر در سیاست‌های اقتصادی یا علامتی مشخصی از رشد سودآوری شرکت‌ها نمی‌توان تصویری روشن از یک روند صعودی قدرتمند و با دوام ارائه کرد.

به همین دلیل است که بسیاری از تحلیلگران، وضعیت فعلی بازار سرمایه را حرکت میان رکوردها و تردیدها بیان می‌کنند. این شرایط در حالی است که ممکن است با فروکش برخی هیجانات در بازارهای موازی، بورس نیز مجددا وارد فاز احتیاط شود. بازارهای ارز، طلا و سکه در جریان معاملات روز سه‌شنبه تغییر مسیر دادند و افزایش عرضه در حوالی سقف‌های تاریخی موجب شد دلار آزاد که در معاملات روز دوشنبه تا سطح ۱۱۹ هزار تومان نیز پیشروی کرده بود؛ معاملات سه‌شنبه را در سطح ۱۱۸ هزار و ۴۰۰ تومان آغاز و در ادامه شاخص ارزی به کانال ۱۱۷ هزار تومان عقب‌نشینی کند. در بازار فیزیکی طلا و سکه، هر گرم طلای ۱۸ عیار تا سطح ۱۲میلیون تومان کاهش قیمت داشت و سکه امامی نیز در کانال ۱۲۴میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان دست به دست شد. صندوق‌های طلا نیز معاملات دیروز را منفی آغاز کردند.

اگرچه و در یک ساعت نخست معاملات، صندوق‌های مذکور با خروج پول حقیقی مواجه شدند؛ اما در ادامه، ورق معاملات این صندوق‌ها برگشت و در نهایت با ورود ۷۶۲ میلیارد تومان پول حقیقی همراه شدند. بازار سهام اگرچه در فضایی نسبتا آرام و متعادل در مسیر صعودی حرکت می‌کند، اما ادامه این روند با دو متغیر کلیدی و چالش‌ساز مواجه است که می‌توانند سناریوی اصلاح را نیز مطرح کند. نخست، رفتار پرنوسان بازارهای طلا و ارز است؛ بازارهایی که در دوره‌های تورمی همواره مقصد جذاب‌تری برای سرمایه‌گذاران محتاط و ریسک‌گریز بوده‌اند. رشدهای مقطعی دلار و طلا، بار دیگر بخشی از سرمایه‌های خرد را از بورس منحرف کرده و جذابیت سودآوری سهم‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است.

علاوه بر این موضوع، رشد بی‌سابقه نرخ بهره اوراق اخزا به سطوح بالاتر از ۳۸ درصد می‌تواند ورود پول به بازار سهام را با دستانداز مواجه کند. با توجه به اینکه کف بازدهی بدون ریسک در وضعیت تورمی، افزایش یافته و مقایسه آن با نرخ بازده بورس وضعیت را برای بسیاری از سرمایه‌گذاران سخت‌تر کرده است، در چنین شرایطی، رقابت سرمایه‌های خرد میان بورس، طلا، ارز و اوراق بدهی را به‌شدت فشرده خواهد کرد. با وجود این موانع، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بورس همچنان پتانسیل ادامه روند صعودی را دارد. اما اینکه بتواند در کوتاه‌مدت و در سایه سیاستگذاری‌های فعلی، بر رقابت شدید بازارهای موازی غلبه کند، سناریویی مبهم است. بازار سهام برای تثبیت پیروزی خود، بیش از هر چیز نیازمند تقویت اعتماد، افزایش ارزش معاملات و ایجاد چشم‌انداز روشن در سودآوری شرکت‌ها است.

آنچه در بازار سه‌شنبه گذشت

در جریان معاملات دیروز بورس تهران، همه شاخص‌های سهامی به پیشروی خود ادامه دادند. شاخص کل در معاملات روز چهارم آذر، سقف جدید خود را در سطح ۳میلیون و ۳۰۳ هزار واحدی به ثبت رساند. البته پس از آن، این شاخص با عقب‌نشینی از سقف مذکور مواجه شد، اما از روز یکشنبه مجددا شاخص به مسیر صعودی بازگشت و توانست سطوح جدیدی را لمس کند. در جریان دادوستدهای دیروز بورس تهران، ۱۰۰میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد و ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز رقم ۱۰ هزار و ۳۶۰میلیارد تومان را ثبت کرد. معاملات روز سه‌شنبه، دومین روز متوالی بود که با ورود سرمایه‌های خرد حقیقی به بازار همراه بود. ارزش معاملات خرد نیز برای دومین روز متوالی توانست از مرز روانی ۱۰ هزار میلیارد تومانی عبور کند. شاخص کل نیز با رشد ۰.۷۷ درصد به سطح ۳میلیون و ۳۴۰ هزار واحد رسید. شاخص هموزن نیز با رشد ۰۶۵ درصد به سطح ۹۵۰ هزار واحد رسید.

نشانه‌هایی روشن از صعود؟

بازار سهام در معاملات اخیر نشانه‌هایی از تداوم روند صعودی را به نمایش گذاشته است. برخی از کارشناسان می‌گویند شاخص کل با عبور مجدد از مرز ۳میلیون و ۳۰۰ هزار واحد، موقعیت خود را در این کانال تثبیت کرده است. در همین رابطه حجت سرهنگی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» اظهار کرد: بورس تهران در نقطه‌ای حساس از منظر تامین مالی قرار گرفته است. نرخ سود ابزارهای بدون ریسک، به‌ویژه اوراق اخزا، به محدوده کم‌سابقه ۳۸ درصد رسیده است. سطحی که بسیاری از صندوق‌های با درآمد ثابت نیز توان پوشش آن را ندارند. این وضعیت از یک‌سو زنگ خطر را برای کسری بودجه دولت و نیاز آن به فروش اوراق به صدا درآورده و از سوی دیگر چشم‌انداز هزینه تامین مالی بنگاه‌ها را سنگین‌تر کرده است.

افزایش نرخ بهره، به‌طور طبیعی فشارهایی بر ارزش‌گذاری سهام وارد می‌کند و می‌تواند بخشی از مسیر صعودی بازار را با چالش مواجه کند. به گفته این کارشناس، با وجود این متغیرها، مجموعه‌ای از عوامل بنیادی طی دو تا سه ماه گذشته مسیر بورس را تقویت کرده است. کاهش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، انتقال ارز صنایع به تالار دوم، اجرای معافیت‌های مالیاتی در برخی گروه‌ها، افت قیمت جهانی گاز و همچنین آزادسازی‌های نسبی در قیمت‌گذاری، زمینه رشد فروش و سودآوری شرکت‌ها را فراهم کرده است. در کنار آن، افزایش نرخ محصولات در صنایع خودرویی، زراعتی و برخی گروه‌های کالایی، به تقویت جریان نقدی شرکت‌ها کمک کرده است.

او در ادامه افزود: شاخص کل طی این دوره توانسته از محدوده ۲میلیون و ۴۰۰ هزار واحد به حوالی ۳میلیون و ۳۰۰ هزار واحد برسد. رشدی نزدیک به ۹۰۰ هزار واحد که عمدتا متاثر از افزایش نرخ ارز بوده است. اکنون فاصله قابل‌توجه میان نرخ دلار نیما و بازار آزاد که به حدود ۶۰ درصد رسیده است، این انتظار را تقویت کرده که سیاستگذار ناچار به تعدیل نرخ نیما شود؛ اگر این سیاست عملی شود، می‌تواند جهش فروش و سودآوری صادرکنندگان را به همراه داشته باشد.

عقب‌نشینی اول هفته دلار

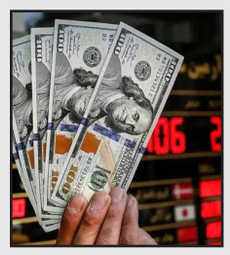

افت قیمت در اولین روز کاری هفته می‌تواند نشان‌دهنده تعدیل انتظارات کوتاه‌مدت معامله‌گران باشد؛ به‌ویژه پس از جهش‌های متوالی در هفته گذشته. برخی فعالان این افت را ناشی از کاهش تقاضای نقدی و مداخله عرضه‌کنندگان در بازار عنوان می‌کنند، درحالی‌که گروهی دیگر آن را اصلاح طبیعی پس از رشدهای سریع اخیر می‌دانند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که بخشی از تقاضای ارز مسافرتی و ارز زیارتی نیز کمتر از گذشته شده است.

در کنار این موضوع، برخی فعالان بازار معتقدند که انتشار خبر دعوت رسمی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از رئیس مرکز اطلاعات مالی کشور برای مذاکره حضوری، پس از شش سال، نیز ممکن است بر افت قیمت ارز موثر بوده باشد. ایران در ماه‌های اخیر تلاش‌هایی برای خروج از فهرست سیاه FATF آغاز کرده و در گام نخست، کنوانسیون پالرمو چندی قبل در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. همچنین تودیع این سند نزد امین اسناد سازمان ملل متحد در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته و فرآیند تصویب کنوانسیون CFT نیز در حال پیگیری است.

با این وجود برخی کارشناسان تاکید می‌کنند که هنوز برای خروج ایران از لیست سیاه گام‌های زیادی باید برداشت. در کنار این موضوع، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آغاز مجدد مذاکرات ایران و آمریکا نیز فضای روانی بازار را تحت‌تاثیر قرار داده است.

برزخ بورس

بازار سهام پس از تجربه فشار فروش سنگین در ابتدای بهمن‌ماه، طی روزهای اخیر وارد فاز کم‌نوسان‌تری شد. کاهش شتاب افت قیمت‌ها نشان می‌دهد بخشی از هیجان منفی، فروکش کرده و دادوستدها به سمت نوعی تعادل موقت حرکت کرده‌اند. در چنین فضایی، شاخص کل بورس با اتکا به تحرک نمادهای بزرگ و در سایه برخی حمایت‌ها، بازدهی مثبتی را در مقیاس هفتگی به ثبت رساند. با این حال، بررسی رفتار کلی بازار حاکی از آن است که این بهبود بیش از آنکه فراگیر باشد، محدود به سهام شاخص‌ساز باقی مانده است. این مساله که در افت شاخص هموزن نمایان شده از تداوم ضعف در بدنه اصلی بازار حکایت دارد. انتشار اخبار مربوط به تحولات سیاسی و مذاکرات، به آرام‌تر شدن فضای روانی بورس کمک کرده، اما تداوم رویکرد محتاطانه سرمایه‌گذاران، می‌تواند روند بازسازی بازار را زمان‌بر کند و مانع از شکل‌گیری یک مسیر صعودی پایدار در کوتاه‌مدت شود.

تحولات سیاست خارجی به‌عنوان یکی از عوامل بنیادین، نقش پررنگی در شکل‌دهی به فضای ذهنی سرمایه‌گذاران بازار سهام ایفا می‌کند. از آنجا که بورس ذاتا پیش‌نگر است، هرگونه سیگنال در خصوص امکان گشایش دیپلماتیک یا افزایش ریسک‌های سیاسی، پیش از آنکه آثار واقعی خود را در متغیرهای اقتصادی نشان دهد، در قیمت‌ها منعکس می‌شود. به همین دلیل، تغییر وضعیت در روابط خارجی می‌تواند به‌سرعت ترکیب تقاضا و عرضه در بازار سهام را دستخوش تغییر کرده و مسیر حرکت شاخص‌ها را در افق‌های زمانی کوتاه و میان‌مدت تحت تاثیر قرار دهد

در صورت شکل‌گیری چشم‌انداز مثبت از مذاکرات، نخستین اثر در کاهش ریسک‌های سیستماتیک نمایان می‌شود. ریسک سیاسی بخشی از نرخ تنزیل مورد استفاده سرمایه‌گذاران است. هر چه این ریسک کاهش یابد، ارزش ذاتی سهام بر اساس مدل‌های تحلیلی افزایش پیدا می‌کند. این موضوع به ویژه در صنایع بزرگ و صادرات‌محور مانند پتروشیمی، فلزات اساسی و معدنی‌ها پررنگ است. صنایعی که به دلیل تحریم‌ها با محدودیت در فروش، نقل‌وانتقال پول و هزینه‌های مبادلاتی مواجه بوده‌اند. کاهش این موانع می‌تواند حاشیه سود شرکت‌ها را بهبود دهد و چشم‌انداز سودآوری را شفاف‌تر کند. از سوی دیگر، توافق احتمالی می‌تواند بر متغیرهای کلان نیز اثرگذار باشد. تعدیل انتظارات تورمی، ثبات بیشتر در بازار ارز و بهبود دسترسی دولت به منابع ارزی، فضای سیاستگذاری اقتصادی را قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند. این ثبات، برای بازار سهام که در سال‌های اخیر از نااطمینانی‌های پی‌درپی آسیب دیده، یک سیگنال مثبت محسوب می‌شود.

همچنین با کاهش جذابیت سفته‌بازی در بازارهای موازی، بخشی از نقدینگی می‌تواند به سمت دارایی‌های مولد و از جمله سهام حرکت کند. با این حال، اثر مذاکرات بر بورس ساده نیست. برخی صنایع که از نرخ ارز بالا یا محدودیت واردات منتفع شده‌اند، ممکن است در فضای پساتوافق با فشار حاشیه سود مواجه شوند. در نتیجه، بازار از فاز رشد هیجانی اولیه به سمت تفکیک صنایع و تمرکز بر بنیان‌های سودآوری حرکت خواهد کرد. بنابراین، توافق بیش از آنکه صرفا یک محرک کوتاه‌مدت باشد، می‌تواند آغازگر دوره‌ای از بازچینی انتظارات و ارزش‌گذاری‌ها در بازار سهام باشد.

معاملات هفتگی از نگاه آمار

با عبور شاخص کل از مرز ۴میلیون واحد در اواخر هفته گذشته، شاهد افزایش سطح حمایت‌ها در بازار سرمایه بودیم. حضور پررنگ سرمایه‌گذاران حقوقی باعث شد شاخص کل بورس در مجموع ۱.۹۵ درصد بالاتر از سطح هفته قبل تثبیت شود. این رشد در حالی رقم خورد که بازار در هفته نخست بهمن‌ماه یکی از سنگین‌ترین ریزش‌های خود را تجربه کرده بود. در مقابل، شاخص هموزن که نماینده بهتری از وضعیت کلی سهام است، عقب‌نشینی کرد و با کاهش ۱.۲۶درصدی مواجه شد. این وضعیت نشان می‌دهد جریان نقدینگی همچنان بیشتر به سمت نمادهای بزرگ و دلاری متمایل است و بخش عمده بازار از این رشد بی‌نصیب مانده است. ترکیب رشد شاخص کل و افت شاخص هموزن بیانگر بازاری دوگانه است. باید ببینیم در روزهای آینده این روند ادامه می‌یابد یا وارد مسیر دیگری خواهد شد. در چنین شرایطی، پایداری صعود بازار منوط به بازگشت تقاضا به سهام کوچک و متوسط و افزایش مشارکت حقیقی‌هاست. در غیر این صورت، هر موج صعودی می‌تواند با یک اصلاح فرسایشی همراه شود. در هفته‌ای که گذشت ارزش معاملات خرد به ۱۴ هزار و ۸۲میلیارد تومان رسید که کمترین مقدار در ۸هفته اخیر محسوب می‌شود. در هفته مذکور هزار و ۸۹۱میلیارد تومان پول حقیقی نیز از گردونه معاملات سهام خارج شد. صندوق‌های طلا نیز با بازدهی منفی ۲.۳۷ درصدی نظاره‌گر خروج پول به میزان هزار و ۲۲۱میلیارد تومان بودند. اما از سویی صندوق‌های درآمد ثابت با کسب بازدهی ۰.۶۷ درصدی میزبان ۲ هزار و ۸۰۶میلیارد تومان پول حقیقی بودند.

دو سناریوی بورسی

بورس تهران اکنون در نقطه ارزنده‌ای قرار دارد. با وجود آنکه سطح کلیدی ۴میلیون واحدی، به لحاظ فنی جذابیت بالایی برای سهامداران دارد، نسبت p/e بورس نیز در کف ۷.۳ واحدی قرار دارد. بخش قابل‌توجهی از نمادهای بورسی نیز با p/e آینده‌نگر زیر ۴واحد مورد دادوستد قرار می‌گیرند. اما تحولات سیاسی نظامی منطقه می‌تواند سناریوی دیگری را روی میز بورس‌بازان قرار دهد. با کاهش ارزش معاملات، افزایش نرخ اوراق دولتی به نزدیک ۳۹درصد و اختلاف بالای نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی، می‌توان انتظار داشت شاخص کل بورس نیز به سطوح پایین‌تری در کوتاه‌مدت کاهش یابد. همه چیز به تحولات سیاسی روزهای آینده گره خورده است.

پایان انبساط پولی؟

در جلسه مقامات پولی بانک مرکزی آمریکا در شامگاه چهارشنبه، نرخ بهره کاهش یافت. با این حال، رئیس این نهاد تاکید کرد که سرمایه‌گذاران انتظار یک کاهش دیگر در نرخ‌ها را نداشته باشند. همزمان با این اظهارات محتاطانه، شاخص دلار با افزایش روبه‌رو شد و قیمت طلا نیز یک کاهش جزئی داشت. با این حال فلز زرد در معاملات روز پنج‌شنبه و جمعه روندی صعودی را تجربه کرد. زیرا عوامل بنیادی همچنان قوی هستند.

پایان انبساط پولی؟

در نهایت، موضع «کاهش همراه با هشدار» پاول پیام مهمی دارد: سیاست پولی در مسیر ساده‌سازی قرار ندارد و فدرال‌رزرو می‌خواهد استقلال خود را در برابر فشار سیاسی حفظ کند. هم‌زمان، سیاست‌های مرتبط با AI و تحولات بازار کار عنصر جدیدی در تحلیل‌های کلان ایجاد کرده است؛ تکنولوژی در کنار کاهش نرخ بهره می‌تواند هم به رشد بهره‌وری کمک کند و هم از طریق جایگزینی نیروی کار، فشار بیشتری بر بازار کار وارد کند. آنچه فراروی بازارهاست، دوره‌ای از عدم قطعیت بالا، حساسیت شدید به داده‌ها و احتمال افزایش اختلافات سیاستگذاران است؛ به‌ویژه با نزدیک شدن به چینش جدید فدرال‌رزرو در سال آینده و تنش فزاینده میان کاخ سفید و این نهاد.

فدرال‌رزرو در نشست اخیر خود دومین کاهش متوالی نرخ بهره را به میزان ۰.۲۵ واحد درصد اعمال کرد و آن را به محدوده ۳.۷۵ تا ۴ درصد رساند. با وجود خوش‌بینی بازار نسبت کاهش بعدی، جروم پاول، رئیس این نهاد در کنفرانس خبری هشدار داد که این ممکن است فعلا آخرین کاهش نرخ بهره باشد. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شد که دونالد ترامپ فشار سیاسی قابل‌توجهی برای کاهش‌های بیشتر وارد کرده و اقتصاد آمریکا با ضعف بازار کار، افزایش تورم ناشی از جنگ تجاری و اختلال در انتشار داده‌های رسمی به دلیل تعطیلی دولت مواجه است. در بازارها، پیش از سخنان پاول احتمال کاهش دوباره نرخ در دسامبر بیش از ۹۰ درصد بود، اما پس از هشدار او، بازدهی اوراق خزانه‌داری جهش کرد و احتمال کاهش بعدی افت محسوسی پیدا کرد.

همچنین، اختلاف‌نظر در داخل فدرال‌رزرو افزایش یافته است. رای‌گیری اخیر ۱۰ به ۲ پایان یافت؛ یک عضو خواهان کاهش بیشتر و عضو دیگر مخالف هرگونه کاهش بود. این شکاف در شرایطی رخ داده که برخی مقامات بیشتر نگران تضعیف بازار کار هستند و برخی دیگر تورم پایدار را تهدید اصلی می‌دانند. توقف انتشار داده‌های رسمی در دوره تعطیلی دولت نیز نااطمینانی را تشدید کرده است. پاول ضمن اشاره به کندی استخدام و اعلام تعدیل نیرو در شرکت‌هایی مانند آمازون و جنرال‌موتورز، تاکید کرد که فدرال‌رزرو وظیفه دارد از بازار کار حمایت کند، حتی اگر بخشی از ضعف فعلی ناشی از سیاست‌های مهاجرتی دولت باشد.

با این حال، بازار سهام آمریکا اما واکنش تندی نشان نداد و شاخص‌ها تقریبا ثابت ماندند. تحلیلگران این پایداری را نشانه‌ای از اتکای بیشتر بازار به رشد شرکت‌های فناوری و سرمایه‌گذاری عظیم در هوش مصنوعی می‌دانند تا سیاست پولی. با این حال، نتایج اخیر برخی شرکت‌های بزرگ فناوری مانند متا و مایکروسافت باعث نگرانی درباره بازگشت سرمایه این هزینه‌های سنگین شد؛ اگرچه گوگل عملکرد قدرتمندی ارائه داد. سرمایه‌گذاران اکنون سخت‌گیرانه‌تر به مخارج □□ نگاه می‌کنند و انتظار دارند سودآوری ملموس‌تری دیده شود.

در کنار این تحولات، فدرال‌رزرو اعلام کرده روند کوچک‌سازی ترازنامه و کاهش حجم اوراق خزانه‌داری را از اول دسامبر متوقف می‌کند. دلیل اصلی این تصمیم کاهش شدید ذخایر بانکی و افزایش نرخ‌های کوتاه‌مدت در بازار پول بود؛ وضعیتی که نشان داد ادامه سیاست «کاهش اندازه ترازنامه» می‌تواند به فشار نقدینگی تبدیل شود. با وجود توقف کاهش اوراق خزانه‌داری، فدرال‌رزرو همچنان اوراق رهنی (MBS) را به تدریج خارج کرده و منابع آن را به اوراق خزانه کوتاه‌مدت تبدیل خواهد کرد. نکته مهم این است که فدرال‌رزرو نرخ‌ها و ابزارهای عملیاتی مانند نرخ بهره ذخایر بانکی و نرخ ریپو را تغییر نداد تا سیگنال دهد که ابزار اصلی سیاست پولی همچنان نرخ بهره وجوه فدرال است. تحلیلگران بر این باورند که فدرال‌رزرو عمدتا تلاش کرده ثبات نرخ بهره را در برابر نوسانات حفظ کند.

میشل بومن، معاون نظارت بانک‌ها، برنامه‌ای برای کوچک‌سازی بخش نظارت و مقررات فدرال‌رزرو اعلام کرده که هدف آن کاهش حدود ۳۰ درصدی نیروی انسانی تا سال ۲۰۲۶ است. تمرکز بر کاهش مقررات، جلوگیری از تداخل با نهادهای ناظر دیگر و ریسک‌های اصلی بانک‌ها است. این جهت‌گیری مطابق رویکرد دولت ترامپ برای کاهش بار نظارتی و مقرراتی است، اگرچه برخی مقامات نسبت به تضعیف نظارت هشدار داده‌اند و معتقدند اصلاحات پس از بحران ۲۰۰۸ نباید تضعیف شود.

تحولات بازار جهانی

طلای جهانی پس از افت چشم‌گیر بها در هفت روز متوالی، در معاملات روز پنج‌شنبه نزدیک به ۲.۴ درصد رشد کرد و بار دیگر به بالای سطح ۴۰۰۰ هزار دلاری بازگشت. روز گذشته نیز فلز زرد با افزایش قیمت جزئی در کانال ۴۰۲۰ دلار بر اونس معامله شد. هرچند همچنان سومین ماه متوالی رشد خود را ثبت کرده و در مجموع ماه حدود ۴ درصد افزایش قیمت داشته است. دلیل افت قیمت در کوتاه‌مدت، تقویت دلار پس از صحبت‌های محتاطانه رئیس فدرال‌رزرو درباره کاهش نرخ بهره بیشتر است. شاخص دلار نیز در بالاترین سطح سه‌ماهه قرار گرفته و همین موضوع طلا را برای دارندگان ارزهای دیگر گران‌تر می‌کند. پس اظهارات پاول، احتمال کاهش نرخ بهره در دسامبر از بیش از ۹۱ درصد به حدود ۷۵ درصد کاهش یافت. این تردید و موضع نسبتا انقباضی پاول فشار کوتاه‌مدتی بر طلا وارد کرده، چرا که کاهش نرخ بهره معمولا به نفع طلاست و برعکس، تاخیر در کاهش، دلار را تقویت می‌کند.

به موازات این رویدادها، تحولات تجاری بین آمریکا و چین نیز روی بازار اثر گذاشته است. اعلام توافق ترامپ برای کاهش برخی تعرفه‌ها در مقابل تعهدات چین درباره فنتانیل، واردات سویا و تداوم صادرات مواد معدنی نادر و همچنین اظهارات مثبت رهبران دو کشور پس از دیدار، نقش طلا به عنوان دارایی امن را کمرنگ‌تر کرده است. هرچند باوجود اصلاح اخیر، طلا همچنان در مسیر رشد سالانه قرار دارد و تقاضای واقعی در آسیا با کاهش قیمت، اندکی تقویت شده است.

انتشار آمار خرید شدید بانک‌های مرکزی در سه‌ماه سوم سال ۲۰۲۵ و هشدار مدیران بانک‌های بزرگ مانند جیمی دایمون درباره احتمال جهش بیشتر طلا تا محدوده‌های ۵۰۰۰ تا حتی ۱۰۰۰۰ دلار، نشان‌دهنده تغییر بزرگ در ساختار بازار و تقاضای جهانی است. به نقل از برخی منابع، هنگ‌کنگ نیز به‌طور فعال به دنبال تبدیل‌شدن به یکی مراکز مهم معاملات طلاست و قصد دارد ظرفیت نگهداری طلای خود را افزایش دهد و یک سیستم تسویه مرکزی ایجاد کند.

ریسک‌های پولی همچنان سد راه بازار

۴۰ روز تقویمی از بازگشایی بورس بعد از جنگ تحمیلی۱۲ روزه می‌گذرد و این در حالی است که بازار تنها در سه روز موفق به جذب نقدینگی شده است. دیروز تالار شیشه‌ای بعد از یک خروج ممتد ۱۲ روزه شاهد ورود پول بود، ورودی که البته کارشناسان مختلف تفاسیر گوناگونی از علل آن ارائه می‌دهند، اما باور غالب آنها بر این است که تا بهبود میانگین ارزش معاملات نمی‌توان به بهبود وضعیت بورس امید بست.

پس از دوره‌ای طولانی از خروج نقدینگی، حالا بسیاری از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند و نشانه‌هایی از بازگشت سرمایه‌گذاران و ورود نقدینگی به برخی از صنایع دیده می‌شود. تحلیل نسبت‌های مالی مانند P/E و EV/EBIT نشان می‌دهد که فشار فروش تا حدی کاهش یافته و برخی معامله‌گران تازه‌وارد در حال ارزیابی فرصت‌های جذاب قیمتی هستند. از سوی دیگر، بررسی شاخص‌های تکنیکال نیز حکایت از این دارد که بیش از ۷۰ درصد نمادها به محدوده اشباع فروش وارد شده‌اند و به سطوح حمایتی کلیدی نزدیک شده‌اند که این موضوع به‌عنوان سیگنال خرید برای نوسان‌گیران و فعالان تکنیکال مطرح شده است.

با وجود این تحولات مثبت، مهم‌ترین مانع بنیادی بازار همچنان سیاست‌های پولی کشور است. روند افزایشی نرخ بهره و بالا رفتن هزینه‌های مالی شرکت‌ها، از یکسو فشار مضاعفی بر عملکرد مالی بنگاه‌ها وارد می‌کند و از سوی دیگر، جذابیت بازدهی ابزارهای درآمد ثابت را افزایش داده که باعث کاهش رغبت سرمایه‌گذاری در سهام می‌شود. در بعد سیاستگذاری نیز موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام دولتی در چارچوب برنامه هفتم توسعه یکی دیگر از محورهای کلیدی برای فعالان بازار است که به‌خصوص در شرکت‌های اولویت‌دار باید با سرعت بیشتری دنبال شود.

در مجموع، بازار سرمایه ایران اکنون در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که هرچند با فرصت‌های ارزنده‌ای همراه است، اما همچنان زیر سایه ریسک‌های سیاسی و سیاست‌های پولی قرار دارد و نیازمند تصمیمات هوشمندانه و حمایت‌های به موقع برای حفظ ثبات و رونق است.

ریسک‌های پولی؛ مهم‌ترین مانع بازار سهام

کامل ابراهیمیان، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه گفت: پس از خروج قابل‌توجه نقدینگی از بازار سرمایه در هفته‌های اخیر، عمدتا به‌دلیل تشدید ریسک‌های ناشی از تنش‌های جنگی و ابهام در خصوص چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی کشور، بخش عمده‌ای از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند که ما شاهد ورود نقدینگی به برخی از نمادها و صنایع بعد از چندین هفته خروج نقدینگی هستیم، بر اساس نسبت‌های مهم ارزش‌یابی همچون P/E و EV/EBIT، تجربه نشان می‌دهد که در چنین سطوحی فشار فروش کاهش یافته و بخشی از سرمایه‌گذاران جدید نیز به شناسایی و ارزیابی سهام جذاب از منظر قیمتی می‌پردازند. وی ادامه داد: از منظر تکنیکال، بررسی شاخص‌های بازار نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد نمادها در محدوده اشباع فروش قرار گرفته و بسیاری به سطوح حمایتی مهم رسیده‌اند. این شرایط، سیگنال‌های خرید معناداری برای سرمایه‌گذاران نوسان‌گیر و فعالان تکنیکال صادر کرده و طی روزهای اخیر شاهد تقویت این گروه از خریداران بوده‌ایم. ابراهیمیان معتقد است مهم‌ترین ریسک بنیادی پیش‌روی بازار همچنان در حوزه سیاست‌های پولی نهفته است. او گفت: «تداوم روند افزایشی نرخ بهره و نرخ بهره بین‌بانکی، از یک‌سو هزینه‌های مالی شرکت‌ها را بالا می‌برد و از سوی دیگر، با جذاب‌تر کردن بازده ابزارهای درآمد ثابت، انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار سهام را کاهش می‌دهد. این تحلیلگر ارشد بیان کرد: در بُعد سیاستگذاری، یکی از محورهای مورد توجه فعالان بازار، موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام تودلی در چارچوب برنامه هفتم توسعه است. هرچند سیاست وزارت اقتصاد مبنی بر واگذاری ابتدا در سطح مدیریت و سپس در مالکیت اعلام شده، اما انتظار می‌رود این روند با سرعت بیشتری دنبال شود، به‌ویژه برای شرکت‌هایی که در اولویت قرار گرفته‌اند.

وی گفت: در بخش عملکرد شرکت‌ها، به‌رغم محدودیت‌های ناشی از ناترازی انرژی، برخی صنایع همچنان روند رو به رشد فروش ماهانه را حفظ کرده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند نویدبخش ارائه گزارش‌های شش‌ماهه مطلوب از سوی این گروه‌ها در پایان تابستان باشد.

این تحلیلگر گفت: بازار سرمایه در حال حاضر از منظر ارزندگی و نسبت‌های بنیادی در شرایط جذابی قرار گرفته است. با این حال، تا زمان کاهش ریسک‌های سیستماتیک، رفتار سرمایه‌گذاران محتاطانه باقی خواهد ماند و انتظار می‌رود جریان نقدینگی عمدتا به سمت صنایع و نمادهایی هدایت شود که از منظر بنیادی و تکنیکال در موقعیت برتری قرار دارند.

«شرایط فعلی بازار سرمایه واقعا پاسخگوی هیچ‌یک از سوالات ما نیست و کاملا خارج از فضای اقتصادی است و به طور کامل برگرفته از مسائل سیاسی است. اگر بخواهیم روند تحلیل کلاسیک شامل بررسی ارزندگی شرکت‌ها، رشد سودآوری، نرخ بهره و... را ملاک قرار دهیم، به هیچ پاسخ منطقی نمی‌رسیم. بازار ما اکنون به گروگان تبدیل شده است و متاسفانه در شرایط نامساعد، رفتارهای متفاوت و نامنسجمی از خود نشان می‌دهد.» وی در ادامه افزود: «آقای مدنی‌زاده در اظهارات اخیرشان نشان داده‌اند که بیشتر به مبانی آکادمیک پایبند هستند.» محبی با بیان اینکه وضعیت بازار را سردرگم ارزیابی می‌کند، تصریح کرد: «بازار هیچ روند مثبتی از خود نشان نمی‌دهد و هنوز از مسیر نزولی خارج نشده است.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
۴
شنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

بازار «برق خورشیدی» در لرستان

خرم‌آباد: معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان گفت: اکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیدی در لرستان فعال است که با راه‌اندازی ۱۰ ساختگاه جدید ظرفیت تولیدی این انرژی تجدیدپذیر به بیش از ۱۰ برابر می رسد.

مهدی مجیدی اظهار کرد: تاکنون ۷۱۷ نیروگاه خورشیدی خانگی در شهرستان‌های مختلف استان احداث شده که حدود ۸۰ درصد آنها با محوریت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی(ره) و بسیج سازندگی انجام شده است.

وی افزود: بیشترین تعداد مربوط به شهرستان سلسله با ۲۰۲ فقره نیروگاه و ظرفیت تولید برق ۴هزار و ۲۴۲ کیلووات است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان اظهار کرد: خانوارهای بهره‌مند از این طرح ماهانه به‌طور میانگین ۵تا ۶میلیون تومان درآمد پایدار از محل فروش برق به شرکت توزیع برق دریافت می‌کنند و خرید تضمینی برق از این نیروگاه‌ها تا ۲۵ سال ادامه خواهد داشت.

مجیدی با بیان اینکه سرمایه‌گذاری لازم برای احداث نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی در شرایط فعلی حدود ۱۷۰ تا ۱۸۰میلیون تومان است، اضافه کرد: نهادهای حمایتی به دهک‌های یک تا چهار تسهیلات بانکی ارائه می‌کنند و افراد غیر از این دهک‌ها نیز می‌توانند با سرمایه‌گذاری شخصی وارد این طرح شوند.

وی ادامه داد: علاوه بر نیروگاه‌های خانگی ۱۰ ساختگاه بزرگ خورشیدی با ظرفیت مجموع ۳۰ مگاوات نیز در دستور کار قرار دارد که پس از تصویب در کمیسیون ماده ۲۱، اجرای آنها آغاز می‌شود و با بهره‌برداری از این طرح‌ها، ظرفیت انرژی خورشیدی استان به بیش از ۱۰ برابرمیزان فعلی افزایش خواهد یافت.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان با اشاره به محدودیت‌های موجود در برخی اراضی استان به دلیل منابع طبیعی و پوشش جنگلی افزود: تلاش می‌شود مکان‌یابی این نیروگاه‌ها به‌گونه‌ای انجام گیرد که کمترین آسیب به اراضی کشاورزی و منابع طبیعی وارد شود.

مجیدی همچنین درباره وضعیت طرح نهضت ملی مسکن در لرستان گفت: از زمان آغاز اجرای این طرح در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تاکنون تنها ۵۰ درصد متقاضیان به تسهیلات بانکی متصل شده‌اند و اگر این تسهیلات در زمان مقرر پرداخت می‌شد، بسیاری از متقاضیان تاکنون صاحب خانه شده بودند.

وی تاکید کرد: گسترش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مطرح است و در این میان انرژی خورشیدی به دلیل فراوانی، پاکی و توجیه پذیری اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ای کشورها یافته است.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار لرستان گفت: استان لرستان نیز طی سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های متعدد در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی و صنعتی، مسیر پایداری را برای تامین برق و ایجاد درآمد پایدار برای خانوارها دنبال می‌کند و رشد چشم‌گیر ظرفیت تولید برق خورشیدی در لرستان نشان‌دهنده حرکت سریع این استان در جهت توسعه انرژی پاک و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های طبیعی خود است.

وزن صادراتی منطقه ویژه خلیج‌فارس

بر اساس آمار منتشر شده، شرکت‌های مستقر در این منطقه توانسته‌اند به‌رغم تحریم‌ها، محدودیت‌های جهانی و نوسانات بازار، روندی صعودی در تولید و صادرات محصولات خود حفظ کنند و نقش موثری در توسعه صادرات غیرنفتی کشور ایفا کنند که در این زمینه عملکرد شرکت‌های فولادی مستقر در منطقه همچون فولاد هرمزگان، مادکوش، صبا فولاد خلیج فارس و فولاد کاوه جنوب کیش برجسته بوده است.

محمدرضا پیرحسینلو، مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی خلیج‌فارس گفت: در این منطقه با پشتیبانی همه‌جانبه ایمیدرو، همراهی شرکت‌های مستقر و مسوولان محلی، پروژه‌های متعددی در حوزه زیرساخت، انرژی و لجستیک به مرحله اجرا رسید که تاثیر مستقیمی در افزایش ظرفیت تولید و رشد کم‌سابقه صادرات این منطقه داشت.

وی، نقش محوری این منطقه در توسعه صادرات غیرنفتی کشور را برجسته دانست و افزود: این موفقیت، حاصل عزم جدی و برنامه‌ریزی دقیق در شرایطی است که جهان با چالش‌های متعدد اقتصادی و محدودیت‌های تجاری مواجه بوده است.

براساس آمارهای رسمی منتشر شده، ارزش صادرات منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس در سال گذشته به رقم چشم‌گیر یک‌میلیارد و ۴۹۴میلیون و ۹۸۳ هزار دلار رسید. این حجم از صادرات، عمدتا شامل محصولات استراتژیک فولادی، آلومینیومی، روی، پتروشیمی و سایر مواد معدنی بوده که به بازارهای متنوع بین‌المللی ارسال شده‌اند.

از سوی دیگر، حجم تولید شرکت‌های مستقر در این منطقه نیز عدد قابل‌توجه ۸میلیون و ۶۷۴ هزار و ۲۴۶ تن را ثبت کرده که از این مقدار، ۳میلیون و ۷۵۳ هزار و ۵۲۸ تن به صورت مستقیم صادر شده است. در بخش صنایع غیرآهنی، شرکت‌های هرمزال و آلومینیوم المهدی با تولید بیش از ۱۵۲,۰۰۰ تن شمش آلومینیوم، عملکردی باثبات و تاثیرگذار داشتند. این مجموعه‌ها به‌رغم نوسانات نرخ انرژی، رشد مثبت صادرات را تجربه کردند و با ثبت ارزش صادراتی ۲۷۸میلیون و ۲۳۴ هزار دلار، نقش کلیدی در حفظ تراز تجاری منطقه ایفاکردند.

گذار به حکمرانی شفاف در معدن

بیتا حسن پور – بخش معدن همواره یکی از ارکان اصلی اقتصاد ملی ایران بوده است و نقش آن در تامین مواد اولیه صنایع، اشتغال‌زایی و توسعه صادرات غیرنفتی غیرقابل انکار است.

از ابتدای انقلاب، کشور شاهد رشد و تنوع چشم‌گیر فعالیت‌های معدنی بوده است، اما این رشد بدون ایجاد چارچوب‌های قانونی شفاف و استاندارد، همواره با چالش‌هایی در زمینه تصمیم‌گیری استانی، تضییع حقوق ذی‌نفعان و اختلاف در تفسیر قوانین مواجه بوده است. شوراهای معادن استان‌ها به عنوان ارکان تصمیم‌گیری محلی، مسوولیت سنگینی در مدیریت معادن و حفظ منابع ملی دارند و هرگونه ناهماهنگی یا اعمال سلیقه شخصی می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجهی به همراه داشته باشد.

در چنین بستری، ابلاغ نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها توسط معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت و دبیرخانه شورای عالی معادن، گامی مهم در جهت ایجاد وحدت رویه و ارتقای شفافیت محسوب می‌شود. این نظام‌نامه، علاوه بر تعیین چارچوب حقوقی و اجرایی، با هدف حمایت از سرمایه‌گذاران و صیانت از حقوق بهره‌برداران، زمینه‌ساز تحول ساختاری در سطح استان‌ها می‌شود و می‌تواند الگوی خوبی برای سایر بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشور باشد.

پیش از این، عملکرد شوراهای معادن استان‌ها با چالش‌های ساختاری و اجرایی جدی مواجه بود. نبود چارچوب شفاف و یکسان برای رسیدگی به پرونده‌ها، اختلاف رویه‌ها میان استان‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی، مشکلاتی را برای فعالان معدنی و بهره‌برداران ایجاد می‌کرد که در موارد متعدد به مراجعات قضایی و توقف پروژه‌ها منجر می‌شد. در بسیاری از استان‌ها، پرونده‌های مشابه با تفاسیر متفاوت از قوانین و مقررات بررسی می‌شد و این عدم هماهنگی باعث افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش اعتماد فعالان بخش معدن به شوراها می‌گردید.

علاوه بر این، فقدان مکانیسم مشخص برای حضور ذی‌نفعان، حق دفاع، مطالعه پرونده و استفاده از وکیل، امکان تضییع حقوق قانونی و اعتراض‌های مکرر را فراهم می‌کرد. این وضعیت پیشین نه تنها بهره‌وری شوراها را کاهش می‌داد، بلکه محیط کسب‌وکار معدنی را نیز با عدم پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات مواجه می‌کرد و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را با مخاطره روبه‌رو می‌ساخت. همین واقعیت‌ها ضرورت ایجاد یک نظام‌نامه جامع و روشن را برای شورای معادن استان‌ها برجسته می‌کرد، به‌گونه‌ای که هم وحدت رویه و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها فراهم شود و هم حقوق ذی‌نفعان صیانت گردد و روند سرمایه‌گذاری و توسعه معدنی کشور با ثبات و قابل پیش‌بینی گردد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بخش معدن کشور طی سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، تفاوت رویه‌ها و تصمیمات شوراهای معادن استان‌ها در پرونده‌های مشابه است. پیش از این، یک پرونده معدنی در استان‌های مختلف می‌توانست نتایج متفاوتی داشته باشد، حتی اگر شرایط فنی و حقوقی پرونده مشابه باشد. این امر باعث سردرگمی فعالان معدنی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش اعتماد به سیستم تصمیم‌گیری محلی می‌شد.

با ابلاغ نظام‌نامه، ترکیب اعضای شوراها، فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها، نحوه احضار ذی‌نفعان، حق دسترسی به پرونده و چارچوب صدور آرا به صورت دقیق مشخص شده است. این اقدامات، به معنای کاهش اعمال نظر شخصی و ایجاد وحدت رویه در تصمیم‌گیری‌ها است. با کاهش اختلافات استانی، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌توانند با اطمینان بیشتری پروژه‌های خود را برنامه‌ریزی و اجرا کنند. علاوه بر این، هماهنگی بین شوراها امکان توسعه پایدارتر را فراهم می‌آورد و از تضییع منابع ملی جلوگیری می‌کند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد که نبود وحدت رویه و شفافیت در تصمیم‌گیری، نه تنها به کاهش سرمایه‌گذاری می‌انجامد، بلکه باعث بروز اختلافات اجتماعی و کاهش کارآیی بخش معدن نیز می‌شود. بنابراین، نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها می‌تواند با کاهش اختلاف‌های محلی و ارائه چارچوب یکسان، محیطی امن و قابل پیش‌بینی برای فعالیت‌های معدنی ایجاد کند و امنیت سرمایه‌گذاری را در بلندمدت تضمین نماید.

حق دفاع بهره‌برداران در شوراهای معادن

تضمین حقوق ذی‌نفعان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها است. تا به امروز، بسیاری از بهره‌برداران و فعالان معدنی شکایت می‌کردند که تصمیمات شوراها بدون اطلاع دقیق یا فرصت دفاع کافی اتخاذ می‌شود و این امر منجر به مراجعات مکرر به مراجع قضایی می‌گردید. نظام‌نامه جدید برای حل این مشکل، مکانیسم‌های مشخصی پیش‌بینی کرده است. ذی‌نفعان حق دارند پیش از جلسه شورا، پرونده خود را مطالعه کنند و از مدارک و مستندات مطلع شوند.

علاوه بر این، امکان حضور در جلسات و ارائه دفاعیات شخصی یا از طریق وکیل فراهم شده است. تعیین مواعد مشخص برای رسیدگی و ابلاغ موثر، از دیگر ابزارهای کاهش مراجعات قضایی است، زیرا ذی‌نفعان فرصت کافی برای دفاع دارند و تصمیمات به صورت شفاف اتخاذ می‌شوند. این مکانیسم‌ها نه تنها حقوق قانونی ذی‌نفعان را تضمین می‌کند، بلکه باعث کاهش اختلافات و هزینه‌های غیرضروری در نظام قضایی می‌شود. از منظر اقتصادی، کاهش مراجعات قضایی به معنای صرفه‌جویی در زمان و منابع فعالان و دستگاه‌های دولتی است و از توقف پروژه‌های معدنی جلوگیری می‌کند. در نتیجه، نظام‌نامه نه تنها یک چارچوب حقوقی فراهم می‌کند، بلکه با ارتقای شفافیت، عملکرد کلی بخش معدن را بهبود می‌بخشد و اعتماد ذی‌نفعان را بازمی‌گرداند.

عقلانیت فنی در برابر فشارهای غیررسمی

یکی دیگر از نوآوری‌های نظام‌نامه، امکان تشکیل کارگروه‌های تخصصی در شورای معادن استان‌ها است. این کارگروه‌ها شامل کارشناسان فنی، محیط‌زیستی، حقوقی و اقتصادی می‌شوند و مسوول بررسی دقیق پرونده‌های پیچیده هستند. پیش از این، در مورد برخی پرونده‌ها بدون بررسی تخصصی کافی در شوراها تصمیم‌گیری می‌شد که گاهی منجر به اشتباهات فنی یا تضییع حقوق ذی‌نفعان می‌گردید.

با وجود کارگروه‌های تخصصی، پرونده‌ها ابتدا از منظر تخصصی بررسی شده و گزارش کارشناسی به شورا ارائه می‌شود. این روند باعث افزایش کیفیت تصمیمات، کاهش خطاهای فنی و افزایش اعتبار شورا در بین فعالان معدنی می‌شود. همچنین، کارگروه‌ها می‌توانند در زمینه‌های زیست‌محیطی، ارزیابی ذخایر، حل اختلافات مرزی و بررسی طرح‌های توجیهی فعالیت کنند و تصمیم‌ها را بر پایه داده‌ها و تحلیل‌های علمی اتخاذ نمایند. در سطح اجتماعی، این رویکرد از اعمال فشارهای غیررسمی و سیاسی بر شورا جلوگیری می‌کند و موجب افزایش اعتماد عمومی به فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود.

علاوه بر این، کارگروه‌های تخصصی می‌توانند تجارب خود را مستندسازی کرده و بهبودهای مستمر نظام‌نامه را پیشنهاد دهند، به‌گونه‌ای که شوراها بتوانند با شفافیت و دقت بیشتری به وظایف خود عمل کنند و تصمیمات خود را بر اساس شواهد و تحلیل‌های علمی اتخاذ نمایند.

شفافیت تصمیم‌گیری و تاثیر آن بر جذب سرمایه

اجرای نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها تاثیر مستقیم و مثبت بر اقتصاد معدن دارد. شفافیت تصمیم‌گیری باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌شود و زمینه را برای سرمایه‌گذاری بلندمدت فراهم می‌آورد. سرمایه‌گذاران با اطمینان از یکسان بودن فرآیندها و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات، تمایل بیشتری به ورود به پروژه‌های معدنی دارند. علاوه بر این، کاهش مراجعات قضایی و بهبود فرآیندهای اداری باعث تسریع صدور مجوزها و پروانه‌ها می‌شود، که به معنای کاهش زمان‌بری و هزینه‌های اجرایی پروژه‌ها است.

در بخش تولید، این شفافیت باعث افزایش بهره‌وری می‌شود، زیرا فعالان معدنی می‌توانند برنامه‌ریزی دقیق‌تر داشته باشند و ریسک‌های عملیاتی و مالی خود را بهتر مدیریت کنند. از منظر فضای کسب‌وکار، ایجاد چارچوب مشخص و جلوگیری از تصمیمات سلیقه‌ای موجب افزایش رقابت سالم بین فعالان معدنی می‌شود و زمینه برای توسعه پایدار و افزایش تولید ملی فراهم می‌آید.

در نهایت، شفافیت، عدالت و امنیت سرمایه‌گذاری نه تنها به نفع سرمایه‌گذاران است، بلکه به رشد اقتصادی کشور و ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران در حوزه معدن نیز کمک می‌کند.

آیا توسعه پایدار ممکن است؟

حفظ تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست، یکی از اصول کلیدی نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها است. حضور نماینده سازمان حفاظت محیط زیست استان در شورا، نشان‌دهنده اهمیت ملاحظات زیست‌محیطی در تصمیم‌گیری‌های معدنی است. این نکته اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا فعالیت‌های معدنی می‌تواند تاثیرات مستقیم بر منابع طبیعی، آب، خاک و زیستگاه‌های محلی داشته باشد.

رعایت این ابعاد زیست‌محیطی نه تنها به حفظ منابع ملی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد توسعه پایدار و مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز منجر می‌شود. در عصر جهانی شدن و افزایش توجه به توسعه پایدار، فعالان معدنی و دولت‌ها موظفند پروژه‌ها را با توجه به استانداردهای محیط زیستی طراحی و اجرا کنند. علاوه بر این، ملاحظات زیست‌محیطی می‌تواند به پیشگیری از اعتراضات اجتماعی و کاهش تضاد با جوامع محلی منجر شود و از بروز تخلفات و خسارات طولانی‌مدت جلوگیری کند. بنابراین، نظام‌نامه با ایجاد چارچوبی برای ارزیابی و کنترل اثرات زیست‌محیطی، مسیر توسعه اقتصادی مسوولانه و پایدار را هموار می‌سازد.

تجارب بین‌المللی

کشورهای پیشرفته معدنی مانند استرالیا، کانادا و آفریقای جنوبی، سال‌هاست که با چالش‌های مشابه ایران روبه‌رو بوده‌اند. در این کشورها، شوراها و کمیته‌های تخصصی مسوول تصمیم‌گیری شفاف و یکپارچه هستند و فرآیندها به صورت قانونی، شفاف و قابل پیش‌بینی تعریف شده‌اند.

تجربه این کشورها نشان می‌دهد که رعایت اصول شفافیت، مشارکت جوامع محلی و توجه به ملاحظات زیست‌محیطی باعث افزایش جذب سرمایه، کاهش اختلافات و بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. ایران با ابلاغ نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها، گام بلندی در جهت همسویی با استانداردهای بین‌المللی برداشته است و می‌تواند با استفاده از این تجربیات، فرآیند تصمیم‌گیری استانی را بهینه کرده و از بروز مشکلات مشابه جلوگیری کند. علاوه بر این، الگوگیری از روش‌های نظارتی و تحلیلی کشورهای پیشرفته می‌تواند به طراحی سیستم‌های پایش عملکرد شوراها و اصلاح مستمر فرآیندها کمک کند. اجرای موفق نظام‌نامه شورای معادن استان‌ها نیازمند تعهد و همکاری تمام ذی‌نفعان است. برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای شوراها، استفاده از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های GIS و هوش مصنوعی و ایجاد سامانه‌های الکترونیکی برای ثبت و پیگیری پرونده‌ها، از جمله اقدامات کلیدی برای موفقیت در این مسیر هستند.

همچنین، تقویت نظارت دبیرخانه شورای عالی معادن و دریافت بازخورد مستمر از فعالان معدنی، می‌تواند باعث اصلاح و بهبود مستمر نظام‌نامه شود. چشم‌انداز آینده شامل افزایش جذب سرمایه، رشد تولید و بهره‌وری، کاهش تضییع حقوق و بهبود فضای کسب‌وکار است. با اجرای دقیق این نظام‌نامه، بخش معدن ایران می‌تواند نقش واقعی خود را در توسعه پایدار و رونق اقتصادی کشور ایفا کند و تصویر قابل قبولی در سطح بین‌المللی ارائه دهد.

جمینای رایگان برای هندی‌ها

«گوگل» و «موکش آمبانی» قصد دارند با همکاری یکدیگر، امکان دسترسی رایگان به هوش مصنوعی را برای کاربران هندوستان فراهم کنند. گوگل با همکاری شرکت «ریلاینس اینداستریز» (Reliance Industries) متعلق به «موکش آمبانی»(Mukesh Ambani) میلیاردر هندی، دسترسی رایگان به نسخه Pro هوش مصنوعی خود را برای میلیون‌ها کاربر سرویس «جیو» (Jio) در هند فراهم می‌کند.

به گزارش تک‌کرانچ، گوگل در تلاش برای گسترش حضور هوش مصنوعی خود در بازارهای نوظهور، با شرکت ریلاینس اینداستریز همکاری کرده است تا اشتراک نسخه Pro هوش مصنوعی خود را بدون هیچ هزینه اضافی با طرح‌های 5G جیو همراه کند. گوگل از همکاری با ریلاینس اینداستریز -بزرگ‌ترین شرکت هند از نظر ارزش بازار- برای ارائه اشتراک رایگان نسخه Pro به مدت ۱۸ ماه برای کاربران واجد شرایط جیو خبر داد.

رقابت قدرت‌های آسیایی در معادن استراتژیک

آسیا و اقیانوسیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های معدنی جهان، در سال‌های اخیر نقشی تعیین‌کننده در تامین مواد اولیه صنایع جهانی ایفا کرده است. این منطقه با برخورداری از ذخایر گسترده، تقاضای داخلی رو به رشد و توسعه ظرفیت‌های فرآوری پایین‌دستی، در مرکز تحولات بازار جهانی مواد معدنی قرار دارد. داده‌های سازمان زمین‌شناسی آمریکا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵، آسیا و اقیانوسیه سهمی بالغ بر ۵۶.۶ درصد از کل ذخایر عناصر نادر خاکی جهان را در اختیار داشته است؛ رقمی که جایگاه این منطقه را در زنجیره ارزش فناوری‌های پیشرفته و صنایع نوین تثبیت می‌کند. همچنین، سهم ۴۲.۳درصدی از ذخایر نیکل، ۲۲.۹درصد از ذخایر سرب، ۲۰درصد از ذخایر روی، ۱۶.۵درصد از منگنز، ۱۲.۸درصد از سنگ‌آهن، ۱۰.۹درصد از نقره، ۱۰.۵درصد از طلا و ۱۰درصد از لیتیوم، نشان‌دهنده تمرکز قابل‌توجه منابع راهبردی در این بخش از جهان است.

عدم قطعیت در مسیر توسعه معادن

با وجود این ظرفیت عظیم، بخش معدن آسیا و اقیانوسیه در فضایی پیچیده و چندلایه حرکت می‌کند. چالش‌های داخلی از جمله ضعف زیرساخت‌ها، هزینه‌های بالای عملیاتی، ناپایداری مقررات و محدودیت‌های زیست‌محیطی، در کنار فشارهای فزاینده ژئوپلیتیک، مسیر توسعه پایدار این صنعت را با عدم قطعیت‌هایی همراه کرده است. در این میان، سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای ایالات متحده در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به عاملی اثرگذار در ایجاد نوسانات بازار و تغییر معادلات ژئوپلیتیک تبدیل شده است.

تلاش ایالات متحده برای کاهش وابستگی به زنجیره‌های تامین چین، باعث بروز هم‌زمان فرصت‌ها و اختلال‌هایی در بازار مواد معدنی شده است. امضای توافق‌نامه‌های همکاری در حوزه مواد معدنی حیاتی میان آمریکا و کشورهایی نظیر ژاپن، مالزی و تایلند در سال ۲۰۲۵، نمادی از راهبرد جدید این کشور برای تقویت زنجیره‌های تامین مستقل از چین است. در مقابل، برخی کشورهای آسیایی و اقیانوسیه با تعمیق روابط اقتصادی و تجاری خود با چین، تلاش دارند توازن ژئوپلیتیک را به نفع خود بازتعریف کنند. نتیجه این روند، شکل‌گیری یک فضای رقابتی جدید است که در آن کشورها به دنبال تثبیت جایگاه راهبردی خود در شبکه جهانی تامین مواد معدنی هستند.

در این میان، زغال‌سنگ همچنان رکن حیاتی صنعت معدن در آسیا و اقیانوسیه محسوب می‌شود. این منطقه در سال ۲۰۲۴حدود ۷۲.۷درصد از تولید جهانی زغال‌سنگ را به خود اختصاص داده است؛ سهمی که نشان‌دهنده وابستگی گسترده اقتصادهای منطقه به این منبع انرژی سنتی است. چین با در اختیار داشتن ۷۱.۳درصد از تولید زغال‌سنگ منطقه، نقش غالب را ایفا می‌کند، درحالی‌که هند و اندونزی به ترتیب با سهم‌های ۱۶.۳ و ۱۲.۵درصدی، دیگر بازیگران اصلی این بازار هستند. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که طی دوره ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰، تولید زغال‌سنگ در منطقه رشد محدودی با نرخ مرکب سالانه ۰.۸درصد را تجربه کند؛ رشدی که عمدتا نتیجه افزایش تولید در هند و کاهش نسبی عرضه در چین و اندونزی خواهد بود.

تثبیت رهبری اژدها

چین با وجود فشارهای زیست‌محیطی و رقابت فزاینده منابع انرژی تجدیدپذیر، همچنان

جایگاه خود را به‌عنوان قدرت برتر معدنی حفظ خواهد کرد. انتظار می‌رود سهم این کشور از تولید زغال‌سنگ منطقه تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۶۸.۶درصد برسد، هرچند تولید معادن زغال‌سنگ چین به دلیل کاهش کیفیت ذخایر و افزایش هزینه‌های استخراج، رشد منفی جزئی را تجربه خواهد کرد. با این حال، حضور بازیگران بزرگی نظیر گروه سرمایه‌گذاری CHN ENERGY، گروه ملی زغال‌سنگ چین و گروه صنعت زغال‌سنگ و شیمی شانشی، پشتوانه‌ای برای استمرار نفوذ این کشور در بازار جهانی محسوب می‌شود.

فراتر از زغال‌سنگ، چین در طیف گسترده‌ای از مواد معدنی نیز نقش محوری دارد. در سال ۲۰۲۴، این کشور بیش از ۵۱.۸درصد از زغال‌سنگ جهانی، ۴۳.۲درصد از سرب، ۳۳.۷درصد از روی، ۱۹.۵درصد از بوکسیت، ۱۷.۷درصد از لیتیوم و سهم قابل‌توجهی از نقره، سنگ‌آهن، طلا و منگنز را تولید کرده است. ترکیب ذخایر گسترده داخلی، سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولتی، مقیاس بزرگ تولید و حضور هم‌زمان در حلقه‌های استخراج و فرآوری، چین را به یکی از بازیگران کلیدی و تاثیرگذار در ساختار صنعت معدن جهانی تبدیل کرده است. چشم‌انداز معدن چین تا سال ۲۰۳۰ نشان‌دهنده تمرکز فزاینده بر مواد معدنی حیاتی است.

رشد تولید لیتیوم، گرافیت و اورانیوم با نرخ‌های مرکب سالانه به ترتیب ۳.۳، ۲.۹ و ۲.۰درصد، بازتابی از اهمیت روزافزون این مواد در صنایع باتری، انرژی پاک و فناوری‌های نوین است. در بخش فلزات پایه، تولید مس با نرخ رشد ۲ درصدی پیشتاز خواهد بود، درحالی‌که تولید روی، سرب، منگنز و سنگ‌آهن عمدتا ثابت باقی می‌ماند. در مقابل، تولید طلا و بوکسیت به دلیل تعطیلی معادن و اجرای مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه، روندی کاهشی را تجربه خواهد کرد.

بازیگر جدید صنایع معدنی

در سوی دیگر، هند به‌عنوان یکی از قطب‌های در حال رشد معدن در آسیا و اقیانوسیه، نقش پررنگی در بازار زغال‌سنگ و سنگ‌آهن ایفا می‌کند. این کشور در سال ۲۰۲۴ سهم ۱۶.۳ درصدی از تولید زغال‌سنگ منطقه را در اختیار داشته و شرکت‌هایی مانند Coal India و Singareni Collieries، بازیگران اصلی این بخش محسوب می‌شوند. سیاست دولت هند برای خودکفایی در تولید زغال‌سنگ و واگذاری بلوک‌های معدنی به بخش خصوصی، زمینه‌ساز رشد قابل‌توجه ظرفیت تولید شده است. برنامه‌ریزی برای افتتاح ۱۰۰ معدن جدید تا سال مالی ۲۰۳۰-۲۰۲۹ و افزایش ظرفیت سالانه تا ۵۰۰میلیون تن، نشان‌دهنده عزم این کشور برای تقویت امنیت انرژی و کاهش وابستگی به واردات است.

در بخش سنگ‌آهن نیز انتظار می‌رود تولید هند با نرخ مرکب سالانه ۲.۷ درصد رشد کند؛ رشدی که ناشی از افزایش تقاضای داخلی فولاد، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت‌های سیاستی دولت است. با این حال، همه بخش‌های معدنی هند از چنین روند مثبتی برخوردار نیستند. پیش‌بینی می‌شود تولید برخی فلزات پایه و گرانبها، از جمله نقره، روی و اورانیوم، به دلیل تعطیلی معادن و نبود ظرفیت‌های جدید، با کاهش قابل‌توجهی مواجه شود؛ موضوعی که می‌تواند توازن عرضه و تقاضا در بازار داخلی و منطقه‌ای را تحت تاثیر قرار دهد.

چشم‌انداز معدنی اندونزی

اندونزی نیز به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در تولید نیکل و کبالت، جایگاهی استراتژیک در بازار مواد معدنی حیاتی دارد. این کشور در سال ۲۰۲۴ بیش از ۸۰ درصد از تولید نیکل منطقه را به خود اختصاص داده و با در اختیار داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نیکل جهان، نقش محوری در زنجیره تامین باتری‌های لیتیوم‌یونی و صنایع خودروهای برقی ایفا می‌کند. سیاست‌های حمایتی دولت اندونزی برای توسعه صنعت نیکل و افزایش ارزش افزوده داخلی، موجب شده است که عرضه این فلز تا سال ۲۰۳۰ با نرخ رشد سالانه نزدیک به ۳.۹ درصد افزایش یابد. در حوزه کبالت نیز اندونزی با سهم ۸۲.۴ درصدی از تولید منطقه، در مسیر رشد سریع قرار دارد. آغاز پروژه‌هایی نظیر Morowali، Pomalaa و Sorowako، چشم‌انداز افزایش عرضه کبالت با نرخ مرکب سالانه ۱۵.۶ درصدی را نشان می‌دهد؛ رشدی که می‌تواند جایگاه این کشور را در بازار جهانی فلزات حیاتی بیش از پیش تقویت کند.

اصلاحات قانونی فیلیپین

در کنار این سه قدرت معدنی، فیلیپین نیز با اجرای اصلاحات ساختاری و قانونی، در حال بازتعریف جایگاه خود در صنعت معدن است. تصویب قانون جدید در سپتامبر ۲۰۲۵، که رژیم مالی تقویت‌شده‌ای برای معادن فلزی بزرگ‌مقیاس معرفی می‌کند، گامی مهم در جهت افزایش شفافیت، بهبود حاکمیت و تضمین سهم عادلانه دولت از درآمدهای معدنی محسوب می‌شود. این قانون همچنین بر توسعه استخراج پایدار، تسهیل فرآیندهای مجوزدهی و تمرکز بر فرآوری با ارزش افزوده به جای صادرات سنگ خام تاکید دارد. فیلیپین با برخورداری از ذخایر قابل‌توجه نیکل و کبالت، یکی از تامین‌کنندگان مهم این فلزات در منطقه است. با این حال، پیش‌بینی می‌شود تولید نیکل و کبالت این کشور تا سال ۲۰۳۰ به دلیل تعطیلی معادن و نبود ظرفیت‌های جدید، در سطحی ثابت باقی بماند؛ امری که می‌تواند توان رقابتی این کشور را در برابر رقبای منطقه‌ای محدود کند

در مجموع، چشم‌انداز صنعت معدن در آسیا و اقیانوسیه نشان‌دهنده ترکیبی از فرصت‌های راهبردی و چالش‌های ساختاری است. وفور منابع معدنی حیاتی، اصلاحات سیاستی، رقابت ژئوپلیتیک و تحول در زنجیره‌های تامین جهانی، این منطقه را به یکی از کانون‌های اصلی تحولات اقتصادی دهه پیش‌رو تبدیل کرده است. نحوه مدیریت این فرصت‌ها و چالش‌ها، نه‌تنها آینده صنعت معدن منطقه، بلکه مسیر توسعه صنعتی و انرژی جهان را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد.

۵
روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

پشت صحنه ناوگان سایه

لیلا جلیلوند – در روزهایی که تحریم‌های غرب علیه ایران و روسیه با هدف محدود کردن درآمدهای نفتی این کشورها شدت گرفته، یک شرکت بیمه کوچک در نیوزیلند به نام Maritime Mutual نقش حیاتی در ادامه جریان صادرات نفت تحریم‌شده این دو کشور ایفا کرده است.

به گزارش رویترز، این شـــرکت که دفتر مرکزی آن در اوکلند واقع شـــده و توسط خانواده‌ای بریتانیایی اداره می‌شود، بیش از دو دهه است که در زمینه بیمه کشتی‌ها از جمله یدک‌کش‌ها، کشتی‌های مسافری و حامل‌های بار فعالیت دارد.

اما بررسی‌های رویترز نشان می‌دهد که Maritime Mutual با ارائه بیمه به کشتی‌هایی که از تحریم‌های بین‌المللی سرپیچی می‌کردند، به ادامه تجارت نفتی ایران و روسیه در آسیا کمک کرده است. در کریسمس گذشته، نفتکش Yug پس از تخلیه ۲میلیون بشـــکه نفت ایران در بندر چینگدائو، مسیر خود را ادامه داد. همزمان، در نزدیکی قطب شـــمال، نفتکش دیگری حامل نفت خام روسیه مسیر خود را به سمت هند در پیش گرفت و هزاران مایل آن‌سوتر، نفتکش سومی محموله نفت ایران را در سواحل مالزی تخلیه کرد.

این سه نفتکش از لحاظ مالکیت، اپراتوری و مشتریان متفاوت بودند، اما یک عامل مشترک داشتند: بیمه‌ای که توسط Maritime Mutual ارائه شـــده بود. این شـــرکت کوچک، تحت پشتیبانی بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه مجدد جهان، تقریبا یک ششم از نفتکش‌های «ناوگان سایه‌ای» تحریم‌شده توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و بریتانیا را تحت پوشش بیمه‌ای قرار داده است.

ناوگان سایه اصطلاحی است که برای کشتی‌هایی به کار می‌رود که با تغییر نام و مدارک، محموله‌های نفتی را جابه‌جا می‌کنند. بیمه‌ای که Maritime Mutual ارائه می‌دهد، برای این کشتی‌ها حیاتی است، زیرا حتی بنادر ایران و روسیه نیز بدون بیمه، اجازه ورود به کشتی‌ها را نمی‌دهند.

بر اساس اسناد و اطلاعات رویترز،Maritime Mutual مسوول بیمه بسیاری از کشتی‌هایی بوده که نفت ایران و روسیه را پس از اعمال تحریم‌ها حمل کرده‌اند. از سال ۲۰۱۸، دست‌کم ۱۳۰ کشتی تحت پوشش این شرکت، محموله‌های نفتی را پس از اعمال تحریم‌ها جابه‌جا کرده‌اند. ارزش محموله‌های حمل‌شده توسط این کشتی‌ها بالغ بر ۱۸میلیارد دلار نفت ایران و ۱۷میلیارد دلار نفت روسیه بوده و حتی در روزهایی مشخص، بیش از ۳۰ نفتکش تحت پوشش Maritime Mutual در حال جابه‌جایی نفت تحریم‌شده بوده‌اند.

با وجود ادعای شرکت مبنی بر رعایت کامل تحریم‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از این کشتی‌ها حتی در روزهایی که توسط غرب در فهرست سیاه قرار داشتند، تحت بیمه این شرکت بودند. برای نمونه، نفتکش Fenghuang پس از قرار گرفتن در فهرست سیاه آمریکا در فوریه ۲۰۲۵، به مدت طولانی تحت پوشش بیمه Maritime Mutual بوده است.

فعالیت‌های Maritime Mutual باعث شده که مقامات نیوزیلند، به همراه شرکای بین‌المللی از جمله استرالیا، بریتانیا و آمریکا، تحقیقات گســـترده‌ای را علیه این شرکت آغاز کنند. نگرانی اصلی مقامات، احتمال نقض تحریم‌ها و کوتاهی در اقدامات مقابله با پول‌شویی است. در اکتبر ۲۰۲۴، پلیس نیوزیلند دفاتر این شرکت در اوکلند و کرایست‌چرچ و همچنین یک اقامتگاه خصوصی را بازرسی و اسناد و مدارکی را ضبط کرد. هنوز اتهام کیفری علیه هیچ یک از افراد حاضر در این تحقیقات ثبت نشده است.

شرکت Maritime Mutual ضمن تاکید بر رعایت کامل قوانین و تحریم‌ها، اعلام کرده که تحریم‌ها را نقض نکرده و فعالیت‌های خود را تحت اســـتانداردهای سختگیرانه انطباق با قوانین انجام می‌دهد. با این حال، این شرکت تاکنون در برابر پرسش‌ها درباره تحقیقات نیوزیلند پاسخ روشنی ارائه نکرده و هیچ یک از اعضای خانواده رنکین، مدیرعامل و موسس شرکت، پاسخی به درخواست‌ها نداده‌اند.

این ساختار قیمتی که در آن محموله‌های نزدیک مدت با تخفیف نسبت به تحویل‌های بلندمدت قیمت‌گذاری می‌شوند.

نقش حیاتی بیمه

بیمه‌ای کـــه Maritime Mutual ارائه می‌دهد، نوعی بیمه «حفاظت و جبران خســـارت (Protection & Indemnity) اســـت و شامل پوشـــش محموله یا بدنه فیزیکی کشتی نمی‌شود. این بیمه مالک کشتی را در مقابل خسارت‌های احتمالی به افراد، اموال یا محیط زیست محافظت می‌کند. کارشناسان حوزه بیمه دریایی تاکید می‌کنند کـــه بدون این بیمه، کشـــتی‌های ناوگان ســـایه‌ای قادر به حرکت حتی در بنادر ایران یـــا روسیه نخواهند بود و عملا غیرفعال می‌شوند.

با توجه به اسناد رویترز و بررسی‌های انجام‌شده بسیاری از نفتکش‌هایی که تحت پوشش Maritime Mutual بوده‌اند، تاکتیک‌هایی مانند خاموش کردن سیستم‌های ردیابی یا ارسال اطلاعات جعلی موقعیت را برای مخفی کردن فعالیت‌های خود به کار برده‌اند. این روش‌ها که به «spoofing» معروفند، نشـــان‌دهنده پیچیدگی فعالیت‌های دور زدن تحریم‌ها است.

بازتاب اقتصادی و سیاسی

در پی اعمال تحریم‌ها، حجم بیمه و فعالیت‌های Maritime Mutual به شدت افزایش یافته است. درآمد این شرکت از سال ۲۰۱۹ با رشد متوسط سالانه ۴۱ درصد به ۱۰۸میلیون دلار در سال گذشته رسیده است. (در سال ۲۰۲۳ این رشد ۶۰ درصد بوده است، همزمان با اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه.) این در حالی است که صادرات نفت ایران نیز در همان سال به ۴۲میلیارد دلار رسید، رقمی نزدیک به سطح قبل از تحریم‌ها. در بعد سیاسی، روسیه همواره تحریم‌های غربی را غیرقانونی می‌داند و ولادیمیر پوتین بارها موفقیت مسکو در دور زدن تحریم‌ها را تبلیغ کرده است.

پیچیدگی شبکه بیمه

Maritime Mutual علاوه بر پوشش مستقیم، از سیستم بیمه مجدد برای تقسیم ریسک استفاده می‌کند. بسیاری از بزرگ‌ترین شـــرکت‌های بیمه مجدد جهان، از جمله Lloyd's of London، Munich Re، Hannover Re و MS Amlin، به عنوان بیمه‌گر مجدد در کنار Maritime Mutual عمل کرده‌اند. این بدان معناست که حتی شرکت‌های بزرگ جهانی نیز به طور غیرمستقیم در چرخه تامین بیمه نفتکش‌های تحریم‌شده نقش دارند و در معرض ریسک نقض تحریم‌ها قرار دارند.

پیامدهای احتمالی

با توجه به تحقیقات جاری در نیوزیلند و فشارهای بین‌المللی، آینده فعالیت Maritime Mutual مبهم است. دولت نیوزیلند به همراه شـــرکای بین‌المللی بر رعایت کامل تحریم‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی نظارت دارد. ادامه فعالیت‌های مشابه ممکن است منجر به محدودیت‌های قانونی و مالی شدید برای شرکت‌های بیمه‌ای شود که در فعالیت‌های تحریم‌شکنانه نقش دارند. همچنین این پرونده نشان‌دهنده ضعف سیستم‌های بین‌المللی در نظارت و اعمال تحریم‌هاست.

شرکت‌های کوچک اما با ارتباطات گسترده، می‌توانند با استفاده از پیچیدگی‌های ساختار بیمه و بیمه مجدد، جریان نفت تحریم‌شـــده را به حرکت درآورند و درآمدهای کلانی را برای کشـــورهایی که تحت تحریم‌اند، ایجاد کنند. پرونده Maritime Mutual نمونه‌ای ملموس از آنچه در صنعت نفت و بیمه جهان با عنوان «ناوگان سایه» می‌شناسند، است.

این شرکت کوچک نیوزیلندی با بیمه کردن کشتی‌های حامل نفت تحریم‌شده، بخش مهمی از تجارت نفتی غیررسمی را امکان‌پذیر کرده است؛ پرونده‌ای که نه‌تنها ابعاد اقتصادی و مالی دارد، بلکه به شکلی مستقیم با سیاست‌های بین‌المللی، تحریم‌ها و قوانین ضدپول‌شویی درگیر است. تحقیقات جاری در نیوزیلند و فشارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی از پیامدهای تحریم‌ها معاف بماند و نقش شرکت‌های بیمه، هرچند کوچک، در این شبکه پیچیده، تعیین‌کننده است.

حاشیه سود پالایش جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه اخیر رسید

به گزارش شانا به‌نقل از رویترز، حاشیه سود پالایش نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سطح ۲۰ ماه گذشته رسید؛ افزایشی که تا حدود زیادی ناشی از عملکرد مطلوب بازار گازوئیل و نگرانی‌ها درباره محدودیت عرضه در پی دور تازه تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های نفتی روسنفت و لوک اویل، بزرگ‌ترین صادرکنندگان روسیه بوده است.

بر پایه داده‌های گروه مالی بورس اوراق بهادار لندن (LSEG)، حاشیه سود پالایش پیچیده در سنگاپور (شاخص سودآوری پالایش در آسیا) روز سه‌شنبه (ششم آبان ۱۴۰۴) به حدود ۹ دلار برای هر بشکه رسید که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ و افزایشی خیره‌کننده نسبت به حدود ۲ دلار در اوایل اکتبر به‌شمار می‌آید. شکاف قیمتی گازوئیل با ۱۰ پی‌پی‌ام گوگرد هم روز سه‌شنبه از ۲۶ دلار برای هر بشکه عبور کرد و به بالاترین سطح خود در بیش از یک‌سال‌ونیم گذشته رسید.بازارهای اروپایی نیز روندی مشابه را تجربه کرده‌اند، به‌طوری که حاشیه سود معیار گازوئیل در روز دوشنبه از ۳۰ دلار برای هر بشکه فراتر رفت و به بالاترین سطح از اواسط فوریه ۲۰۲۴ رسید. در ایالات متحده آمریکا، معاملات آتی دیزل با گوگرد بسیار کم (ULSD) روز دوشنبه با اختلاف ۳۹ دلار و ۹۱۴ سنتی نسبت به معاملات آتی نفت خام آمریکا انجام شد؛ رقمی که بالاترین سطح از فوریه ۲۰۲۴ است.

۱+۴ ایراد قطار حومه‌ای

رئیس‌جمهور با شناســـایی ۱+۴ نقص شبکه قطارهای حومه‌ای، تدابیری را برای رفع نقاط ضعف موجود پیشـــنهاد کرده اســـت. با وجود آنکه راهکارهای پیشنهادی رئیس‌جمهور در ســـطح حداقلی ارزیابی می‌شـــود و پاســـخگوی گستره مشکلات شـــبکه ریلی حومه‌ای نیست، اما همین شناسایی دقیق، به عنوان گام اول عبور از وضعیت فعلی، مهم و موثر اســـت و باید در گام بعدی، این نقاط ضعف را با تدوین یک بسته مکمل، برطرف کرد.

عدم اتصال مســـتقیم شـــبکه ریلی حومه‌ای به مترو در شـــهرهای متروردار، به نحوی که امکان تبادل مســـافر وجود داشـــته باشد، یکی از مهم‌ترین نواقصی است که مســـعود پزشکیان در نشســـت توســـعه راهبری قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران به آن اشـــاره کرده است.

رئیس‌جمهـــور بـــا تاکید بر ضرورت افزایش کیفیت خدمـــات عمومی قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای تصریح کرد که برای توســـعه راهبری قطارهای حومه‌ای باید کارگروهی تشـــکیل شـــود و مسائلی همچون اصلاح ســـاختار، بهره‌گیری از تجربه مشـــاوران مجرب داخلی و بین‌المللی، مشـــخص شدن شیوه مدیریت، برنامه‌ریزی، اجرای طرح‌ها و تامین منابع را بررسی کند. وی تاکید کرد: برای افزایش بهره‌وری و توســـعه زیرساخت‌های راه‌آهن و قطارهای حومه‌ای، علاوه بر بهره‌گیری از دانش اســـاتید و دانشگاهیان کشور، باید از تجربه کشـــورهای دیگر نیز که در این زمینه پیشگام هستند، استفاده شود.

مســـعود پزشکیان روز پنج‌شـــنبه با حضور در ایستگاه مرکزی راه‌آهن تهران در نشســـت توســـعه راهبری قطارهای حومه‌ای و منطقه‌ای راه‌اهن جمهوری اسلامی ایران شـــرکت کرد. پزشـــکیان همچنین بر افزایش بهره‌وری، ماموریت‌محور کردن فعالیت قطارهای حومه‌ای، افزایش کیفیت خدمات در راستای ارتقای رضایت‌مندی مـــردم، بهبود خدمات برای اســـتفاده تکمیلی خانواده‌ها از متـــرو و قطار با اتصال ایســـتگاه‌ها و ایجاد پارکینگ در کنـــار آنها، کاهش مصرف انرژی، کاهش تاخیر در جابه‌جایی کالا و کنترل ســـوله‌های موجود تاکید کرد.

پزشکیان در سخنان خود ۱+۴ چالش عمده شبکه قطارهای حومه‌ای را شناسایی و تشـــریح کرد و در عین حال، راهکارهایی نیز بـــرای افزایش کیفیت خدمات این حوزه ارائه داد. نقص اولی که پزشـــکیان مورد توجه قرار داد، ناوگان فرســـوده در این شبکه است. ناوگان مورد استفاده در شبکه قطارهای حومه‌ای در کشور از نوع قطارهای ســـالنی (ریل‌باس) اســـت که نه تنها تعداد آنها محدود است، بلکه بخش قابل‌توجهی از آنها نیز فرســـوده و حتی تعدادی از آنها به واســـطه نیاز به تعمیرات اســـاسی کاملا متوقف و خارج از سرویس است.

در حـــال حاضر به دلیل نبود تعداد کافی ناوگان ریل‌باس برای حمل مســـافران حومه‌ای کشـــور، از پنج نوع قطار مختلف در خطوط حومه‌ای اســـتفاده می‌شود که عمر برخی از آنها بسیار بالاست. برای مثال سال ساخت واگن‌های درجه ۲ آلمانی با ۶۴ و ۷۰ صندلی قدیمی و کشنده لکوموتیو، بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ است.

پزشـــکیان در این نشست دستور داد هزینه تعمیرات اساسی ۹ دستگاه ریل‌باس تامین شـــود تا به چرخه فعالیـــت بازگردد. البته ۹ دســـتگاه در برابر ناوگان فعال ریل‌باس کشـــور که بیش از ۶۰دستگاه است، عدد قابل‌توجهی نیست و شاید بتواند کسری در یک یا حداکثر دو خط حومه‌ای را جبران کند؛ با این حال اشاره درست رئیس‌جمهور به فرســـودگی این ناوگان و تاثیر آن بر رضایت عمومی مســـافران، بر ضـــرورت ارتقای تعداد و کیفیت این ناوگان می‌افزاید.

رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنانش به کمبود زیرساخت‌های شبکه ریلی اشـــاره و تاکید کرد که منابع توسعه زیرســـاخت‌های شبکه ریلی باید به شیوه‌های مشـــخص شده تامین شود. به گزارش «دنیای اقتصاد»، یکی از زیرساخت‌هایی که

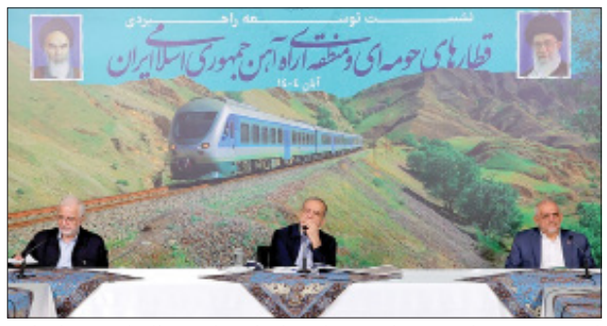

نیازمند توسعه در این بخش است، شبکه ریلی اختصاصی قطارهای حومه‌ای است.

در جدیدتریـــن نســـخه طرح جامع حمل‌ونقل و ترافیک شـــهر تهران با بیش از ۹۰۰کیلومتر خط ریلی، برای اولین بار «قطار حومه‌ای» به عنوان یک مُد همگانی به رســـمیت شناخته شد؛ در این طرح علاوه بر پیش‌بینی دو خط اکسپرس مدرن به طول مجموع ۲۴۶کیلومتر که مبدا و مقصد آنها شـــهرهای اقماری اطراف تهران اســـت، سه محور دو خطه اختصاصی در شبکه راه‌آهن برای سرویس قطار حومه‌ای به ســـاکنان پرند، هشتگرد و پیشـــوا به طول مجموعا ۱۸۸کیلومتر پیش‌بینی شد. به این ترتیب با احتساب ۹۱کیلومتر مترو، طول کل شبکه ریلی تهران - حومه در افق طرح جامع جدید شهر تهران یعنی سال ۱۴۲۰ به ۵۲۵کیلومتر خواهد رسید.

فقدان ایستگاه‌های تبادلی میان مترو و راه‌آهن حومه‌ای، نقطه ضعف سومی است که مسعود پزشـــکیان به آن اشاره کرد و گفت: درحال‌حاضر بسیاری از بخش‌های شبکه ریلی کشور ناقص هستند؛ باید نقاط تبادلی ایستگاه‌های مترو و شبکه راه‌آهن منطقه‌ای تکمیل و تجهیز شـــود تا مسافران و شهروندان بتوانند جابه‌جایی و تردد آســـانی با استفاده همزمان از این شبکه داشته باشند.

بـــررسی «دنیای اقتصاد» نشـــان می‌دهد، بسیـــاری از حومه‌نشینان پایتخت و دیگر شـــهرهای بزرگ که با هدف کار و تحصیل در حال تردد دائمی به این مراکز جمعیتی هســـتند، دســـترسی مطلوبی از شبکه راه‌آهن به شبکه مترو درون شهری و بالعکس ندارند و این موضوع به عنوان یک دغدغه مهم برای ســـاکنان شـــهرهای اقماری مطرح اســـت. حومه‌نشین‌ها خواستار آن هستند که امکان تبادل سفر بین راه‌آهن و مترو در چند نقطه مختلف شـــهر مادر وجود داشته باشد.

مقصـــود رئیس‌جمهور صرفا وجود ایســـتگاه مترو، در محوطه ایســـتگاه راه آهن نیست؛ کمااینکه دست‌کم در تهران و مشهد، هم‌اکنون چنین دسترسی‌هایی وجود دارد؛ آنچه لازم اســـت در فاز توسعه‌ای پیش‌بینی شود، امکان تبادل سفر مستقیم میان این دو شـــبکه ریلی آن هم در بیش از یک نقطه از شـــهرهای بزرگ اســـت. برای این منظور بهتر اســـت در هر کدام از موقعیت‌های جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق و غرب) یک ایســـتگاه تبادلی برای مسافران شهر حومه‌ای واقع در حریم آن محدوده وجود داشـــته باشـــد تا مسافر مترو به صورت مســـتقیم بتواند وارد شبکه راه‌آهن حومه‌ای شـــود. در مورد پایتخت، در صورت تصویب نسخه پیشنهادی طرح جامع حمل‌ونقل و ترافیک شـــهر تهران، چنین اتصالاتی نیز باید پیش‌بینی شـــود تا هم مترو و هم شـــبکه قطار حومه‌ای به حداکثر بهره‌وری در پوشـــش ســـفرهای تهران - حومه برسند.

کســـری پارکینگ برای خودروهای ســـواری در محوطه پیرامونی ایســـتگاه‌های راه‌آهن، چهارمین نقصی اســـت که پزشکیان در بحث ضرورت اصلاح دسترسی به شـــبکه ریلی حومه‌ای به آن اشـــاره کرد. برخی از مسافران پایتخت تمایل دارند تا رسیدن به ایســـتگاه راه‌آهن از خودروی شخصی استفاده کنند؛ بنابراین پیش‌بینی فضای پارکینگ و توقفگاه خودرو در محوطه اطراف ایســـتگاه قطارهای حومه‌ای به ویژه در شـــهرهای کوچک لازم و ضروری اســـت. این اقدام، مشوقی برای استفاده از قطـــار حومه‌ای به جای خودرو خواهد بود و بار ترافیکی کلان‌شـــهرهای مادر را نیز سبک خواهد کرد.

اما رئیس‌جمهور علاوه بر اشـــاره مستقیم به این چهار نقص قطارهای حومه‌ای، مســـاله پنجمی را هم شناسایی کرد که اگرچه در ســـخنانش مورد اشاره مستقیم قرار نگرفت، اما دغدغه رفع آن مطرح شـــد. این نقص، ازدحام مســـافر در قطارهای حومه‌ای، آن هم برای مســـافت‌های طولانی با زمان سیر عمدتا بیش از یک ساعت اســـت. تاکید رئیس‌جمهور بر تلاش برای ایجاد تســـهیلات و تردد راحت مسافران حومه به کلان‌شهرها و پایتخت، در واقع اشاره‌ای تلویحی به همین ازدحامی است که حومه‌نشین‌ها هر روز در قطارها تجربه می‌کنند. به نظر می‌رســـد این ســـخنان، اشـــاره‌ای به مصائب ناشی از اشـــباع قطارهای حومه‌ای از مسافر است که به دلیل کمبود شدید ناوگان رخ می‌دهد.

رئیس‌جمهـــور پیش از حضور در این نشســـت، با قطار حومه‌ای به شهرســـتان ورامین سفر کرد و احتمالا تجربه این سفر و آشنایی با ظرفیت‌ها و کیفیت فعالیت ایـــن مســـیر، یکی از دلایل تاکید وی برای ایجاد تســـهیلاتی به‌منظور تردد راحت با قطارهای حومه‌ای بوده اســـت. البته شهرســـتان ورامین نسبت به دیگر شهرهای اقماری اطراف تهران از جمله پرند، هشتگرد و قزوین تقاضای سفر به‌مراتب کمتری دارد و شاید تصویری که رئیس‌جمهور در جریان این تجربه سفر به ورامین داشته، آن‌طور که باید دقیق نباشـــد؛ اما اصل شناسایی این مساله از سوی وی و تاکید بر راحتی ســـفر برای مسافران تمرکز بر نقطه درستی است.

درحال‌حاضر کمبود قطارهای حومه‌ای، ریســـک ســـفر با نـــاوگان غیرمطمئن مســـافربری شخصی برای حومه‌نشینان به‌ویژه ســـاکنان شهرهای اقماری واقع در اطراف پایتخت و کلان‌شـــهرها را افزایش داده اســـت و این مساله به چاره‌اندیشی اساسی نیاز دارد. قتل الهه حسین‌نژاد، شهروند ساکن اسلامشهر در جریان بازگشت از محل کار خود در تهران به خانه، توســـط راننده یک خودروی مســـافربر شخصی، یکی از چراغ‌های هشـــدار جدی درباره ضعف ناوگان حمل‌ونقل عمومی را روشـــن کرد، چراکه در نبود قطارهای حومه‌ای، کســـانی که ناگزیر به ســـفر تهران - حومه هســـتند، به دلیل کمبود ناوگان، ناگزیر به استفاده از وسایل نقلیه شخصی خواهند بود. برای جبران این کمبود، نیازمند تامین جذب سرمایه بخش خصوصی به منظور ناوگان ریل‌باس هستیم.

جبارعـــلی ذاکری مدیرعامل شـــرکت راه‌آهن جمهـــوری اسلامی ایران نیز در سخنانی، به تشـــریح آخرین وضعیت زیرساخت‌های این مجموعه پرداخت و گفت: چنانچه طرح توسعه قطارهای حومه و منطقه‌ای تکمیل شود، در مجموع می‌توانیم با ۳۰۰ریل‌باس، ســـالانه ۱۶۰میلیون مســـافر جابه‌جا کنیم. طرح توسعه سطح ۳ و ۴ قطار حومه‌ای در محور غرب اســـتان تهران نیز ۷۵درصد پیشرفت داشته است.

توسعه قطارهای حومه‌ای از محورهای اصلی سیاست حمل‌ونقل دولت چهاردهم بوده اســـت. وعده وزرای راه و شهرســـازی و نیز، کار، تعاون و رفاه اجتماعی و حالا وعـــده و دســـتور رئیس‌جمهور برای ارتقای شـــبکه قطارهای حومـــه‌ای در انتظار عملیاتی شـــدن اســـت. در صورت تحقق این وعده‌ها، این رویکـــرد به معنای آغاز دوره‌ای تازه در ســـاماندهی ســـفرهای روزانه میان شهرهای اقماری و کلان‌شهرها خواهد بود؛ اقدامی که ایمنی ســـفر را افزایش خواهد داد و با صرفه‌جویی در زمان و کاهش فشار ترافیکی بر شهرهای بزرگ، تردد ایمن، آسان و راحت را به واقعیت نزدیک‌تر خواهد کرد.

چالش ناترازی گاز و بحران در زنجیره متانول

در سال‌های اخیر، همزمان با رشد مصرف داخلی گاز و کندی توســـعه میادیـــن جدید، محدودیت تامین گاز در زمستان‌ها به مشکلی مزمن تبدیل شـــده و بارزترین نمـــود آن، افت تولید در صنایع انرژی‌بر است. پتروشیمی‌های متانولی از مهم‌ترین واحدهای پتروشیمی کشور بوده و خوراک اصلی آنها گاز طبیعی است که بخش عمده آن را متان تشکیل می‌دهد.

از ایـــن رو، گاز طبیعی بـــرای پتروشیمی‌های متانولی نه تنها منبع انرژی و ســـوخت آنهاست، بلکه ماده اولیه تولید و خوراک آنها نیز محســـوب می‌شود. به‌طور میانگین ۴۳ درصد از گاز مصرفی این واحدها به عنوان خوراک وارد فرآیند شیمیایی شده و باقی‌مانده برای تولید بخار، برق، و سایر نیازهای یوتیلیتی مصرف می‌شود.

بر اســـاس داده‌های رســـمی، مجموع مصرف گاز واحدهای متانول‌ســـاز کشور روزانه بین ۳۰ تا ۳۵میلیون مترمکعب برآورد می‌شـــود که بخش قابل‌توجـــهی از کل گاز تخصیـــصی بـــه صنعت پتروشیمی را شـــامل می‌شود. این در حالی است که کل صنعت پتروشیمی فقط حدود ۸.۷ درصد از کل مصرف روزانه گاز کشـــور را مصرف می‌کند. رشد سریع مصرف خانگی و نیروگاهی در زمستان، ضعف در ســـرمایه‌گذاری و توسعه میادین گازی، افت تولید در میدان پارس جنوبی و نبود زیرساخت کافی برای ذخیرسازی یا واردات گاز در فصول پیک مصرف را می‌توان از عوامل ناترازی گاز در کشـــور دانست که با توجه به گزارش‌ها در زمستان، میزان کسری گاز کشور به بیش از ۲۵۰میلیون مترمکعب در روز می‌رسد.

در چنین شـــرایطی، دولت ناچار می‌شـــود با اولویت‌بندی مصرف، گاز را به بخش‌های خانگی و حیاتی مثل نیروگاه‌ها تخصیص دهد و سهم صنایع، از جمله پتروشیمی‌ها را به حداقل برساند. اولین و مستقیم‌ترین اثر ناترازی گاز برای پتروشیمی‌های متانولی، کاهش یا قطع گاز خوراک اســـت. هرگاه فشار گاز در شـــبکه پایین بیاید، شرکت ملی گاز با صدور بخشنامه‌هایی سهمیه خوراک را محدود کـــرده یا به‌طور موقت قطـــع می‌کند. از آن‌جا که گاز متان هم خوراک اصلی و هم ســـوخت فرآیند است، قطع یا کاهش آن عملا به معنی توقف کامل تولید خواهد بود.

در زمســـتان‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از توقف تولید در واحدهای متانول‌ســـاز از جمله پتروشیمی‌های زاگرس، خارک، مرجان و... منتشر شده است. این وقفه‌ها نه‌تنها زیان مالی هنگفتی در قالب توقف تولید، هزینه‌های راه‌اندازی مجدد و از دست رفتن بازارهای صادراتی ایجاد می‌کند، بلکه در سطح ملی نیز منجر به کاهش ارزآوری از محل صادرات متانول می‌شود. از آنجا که متانول یکی از محصولات پایه‌ای زنجیره شیمیایی است، کاهش تولید آن همچنین موجب افت فعالیت در صنایع پایین‌دســـتی نظیر تولید فرمالدئید، اسید استیک و پلاســـتیک‌های صنعتی می‌شود. در کنار چالش تامین، افزایش نرخ گاز نیز فشـــار مضاعفی بر این واحدها وارد کرده است.

در سال ۱۴۰۳ از فروردین ماه تا دی ماه افزایش قیمت هشـــت هزار تومانی را شاهد بودیم، به این صورت کـــه در فروردین ماه قیمت گاز ۴۶ هزار و ۶۹۸ ریال بود و در دی ماه این مبلغ به ۱۲۶ و ۸۸۸ ریال رسیده است. درحالی‌که نرخ سوخت معادل ۶۰ درصد نرخ خوراک تعیین شده است. علاوه بر ایـــن، دولت عوارض صادراتی ۵ درصدی بر برخی محصولات از جمله متانول وضع کرده و همچنین مالیات و عوارض قانونی را در صورتحساب‌های گاز منظور می‌کند. این افزایش هزینه‌ها در شـــرایطی رخ داده که بازار جهـــانی متانول با مازاد عرضه و قیمت‌های نسبتا پایین روبه‌روست.

بنابراین هرگونه رشد بهای گاز خوراک یا عوارض داخلی و افزایش هزینه تولید، رقابت‌پذیری صادراتی شرکت‌های ایرانی را به‌شدت کاهش و سودآوری آنها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود می‌توان به این نکته رسید که میزان بالایی از هزینه تولید، صرف هزینه گاز چه به عنوان سوخت و چه به عنوان خوراک می‌شد؛ لذا کوچک‌ترین تغییر در نرخ گاز یا عوارض آن می‌تواند تاثیر مســـتقیم بر سود شرکت بگذارد. یکی از راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح روند فعلی و کاهش اثرات ناترازی گاز طبیعی بر عملکرد واحدهای پتروشیمی، مشارکت فعال این واحدها با شرکت ملی صنایع پتروشیمی در طرح‌های فرهنگ‌سازی مصرف بهینه گاز خانگی است. کاهش مصرف در بخش خانگی می‌تواند منجر به آزادســـازی ظرفیت گاز مورد نیاز پتروشیمی‌ها شود و از توقف یا کاهش ظرفیت تولید این واحدها جلوگیری کند.

این رویکرد، به دلیل ماهیت فرهنگی و رفتاری، نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است، اما در صورت اجرا، نتایج ملموس و قابل‌توجهی در زمینه امنیت انـــرژی ملی و پایـــداری تولیـــد پتروشیمی‌ها به همراه خواهد داشـــت. راهکار دوم، بهره‌برداری از زیرساخت‌های ذخیره‌سازی گاز طبیعی به‌صورت LNG در فصل تابستان است. با توجه به اینکه در دوره گرم سال کشور با کمبود گاز مواجه نیست، پتروشیمی‌ها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در تاسیسات ذخیره‌سازی، گاز مازاد را خریداری کرده و آن را به گاز مایع (LNG) تبدیل و ذخیره کنند.

این ذخایر ســـپس در فصل ســـرد وارد شبکه مصرف پتروشیمی‌ها می‌شـــوند و به این ترتیب، مشـــکل کمبود گاز در فصل زمستان رفع شده و تولید واحدها بـــدون اختلال ادامه می‌یابد. اجرای ایـــن روش علاوه بر تضمیـــن ثبات تولید، موجب افزایش انعطاف‌پذیری شـــبکه گاز و بهبود امنیت انرژی ملی خواهد شد.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

دیدار مدیرعامل شرکت گاز استان مرکزی با مدیر مخابرات استان مرکزی: تأکید بر هم‌افزایی مدیریتی در مسیر بهینه‌سازی مصرف انرژی

مهدی کمال‌آبادی فراهانی، مدیرعامل شرکت گاز استان مرکزی، با حضور در شرکت مخابرات این استان، ضمن تبریک بازگشت علیرضا لطفی، مدیر مخابرات استان مرکزی از سفر معنوی حج، بر نقش تصمیم‌گیری‌های صحیح مدیریتی در ایجاد بسترهای فناورانه جهت مصرف بهینه انرژی تأکید کرد. در این دیدار صمیمانه که در محل شرکت مخابرات استان مرکزی برگزار شد، مهدی کمال‌آبادی فراهانی ضمن قدردانی از تلاش‌های مجموعه مخابرات در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، بازگشت علیرضا لطفی از سفر معنوی حج را تبریک گفت و بر اهمیت پیوند میان نهادهای خدمات‌رسان در راستای تحقق اهداف ملی تأکید کرد.وی با اشاره به ظرفیت‌های فضای مجازی و نقش آن در اصلاح الگوی مصرف انرژی، تصریح کرد: تصمیم‌گیری‌های مدیریتی صحیح می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، گامی مؤثر در مسیر پایداری انرژی و ارتقاء سطح خدمات باشد.علیرضا لطفی نیز در این دیدار، همکاری بین دستگاهی و تلاش جهادگونه برای حفظ و نگهداری منابع و زیرساخت‌های کشور را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواند و آمادگی شرکت مخابرات را برای تعامل بیشتر با شرکت گاز اعلام کرد.

کسانیکه بدون گواهینامه اقدام به رانندگی نماید مجرم شناخته شده و به دادگاه معرفی می شوند

سرهنگ محمد پورشمس رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان در این خصوص عنوان داشت؛ برابر ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی نماید مجرم محسوب شده و برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. از این رو پلیس راهور در اجرای این قانون و مطابق با ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در صورتی که شخصی بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی نماید، وسیله نقلیه وی را متوقف و راننده را به مرجع قضائی معرفی می نماید.

سرهنگ پورشمس در ادامه این خبر افزود از آنجایی که شاهد روند رو به رشد رانندگی بدون گواهینامه خصوصا در بین نوجوانان و جوانان هستیم طرح ویژه برخورد با آندسته از متخلفین در دستور کار پلیس راهور قرار دارد .

وی بخش مهمی از این موضوع را متوجه والدین دانست چرا که برخی از والدین یا خودشان اجازه رانندگی را به فرزندان خود می دهند و یا اینکه سوئیچ خودرو را در دسترس کودکان قرار میدهند و این امکان را برای آنان فراهم می‌کنند تا بدور از چشمان آنها از خودرو استفاده کنند غافل از اینکه این اقدام می‌تواند تبعات ناگواری برای افراد فاقد گواهینامه و خود آنان بوجود آورد .

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی استان در پایان به والدین توصیه نمود به این موضوع کاملا توجه داشته باشند و به هیچ وجه به کودکان و نوجوانان فاقد گواهینامه اجازه رانندگی رو ندهند.

اضافه شدن بخش ویژه نمایشنامه‌نویسی به چهاردهمین جشنواره تئاتراستانی البرز

البرز - محمد رنجبرکهن:به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز، ابراهیم شریفی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز، با اشاره به انتشار فراخوان چهاردهمین جشنواره تئاتر استانی البرز گفت: این رویداد هنری با هدف ارتقای کیفیت تولیدات نمایشی و حمایت از گروه‌های تئاتری استان، با همراهی انجمن هنرهای نمایشی و در دو بخش صحنه‌ای و نمایشنامه‌نویسی برگزار می‌شود.شریفی افزود: امسال علاوه بر بخش اجراهای صحنه‌ای، بخش مجزایی برای نمایشنامه‌نویسی ویژه هنرمندان بومی استان در نظر گرفته شده تا فرصتی تازه برای بروز خلاقیت و حمایت از نویسندگان جوان فراهم شود.

به گفته وی در فراخوان اعلام شده، موضوعاتی چون تقویت هویت ایرانی ـ اسلامی، همبستگی ملی، آرمان‌های انقلاب و دفاع مقدس، امید اجتماعی، محیط زیست، نقش زن و خانواده، هوش مصنوعی و... به عنوان محورهای محتوایی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. گروه‌های نمایشی برای ثبت نام، مقررات و ضوابط مندرج در فراخوان را رعایت نمایند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز با بیان اینکه هدف جشنواره فراهم کردن رقابت سالم، شناسایی استعدادها و تقویت جایگاه تئاتر در استان است، از همه گروه‌های نمایشی و نویسندگان دعوت کرد تا در این رویداد شرکت کنند.شایان ذکر است ؛ ثبت نام درجشنواره تئاتر استانی البرز بر اساس زمان بندی اعلام شده از دهم تا سی‌ویکم مردادماه انجام می‌شود ، بازبینی آثار در مهرماه و برگزاری جشنواره از ۱۲ تا ۱۵ آبان صورت خواهد گرفت .

خصوصی‌سازی در خودروسازی

عرشیا حسن پور - یک سال از واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی می‌گذرد؛ واگذاری پرحاشیه‌ای که حالا با افزایش قیمت محصولات، بار دیگر بهانه‌ای به دست مخالفان خصوصی‌سازی داده تا عملکرد مدیریت جدید را زیر سوال ببرند، اما شاخص‌ها روایت متفاوتی را ارائه می‌کنند.

۱۷ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۳ نقطه‌عطفی در صنعت خودروی کشور بود. روزی که مدافعان مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی خودروسازی در مقابل هم صف‌آرایی کردند. مجمع پرحاشیه ایران‌خودرو که اختلافات پشت‌پرده در مورد واگذاری مدیریت بزرگ‌ترین خودروساز کشور را به سطح علنی رساند، ۱۰ساعت به طول انجامید. بارها اخباری مبنی‌بر لغو جلسه منتشر شد، سهامداران اما مجمع را ترک نکردند. بعد از ساعت‌ها زورآزمایی بین دو طرف در نهایت مدیریت بزرگ‌ترین خودروساز کشور به بخش‌خصوصی رسید. حالا اما درحالی یک‌سالگی مدیریت خصوصی این خودروساز را پشت‌سر می‌گذاریم که به‌نظر می‌رسد بازهم موتور مخالفت‌ها با مدیریت خصوصی روشن شده‌است.

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد که در آستانه واگذاری سهام سایپا مخالفان خصوصی‌سازی بار دیگر موتور خود را روشن کرده‌اند تا شاید این‌بار به خواست خود مبنی‌بر بازگشت مدیریت دولتی برسند، اما افزایش قیمت ایران‌خودرو برای تداوم بخشی به تولید این‌بار بهانه به‌دست ذی‌نفعان مدیریت دولتی داده‌است. از هفته گذشته مخالفان بار دیگر مدیریت ایران‌خودرو را به چالش کشاندند؛ به‌طوری‌که مجلس نیز هفته گذشته گزارشی به قوه‌قضائیه ارسال کرده و در آن بازهم خواستار بررسی تخلفات در شیوه واگذاری ایران‌خودرو شده‌است. سال گذشته دقیقا در ۱۷بهمن ماه، مدیریت ایران‌خودرو درحالی به بخش‌خصوصی واگذار شد که از مدت‌ها پیش، این واگذاری مخالفان جدی و البته قدرتمندی داشت. طی سال‌های گذشته واگذاری خودروسازی‌ها همواره جزو وعده‌های اعلامی بوده اما در یک سیر تمام‌نشدنی از بررسی‌ها قرار گرفته‌بود. جلسات متعددی که هرازگاهی برگزار می‌شدند تنها یک نتیجه داشتند: «موضوع واگذاری در دست بررسی است.»

اما پیچ و تاب این بررسی‌ها تمام‌شدنی نبود. تا اینکه بهمن‌ماه سال‌گذشته مجمع‌عمومی ایران‌خودرو با موضوع واگذاری برگزار شد، جلسه‌ای پرحاشیه که حتی کار به قطع‌کردن برق و قفل‌کردن در سالن هم کشید، اما به هر صورت خصوصی‌سازی مدیریت ایران‌خودرو انجام شد. گرچه مدیریت دولتی مدافعان و ذی‌نفعان قدرتمندی داشت اما به هر صورت با حمایت وزارت اقتصاد این واگذاری انجام شد، البته این موضوع برای وزیر وقت نیز گران تمام شد چراکه کمتر از یک ماه بعد از این ماجرا یعنی ۱۲ اسفندماه با رای نمایندگان، عبدالناصر همتی از وزارت اقتصاد برکنار شد.

در این گزارش سعی نداریم که در مقام دفاع از عملکرد این خودروساز بربیاییم چراکه گزارش عملکرد یکساله مدیریت خصوصی در این زمینه باید مورد بررسی قرار بگیرد، اما آنچه سایه آن امروز روی خودروسازی کشور به‌خصوص ایران‌خودرو سنگینی می‌کند، بازگشت به مدیریت دولتی است. شیوه مدیریتی که تاکنون ۲۵۵همت زیان انباشته روی دست خودروسازی کشور گذاشته‌است. گزارش هفته گذشته نمایندگان مجلس به قوه‌قضائیه نشان می‌دهد که بار دیگر این اختلاف جان گرفته‌است. اختلافی که در همان بازه زمانی قبلی نیز بیشتر ضرر خود را به کسانی زد که خارج از گود این اختلافات نشسته بودند، یعنی مصرف‌کنندگان. این چالش‌ها در آن زمان، تولید خودرو را کاهش داد، عرضه محدود شد و در نهایت بهای خودرو در بازار رو به افزایش رفت.

نکته قابل‌توجه اینکه مدافعان مدیریت دولتی خودروسازی این روزها وضعیت سایپا و زیرمجموعه آن یعنی پارس‌خودرو را پیش چشم دارند. افت شدید تولید و فروش و رشد زیان انباشته همچنان از مشکلات اصلی خودروسازان دولتی است که دست‌کم ایران‌خودرو توانسته از برخی از این مشکلات عبور کند. علاوه‌بر این سایپا در این مدت در بلاتکلیفی عمیقی به‌سر می‌برد. مدام صحبت از اهلیت‌سنجی و بررسی گزینه‌های موجود برای واگذاری است. در چنین شرایطی حتی مدیران فعلی این شرکت نیز نمی‌دانند که آیا می‌توانند برنامه‌های خود را پیش ببرند یا خیر. حالا اما نمایندگان مجلس به‌جای قطع این سلسله بلاتکلیفی‌ها برای سایپا؛ درخواست پس‌گرفتن ایران‌خودرو و اهلیت‌سنجی دوباره برای واگذاری آن را دارند. فرآیندی که اساسا کیفیت و کمیت آن مشخص نیست. اگر متقاضیان از فعالان صنعت خودرو باشند، به‌دلیل احتمال ایجاد انحصار جلوی واگذاری گرفته‌می‌شود و اگر از فعالان این صنعت نباشند، به‌دلیل نداشتن تخصص از فرآیند واگذاری جلوگیری می‌شود.

همه مخالفان خصوصی‌سازی «خودرو»

اما همان‌طور که اشاره شد، چالش‌های مربوط به واگذاری ایران‌خودرو موضوع جدیدی نیست و در واقع ادامه مقاومتی است که طی سال‌های گذشته و به‌خصوص سال‌پیش برای واگذاری ایران‌خودرو به بخش‌خصوصی شکل‌گرفته بود. مروری داشته باشیم بر گروه‌های اصلی که مخالفان مدیریت خصوصی در صنعت خودرو را شکل می‌دادند. گروه اول که دست‌کم در انظار عمومی بیشترین فعالیت را هم در این راستا داشته‌اند، نمایندگان مجلس هستند. نمایندگان خانه ملت همان سال‌گذشته نیز وزیر اقتصاد را به‌خاطر همین موضوع به استیضاح کشاندند و حالا بار دیگر درخواست بازپس‌گیری ایران‌خودرو را دارند. استدلال آنها عموما تعارض منافع مدیران این شرکت با منافع عمومی است که البته استدلال چندان درستی نیز به‌نظر نمی‌رسد، چراکه اگر مدیریت خصوصی منجر به رشد تولید شود (که این روند را نیز داشته‌است) می‌تواند عرضه را به بازار افزایش دهد، دسترسی به خودرو افزایش پیدا کند و شکاف قیمتی بین کارخانه و بازار کم شود و در نتیجه دلالی و واسطه‌گری در بازار نیز رو به کاهش می‌رود و تمام این فرآیندها در نهایت به‌نفع مصرف‌کننده تمام می‌شود.

دومین نهادی که سال‌گذشته با واگذاری ایران‌خودرو مخالفت می‌کرد، شورای‌رقابت بود. این شورا اعتقاد داشت که واگذاری بزرگ‌ترین خودروساز کشور به قطعه‌سازان می‌تواند فضای انحصاری در صنعت خودروی کشور را گسترش دهد. گروه سومی که در مخالفت با این واگذاری می‌توانیم به آنها اشاره کنیم؛ برخی دیگر از قطعه‌سازان بودند. آنها اعتقاد داشتند که اگر خودروساز و قطعه‌ساز تحت یک مدیریت باشند، چینش تامین‌کنندگان قطعه تغییر می‌کند و سفارش‌ها متمرکز خواهدشد و در این‌صورت سهم دیگر قطعه‌سازان از بازار رو به کاهش می‌رود.

و اما گروه چهارمی که در برابر واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش‌خصوصی مقاومت می‌کردند شبکه مدیریتی وقت ایران‌خودرو بود؛ در واقع خصوصی‌سازی به‌معنای پایان مدیریت بسیاری از آنها بود، بنابراین در شبکه مدیران به‌خصوص مدیران میانی نوعی مقاومت دربرابر این موضوع شکل‌گرفته بود؛ چراکه آنها اساسا سرنوشت خود را در مدیریت خصوصی این شرکت نامعلوم می‌دیدند. در این لیست می‌توان به ذی‌نفعان خرد و کلان دیگری نیز اشاره کرد اما در هر صورت مدیریت دولتی خودروسازی‌ها توانسته بود ذی‌نفعان زیادی را شکل دهد که در مقابل واگذاری آن مقاومت می‌کردند. حالا هم با گزارش جدید مجلس به‌نظر می‌رسد که این مجموعه بار دیگر فعال خواهدشد.

کارنامه خصوصی‌سازی

عملکرد ایران‌خودرو از ابتدای سال تا پایان دی ماه ، با همتایان دولتی خود تفاوت قابل‌توجهی داشته‌است، چراکه اساسا دست دولت برای دخالت در امور شرکت‌هایی که خود مدیران آنها را منصوب می‌کند، بالاتر است. برای مثال در حوزه تیراژ، درحالی‌که ایران‌خودرو رشد تولید داشته، سایپا و پارس‌خودرو با افت شدید در تیراژ مواجه بوده‌اند. سایپا در ۱۰ماه گذشته ۱۳۹هزار و ۴۱۱ دستگاه خودروی سواری تولیدکرده که این رقم در مدت مشابه پارسال به میزان ۲۱۴هزار و ۱۱۰ دستگاه بوده‌است، بنابراین در این مدت زمانی نارنجی پوشان جاده مخصوص ۷۴هزار و ۶۹۹ دستگاه، معادل ۳۴.۹درصد کمتر، تولید خودروی سواری داشته‌اند. پارس‌خودرو نیز در ۱۰ماه امسال، ۴۸هزار و ۸۴۵دستگاه محصول سواری را به تولید رسانده‌است. در مقایسه با تیراژ ۸۵هزار و ۴۸۵دستگاهی مدت مشابه پارسال، تولید این شرکت ۳۶هزار و ۶۱۳ دستگاه معادل ۴۲.۸درصد کمتر شده‌است. این در شرایطی است که در همین بازه زمانی ایران‌خودرو ۴۸۱هزار و ۴۳۰ دستگاه محصول سواری را به تولید رسانده‌است. این شرکت در ۱۰ماه ابتدایی سال‌گذشته، ۴۲۰هزار و ۴۳۷ دستگاه تولید داشته، بنابراین تیراژ این شرکت در مدت زمان یادشده نسبت به مدت مشابه سال‌گذشته، رشد ۶۰هزار و ۹۹۳دستگاهی، معادل ۱۴.۵درصدی را تجربه کرده‌است.

در مورد زیان‌دهی نیز ایران‌خودرو توانسته بخش قابل‌توجهی از مشکلات خود را کاهش دهد، به‌طوری‌که در پاییز ۸همت از زیان انباشته خود کاسته است، همچنین ایران‌خودرو در ۹ماهه امسال افت زیان عملیاتی داشته‌است که احتمال می‌رود این امر به‌دلیل اصلاح ساختار مالی ایران‌خودرو باشد. ایران‌خودرو از ابتدای سال‌جاری تا انتهای آذرماه ۴هزار و ۳۱۱میلیاردتومان زیان عملیاتی داشته‌است اما این رقم در مدت مشابه سال‌گذشته ۱۱هزار و ۵۳۱ میلیارد تومان بوده‌است، بنابراین آبی‌پوشان جاده مخصوص در این مدت‌زمان ۷هزار و ۲۲۰میلیارد تومان معادل ۶۲.۶درصد کمتر زیان عملیاتی ثبت کرده‌اند. همچنین بررسی موردی خودروهای تولیدی سه خودروساز کشور نشان می‌دهد؛ ایران‌خودرو توانسته بیشتر محصولات خود را از زیان خارج کند. تنها سورن و هایما همچنان زیان‌ده هستند که البته زیان آنها نیز چندان قابل‌توجه نبوده‌است، در مقابل اما محصولات تولیدی دو خودروساز دیگر همچنان با زیان قابل‌توجهی همراه است.

در حوزه فوش هم عملکرد ایران‌خودرو در سال‌جاری بهتر از سایپا و پارس‌خودرو است که تحت‌مدیریت دولتی بوده‌اند و طبیعتا دخالت‌های دولت در آنها نیز بیشتر بوده‌است. طبق آمار ارائه‌شده به سامانه کدال، ایران‌خودرویی ها در ۱۰ماه گذشته میزان ۴۷۳هزار و ۸۲۸ دستگاه از تولیدات خود را به‌فروش رسانده‌اند. این شرکت در مدت مشابه سال‌گذشته ۴۰۹هزار و ۹۷۲ دستگاه فروش داشته، بنابراین میزان فروش این خودروساز بزرگ کشور ۶۳هزار و ۸۵۶ دستگاه بیشتر شده یا به‌عبارتی ۱۵.۶درصد افزایش را ثبت کرده‌است، در مقابل دیگر خودروساز بزرگ کشور یعنی سایپا در مدت زمان یادشده با افت فروش مواجه بوده‌است.

این شرکت در ۱۰ ماه نخست امسال ۱۲۷هزار و ۵۶۳دستگاه محصول تولیدی سواری را فروخته و این در شرایطی است که در مدت مشابه سال ۱۴۰۳ میزان فروش این شرکت به ۲۰۱هزار و ۶۶۷دستگاه می‌رسید، بنابراین فروش سایپا ۳۶.۷درصد (معادل ۷۴هزار و ۱۰۴ دستگاه) افت کرده‌است. پارس‌خودرو فروش سواری خود را به ۴۱هزار و ۲۵۷دستگاه رسانده‌است. این در شرایطی است که از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا انتهای دی‌ماه همان سال‌فروش این شرکت به ۷۷هزار و ۲۵۵ دستگاه می‌رسید. بر این اساس فروش سواری پارس‌خودرو ۳۵هزار و ۹۹۸دستگاه معادل ۴۶.۶درصد کمتر شده‌است.

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد که در آستانه واگذاری سهام سایپا مخالفان خصوصی‌سازی بار دیگر موتور خود را روشن کرده‌اند تا شاید این‌بار به خواست خود مبنی‌بر بازگشت مدیریت دولتی برسند.

کشاورزی در بن‌بست انرژی

نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران، تاکید کرد: خاموشی‌های گسترده و بی‌برنامه، نه‌تنها به تولید محصول در مزرعه آسیب می‌زند، بلکه کل زنجیره تامین و صنایع تبدیلی کشاورزی را وارد مرحله‌ای از زیان جدی کرده است؛ این قطعی‌ها باعث پایین‌آمدن تولید، افزایش هزینه‌های تعمیرات و نگهداری تجهیزات آبیاری و حتی آسیب به چاه‌های آب ـ از جمله ریزش و تخریب آنها ـ می‌شود که در نهایت، زیرساخت‌های حیاتی بخش کشاورزی را فرسوده و امنیت غذایی کشور را با تهدیدی جدی مواجه می‌کند.

او با بیان اینکه موضوع «ناترازی انرژی» از یک چالش فنی صرف فراتر رفته و اکنون به یک بحران اقتصادی و اجتماعی در بخش کشاورزی بدل شده، گفت: در غیاب یک سیاست پایدار و هدفمند برای تامین برق در مناطق کشاورزی، ما با کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌ها و ناتوانی در تامین محصولات تازه‌خوری در بازار داخلی مواجه شده‌ایم. این فقط مشکل کشاورز نیست؛ این زنگ خطر برای امنیت غذایی کشور است.

بر اساس گفته‌های هاشمی، خاموشی‌های مکرر و ناپایدار در مناطق روستایی و کشاورزی، مستقیما فعالیت‌های کلیدی مانند پمپاژ آب، مدیریت گلخانه‌ها و کارگاه‌های فرآوری را مختل می‌کند. او گفت: وقتی تامین انرژی قطع می‌شود، بسیاری از مراحل زراعی و تولیدی متوقف می‌شوند و این در حالی است که در کشاورزی، زمان و شرایط محیطی نقشی حیاتی دارد.

دیدارهای تخت‌روانچی در مسقط

مجید تخت‌روانچی، معاون وزیر خارجه ایران، روز پنج‌شنبه عازم مسقط پایتخت عمان شد تا علاوه بر حضور در یازدهمین نشست کمیته مشورت‌های راهبردی میان ایران و عمان، در خصوص وضعیت یمن با وزیر خارجه عمان، رئیس هیات مذاکره‌کننده دولت نجات ملی یمن و نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور یمن نیز رایزنی داشته باشد. سفر تخت‌روانچی در شرایطی به مسقط صورت می‌گیرد که پیش‌تر نقشه راه صلح یمن میان عبدالسلام و گروندبرگ با میانجی‌گری عمان برگزار شده بود. گفت‌وگوهایی که نخستین دور مذاکرات از این نوع - دو سال پس از تحولات هفت اکتبر و بالا گرفتن تنش‌ها در منطقه به‌ویژه در آبراه دریای سرخ - به شمار می‌رود و بیانگر این واقعیت است که طرف‌های درگیر در یمن و همچنین ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر منطقه‌ای ذی‌نفوذ در مذاکرات صلح یمن نسبت به صلح و ثبات در این کشور جنگ‌زده و درگیر بحران اهتمام دارند.

نقشه‌راه یمن با دیپلماسی ایرانی

در این راستا وزیر خارجه عمان و معاون وزیر خارجه ایران در مسقط درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم استمرار هماهنگی‌ها و رایزنی‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کردند. وزارت خارجه عمان روز پنج‌شنبه در حساب صفحه رسمی خود در پلتفرم ایکس اعلام کرد که بدر بوسعیدی، وزیر خارجه این کشور، میزبان مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه ایران بود. وزیر خارجه عمان در ادامه اعلام کرد که این دیدار در چارچوب سفر تخت‌روانچی به عمان برای برگزاری یازدهمین دور از رایزنی‌های سیاسی میان دو کشور انجام شد.

به گزارش این وزارتخانه در دیدار تخت‌روانچی و البوسعیدی روابط موجود میان دو کشور بر اساس تمایل مشترک آنها به توسعه زمینه‌های همکاری و مشارکت و ارتقای منافع متقابل به گونه‌ای که در راستای خدمت به مردم دو کشور باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین در این دیدار دو طرف به بررسی آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته و بر اهمیت استمرار هماهنگی‌ها و رایزنی‌ها میان مسقط و تهران درباره مسائل مختلف موجود و نیز حمایت خود از تمامی تلاش‌ها برای حل‌وفصل درگیری‌ها و اختلافات از طریق گفت‌وگو و راهکارهای مسالمت‌آمیز به گونه‌ای که به تحکیم پایه‌های امنیت و ثبات و تقویت راه‌های برقراری صلح عادلانه و فراگیر در منطقه منجر شود، تاکید کردند.

بعد از این دیدار نیز هانس گروندبرگ، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور یمن، عصر روز پنج‌شنبه در مسقط با تخت‌روانچی دیدار و گفت‌وگو کرد. طرفین در این دیدار پیرامون آخرین تحولات سیاسی و میدانی یمن، حملات هوایی علیه خاک یمن و نقشه راه توافق صلح، شرایط بحرانی انسانی و سایر موضوعات مورد اهتمام مشترک بحث و تبادل نظر کردند.

در عین حال طی این سفر، محمد عبدالسلام، سخنگو و رئیس هیات مذاکره‌کننده دولت نجات ملی یمن، صبح پنج‌شنبه در مسقط با معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران دیدار کرد. رئیس هیات مذاکره‌کننده دولت نجات ملی یمن در این دیدار با ارائه گزارشی از آخرین تحولات میدانی در یمن، بر انسجام و همبستگی ملی در بین مردم این کشور تاکید کرد و از حمایت‌های سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران از دولت و مردم یمن در مقابل تجاوزهای دشمنان تقدیر نمود. تخت‌روانچی در این دیدار با تمجید از حمایت شرافتمندانه مردم مقتدر و مظلوم یمن از مردم فلسطین، مقاومت بی‌نظیر آنان در مقابله با حملات غیرقانونی و تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی را تاریخی و عزتمندانه توصیف کرد. طرفین در این دیدار در خصوص آخرین تحولات سیاسی و گفت‌وگوهای انجام‌شده با طرف‌های مختلف درباره چگونگی اجرای نقشه راه صلح یمن تبادل نظر کردند.

رایزنی‌های متداوم

در جریان این سفر یازدهمین نشست کمیته مشورت‌های راهبردی سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان روز پنج‌شنبه، در محل وزارت امور خارجه عمان در مسقط برگزار شد. پیش‌تر و در روز دوشنبه وزیر کشور عمان به ایران سفر کرد و با رئیس‌جمهور و دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و رایزنی انجام داد.

ارزیابی از سفر به مسقط

همچنین معاون وزیر خارجه در پایان این سفر طی سخنانی گفت: «پس از یک سفر کوتاه اما موفق به عمان، به تهران بازگشتم. روز پنج‌شنبه روز پرکاری در مسقط بود.» وی افزود: «جلسات مفیدی با وزیر امور خارجه عمان، جناب آقای بدر البوسعیدی، و معاون ایشان، آقای خلیفه الحارثی، در مورد مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی داشتم. ما برای مشورت‌های منظم با برادرانمان در عمان ارزش بسیار قائلیم.» تخت‌روانچی ادامه داد: «همچنین جلسات پرباری در مورد یمن با محمد عبدالسلام از انصارالله و هانس گروندبرگ از سازمان ملل داشتم.» به گفته معاون وزیر خارجه، کنفرانس مطبوعاتی با رسانه‌های عمانی و گردهمایی دوستانه با جامعه ایرانیان مقیم عمان نیز بخشی از برنامه بود. او در نهایت گفت عمان یک همسایه قابل اعتماد و یک شریک اساسی است و ما با آن کشور روابط عالی و پیوندهای تاریخی داریم.

عمان؛ میانجی‌گر سنتی

ورای این تحولات، عمان در زمره کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج‌فارس به شمار می‌رود که همواره مناسبات خوبی با ایران داشته است. این کشور در طول دو دهه گذشته همواره به‌عنوان یک کانال سنتی و پایدار برای میانجی‌گری بین ایران و غرب به‌خصوص آمریکا همکاری کرده است. از این رو روابط تهران با مسقط برای مقامات کشورمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درواقع همزمان که اسرائیل و غرب همچنان به فشارها علیه ایران ادامه می‌دهند، به نظر می‌رسد تهران مکانیسم‌های متفاوت و گسترده‌ای برای مقابله با رژیم تحریمی غرب و پیشبرد دیپلماسی فراگیر پی گرفته است. علاوه بر عمان، مصر نیز چندین ماه است که در زمره کشورهای میانجی‌گر بین ایران و غرب به‌خصوص آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعال است.

از عمان به قاهره

در سوی دیگر تحولات، روز گذشته وزارت خارجه مصر با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه این کشور، در تماس‌های جداگانه با سیدعباس عراقچی وزیر خارجه ایران و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، صحبت کرد. بر اساس این بیانیه، این تماس‌ها روز پنج‌شنبه در چارچوب پیگیری تحولات پرونده هسته‌ای ایران و تلاش برای حفظ امنیت و ثبات منطقه از طریق راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز انجام شده است. در این بیانیه آمده است که وزیر خارجه مصر در این تماس‌ها درباره آخرین تحولات پرونده هسته‌ای ایران و تلاش‌ها برای تقویت و ثبات در منطقه از طریق یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای این پرونده و ازسرگیری و تقویت همکاری جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس توافق امضاشده در قاهره به تاریخ ۹ سپتامبر و تلاش برای افزایش تماس‌ها در آینده تاکید کرد. در ادامه بیانیه تاکید شده که این تماس‌ها در چارچوب دستور عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، مبنی بر افزایش تلاش‌ها برای کاهش تنش‌ها و برقراری آرامش در خاورمیانه انجام شده است.

در میانه گفت‌وگوها درباره ازسرگیری تماس‌ها میان صنعاء و ریاض، سفر معاون وزیر امور خارجه ایران به مسقط با محوریت تحولات صلح یمن انجام شد. این سفر در فضای بازگشت منطقه و بازیگران منطقه‌ای به توافقات صلح به‌ویژه با محوریت یمن و آبراه دریای سرخ صورت می‌گیرد و طی این فرآیند محمد عبدالسلام رئیس هیات مذاکره‌کننده صنعاء، هفته گذشته با هانس گروندبرگ، فرستاده ویژه سازمان ملل به یمن در مسقط دیدار و درباره روند صلح موسوم به «نقشه راه» با طرف سعودی با میانجی‌گری سلطنت عمان، گفت‌وگو کرد. عبدالسلام در جریان دیدار خود با گروندبرگ بر ضرورت ازسرگیری اجرای مفاد نقشه راه، به‌ویژه تعهدات انسانی آن تاکید کرده و افزوده بود: «هیچ دلیلی برای ادامه تعلل و تاخیر وجود ندارد.»

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
www.marzeghtesad.ir

با پیکان در بست تا صدر

عرفان حمیدی – فوتبال ایران این روزها در انتظار دو اتفاق بزرگ به سر می‌برد. تنها دو روز تا دربی صد و ششم و قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ باقی مانده است.

تیم‌های استقلال و پیکان امروز عصر در ورزشگاه شهید دستگردی تهران به مصاف یکدیگر خواهند رفت. این دیدار ساعت ۱۷:۰۰ آغاز می‌شود و پیکان به عنوان میزبان پذیرای شاگردان ساپینتو است. بازی بدون حضور تماشاگر برگزار خواهد شد و از این رو تمرکز دو تیم صرفاً روی میدان و تاکتیک‌های خود خواهد بود.

در دیدار رفت، دو تیم با نتیجه ۲-۲ به تساوی رسیدند. پیکان در آن بازی نشان داد تیمی جسور و رو به جلو است که از تاکتیک‌های حساب‌شده استفاده می‌کند و همین موضوع باعث شد در ادامه فصل نیز نتایج قابل توجهی کسب کند.

البته هفته گذشته این تیم یک بازی مهم را مقابل شمس‌آذر قزوین باخت تا مشخص شود روند سینوسی در این تیم همچنان ادامه دارد. با این حال، در دیدار اخیر خارج از خانه، استقلال موفق شد با یک گل استقلال خوزستان را شکست دهد و توانایی خود را در کسب پیروزی حتی در بازی‌های دشوار خارج از خانه نشان دهد و با روحیه مناسب گام به این بازی بگذارد.

استقلال در هفته جاری دو بار در ورزشگاه شهید دستگردی به میدان خواهد رفت که یکی مقابل همین پیکان است و دیگری نیز در مقابل شمس‌آذر که در روز پایانی هفته انجام خواهد شد. استقلال باید سعی کند تا پیش از بازی آسیایی خود با دو برد پی در پی و خاطره شیرین ورزشگاه شهید دستگردی را ترک کرده و از این مکان بهره کافی را ببرد چرا که بازی در این استادیوم مطلوب همه اعضای کادر فنی و بازیکنان این تیم است و زمین هموار دستگردی کار را برای بازیکنان تکنیکی استقلال سهل و آسان خواهد کرد.

باید توجه داشت که پیکان تیمی جوان و پرانرژی است که فوتبال فیزیکی بازی می‌کند و از حداقل فرصت‌ها به شکل حداکثری بهره می‌برد. این تیم با انگیزه و برنامه‌ریزی شده پا به میدان می‌گذارد و برای استقلال کار ساده‌ای رقم نخواهد زد. اما در مقابل، استقلال بازیکنان بزرگی در ترکیب خود دارد که می‌توانند کفه ترازو را به نفع تیم سنگین کنند. آسانی، الحدادی، کوشکی، قلی‌زاده، چشمی، رزاقی‌نیا، فلاح، آشورماتوف و حردانی از جمله نفراتی هستند که با تجربه و کیفیت بالای خود می‌توانند بازی را به سود استقلال رقم بزنند.

ساپینتو با وجود اینکه برخی بازیکنان کلیدی مانند اندونگ را از دست داده و پنجره نقل و انتقالات بسته است، همچنان دست پر در این مسابقه حاضر می‌شود. ترکیب تیم استقلال نشان می‌دهد که سرمربی پرتغالی گزینه‌های کافی برای ایجاد تعادل در خطوط مختلف دارد و می‌تواند با تاکتیک‌های هوشمندانه، فشار پیکان را مدیریت کرده و حداکثر بهره را از موقعیت‌ها ببرد.

برد در این بازی اهمیت بالایی دارد. اگر استقلال بتواند مقابل پیکان پیروز شود و سپس بازی پنجشنبه مقابل شمس‌آذر را نیز با برتری پشت سر بگذارد، تیم با ۳ برد متوالی آماده ورود به دیدار حساس بعدی خواهد شد. این روند موفقیت‌آمیز می‌تواند علاوه بر تثبیت صدرنشینی در لیگ، انگیزه بازیکنان را برای ادامه مسیر و حتی صعود دوباره در رقابت‌های آسیایی افزایش دهد.

ساپینتو همواره بر اهمیت روحیه پیروزی تأکید داشته و می‌داند که از دست دادن امتیاز مقابل مربیان جوان و تازه‌کار مانند سعید دقیقی قابل توجیه نیست. او تیم را آماده کرده تا با تمرکز کامل و حداکثر تلاش، از میدان دستگردی دست پر بیرون بیاید.در زمینه فنی، استقلال باید با دقت عمل کند و همانند بازی‌های حساس قبلی، هوشیاری در خط دفاع را حفظ کرده و اجازه ندهد پیکان از کمترین فرصت‌ها بهره ببرد. در ادامه، استفاده از موقعیت‌های حداقل نیز اهمیت زیادی دارد، زیرا گلزنی تعیین‌کننده نتیجه نهایی خواهد بود. شاگردان ساپینتو باید با مدیریت شرایط و کنترل بازی، فشار را به حریف وارد کنند و از هر فرصتی برای گلزنی استفاده ببرند تا پیکان نتواند به این تیم زخم وارد کند.امتیاز کامل این بازی نه تنها برای بالا رفتن روحیه آبی‌ها حیاتی است، بلکه برای حفظ روند صدرنشینی و ادامه رقابت نزدیک با دیگر مدعیان نیز اهمیت بالایی دارد. هواداران استقلال چشم انتظار عملکرد تیم خود هستند و انتظار دارند شاگردان ساپینتو با انگیزه و تمرکز کامل، از این رقابت سخت عبور کنند.

در این شرایط، مدیریت تیم، کادر فنی و بازیکنان باید هماهنگ عمل کنند تا استقلال بتواند با موفقیت از این مرحله عبور کرده و همچنان مدعی اصلی قهرمانی باقی بماند.

باید دید استقلال در این ایام که به یک مدعی جدی تبدیل شده آیا می‌تواند از فراز و نشیب فاصله گرفته و برخلاف دیگر مدعیان به بردهای خود تداوم بخشد یا خیر؟ یک لغزش جایگاه استقلال را در جدول به مخاطره جدی خواهد انداخت.

جدایی آسان آسانی

در روزهای اخیر، موضوع احتمال جدایی یاسر آسانی از استقلال بار دیگر به یکی از بحث‌های جدی پیرامون این باشگاه تبدیل شده است؛ موضوعی که ریشه آن به بندی عجیب در قرارداد این بازیکن بازمی‌گردد. بر اساس مفاد قرارداد، آسانی می‌تواند در ۱۵روز ابتدایی فصل نقل‌وانتقالات آینده با پرداخت مبلغ ۵۰۰هزار دلار، قرارداد خود را به‌صورت یک‌طرفه فسخ کند؛ بندی که حالا سؤالات و ابهامات زیادی را درباره نحوه تنظیم قرارداد و میزان آینده‌نگری مدیران استقلال ایجاد کرده است.

این در حالی است که باشگاه استقلال در ابتدای فصل جاری برای دریافت رضایتنامه یاسر آسانی مبلغ قابل توجه ۸۵۰ هزار دلار به باشگاه گوانگجو پرداخت کرده است. پرداخت چنین رقمی نشان‌دهنده اهمیت این بازیکن در برنامه‌های فنی استقلال بوده، اما تصمیم عجیب مدیران وقت باشگاه برای تعیین بند فسخ ۵۰۰هزار دلاری، عملاً استقلال را در موقعیتی قرار داده که ممکن است با ضرری آشکار مواجه شود. به بیان ساده، استقلال برای جذب این بازیکن هزینه‌ای بیشتر از مبلغی که احتمالاً بابت جدایی او دریافت خواهد کرد، پرداخت کرده است.

پیش‌تر نیز گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال جدایی آسانی مطرح شده بود و برخی منابع از علاقه باشگاه‌های خارجی به جذب این بازیکن خبر داده بودند. حال با مشخص شدن بند فسخ، این گمانه‌زنی‌ها رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است. سؤال اصلی اینجاست که چرا باشگاه استقلال در زمان عقد قرارداد، رقم بالاتری را برای بند فسخ در نظر نگرفته تا در صورت جدایی احتمالی، منافع مالی باشگاه حفظ شود؟

چنین تصمیمی بیش از هر چیز نشان‌دهنده ضعف در مدیریت قراردادها و نبود آینده‌نگری لازم است. استقلال به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های فوتبال ایران، باید در تنظیم قرارداد بازیکنان کلیدی خود، منافع بلندمدت باشگاه را در اولویت قرار دهد، نه‌اینکه با گنجاندن بندهایی اینچنینی، دست خود را در مذاکرات آینده ببندند.

به هرحال هواداران استقلال ناچارند با واقعیت موجود کنار بیایند. اما اگر قرار باشد یاسر آسانی از این تیم جدا شود، باشگاه باید تلاش کند تا از مسیرهای دیگر از جمله مذاکره برای انتقال بهتر یا تمدید قرارداد با شرایط جدید، بیشترین سود ممکن را ببرد. آنچه مسلم است، تکرار چنین اشتباهاتی می‌تواند هزینه‌های سنگینی به استقلال تحمیل کند؛ هزینه‌هایی که مستقیماً از جیب باشگاه و هواداران پرداخت می‌شود.

ساپینتو: درباره اندونگ تاجرنیا باید توضیح دهد

ساپینتو، سرمربی استقلال در آستانه تقابل با تیم پیکان در هفته نوزدهم لیگ برتر فوتبال ایران این جملات را درباره بازی به زبان آورد: «بازی با پیکان همیشه برای استقلال سخت است؛ آنها بازیکنان باتجربه‌ای دارند و از عقب دفاع می‌کنند و با سیستم ۱-۴-۵ بازی می‌کنند. این بازی برای ما یک فینال دیگر است. ما در صدر جدول هستیم و باید این فینال را ببریم و روند موفقیت خود را ادامه دهیم که این به خود ما بستگی دارد.»

او درباره وضعیت اندونگ اظهار داشت: «اندونگ گفته دیگر برنمی‌گردد، ولی او بازیکن کلیدی و مهم ما بود. نمی‌دانم چه اتفاقی رخ داده و از این موضوع بسیار ناراحت هستم. مدیرعامل بهترین شخص برای پاسخگویی به مسأله اندونگ است.» سرمربی استقلال درباره شرایط سفرهای تیم گفت: «همیشه دوست دارم در تهران بازی کنیم. سه روز سفر متوالی خسته‌کننده است و برای تیمی مثل استقلال که صدرنشین است، خوشحال‌کننده نیست. تراکتور، سپاهان و حتی پرسپولیس در این زمینه مشکلی ندارند. انتظار دارم با تیم همراهی شود و سفرهای پی‌درپی کاهش یابد.»

کنعانی رفت و برگشت

در تاریخ دربی چیزی نمانده که رسانه‌ها به آن نپرداخته باشند اما در جبهه هر تیم می‌توان روی برخی نکات ایستاد و آمار مربوط به آن را مرور کرد. مثلاً اینکه کدام مدافعان برای پرسپولیس در تاریخ دربی گل زده‌اند و این گل‌ها چه نقشی در نتیجه دربی داشته است.

شاید جالب باشد که بدانید در تمام دربی‌های قبل از انقلاب هیچ مدافعی برای پرسپولیس در مصاف با رقیب دیرینه موفق به گلزنی نشده بود. در آن سال‌ها زنده‌یادان حسین همیشه جوان، ناظم گنجاپور و جهانگیر فتاحی شاید به نوعی کم‌نام و نشان‌ترین گلزنان این مسابقه تاریخی بوده‌اند که همه در خط میانی و خط حمله بازی می‌کردند.

جالب‌تر اینکه این روند تا بیست سال بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرد و اولین مدافعی که برای پرسپولیس در دربی گل زد کسی نبود جز مهدی هاشمی نسب که حالا خودش را یک استقلالی دوآتشه می‌داند و احتمالاً تصاویر مربوط به گلزنی‌هایش به استقلال را از ذهن پاک کرده است. هاشمی‌نسب با پنج گل زده در دربی‌ها یکی از بهترین گلزنان تاریخ برگزاری این مصاف است که چهار تا را به استقلال و یکی را به پرسپولیس زده است.اولین گل هاشمی‌نسب به استقلال در دربی شماره ۴۵ و آبان ماه سال ۱۳۷۷ اتفاق افتاد که تک گل آن مسابقه هم بود و باعث شد تا پرسپولیس بعد از سال‌ها دوری از برد دربی صاحب سه برد متوالی در مقابل رقیب دیرینه شد.

دیگر درباره دوران من حرف نزنید

تونی کروس، ستاره سابق رئال مادرید، بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفت؛ این بار نه برای یک افتخار فردی، بلکه در مراسم معرفی همکاری تازه آکادمی‌اش با شرکت «آلیانتس» در بوادیا. او در گفت‌وگویی صریح و متفاوت، تلاش کرد مرز روشنی میان دوران خودش و شرایط کنونی رئال مادرید بکشد، مرزی که به گفته او، احترام به حال را ضروری‌تر از حسرت گذشته می‌کند.

کروس در پاسخ به پرسش درباره مقایسه‌های مداوم با دوره‌ای که او در خط میانی رئال حضور داشت، کاملاً صریح بود: «دیگر حرف زدن از کسانی که قبل‌تر بودند، به هیچ‌کس کمک نمی‌کند.» او تأکید کرد که نه خودش نیاز دارد مدام جای خالی او در ترکیب رئال مطرح شود، و نه رئال باید با سایه نسل قبل سنجیده شود. کروس یادآوری کرد که دورانش در مادرید با لبخند و یک جام به پایان رسیده و اکنون زمان دیگری آغاز شده است: «رئال باید راه بردن را با نوع دیگری از بازیکنان پیدا کند.»

او در ادامه، با لحنی فروتنانه هرگونه توصیه از سوی خود برای ژابی آلونسو سرمربی فعلی رئال را رد کرد و گفت: «من مربی تیم نونهالان هستم، واقعاً در حال حاضر نصیحتی برای ژابی ندارم!» کروس این فرصت را غنیمت دانست تا دوباره تأکید کند که نسل او با زوج تاریخی «کاسمیرو-مودریچ» متعلق به مقطع دیگری از فوتبال بوده و لزوماً با نسل فعلی قابل مقایسه نیست: «نه بهتر است و نه بدتر، فقط راهی متفاوت است.»

در بخش دیگری از صحبت‌ها، او با تحسین و در عین حال درک شرایط و فشارهای وارده بر وینیسیوس گفت: «تماشای پیشرفت او فوق‌العاده بوده، اما گاهی فشارها او را از بازی خارج می‌کند. هنوز جوان است و بهتر مدیریت خواهد کرد.» به باور کروس، بسیاری از واکنش‌های احساسی وینیسیوس محصول محیط و فشار رقباست.

کروس همچنین آرامش را کلید موفقیت رئال مادرید در شرایط پر سر و صدای این روزها دانست: «من هیچ نشانه‌ای از عصبی بودن در تیم ندیده‌ام. همه‌چیز به پیدا کردن مسیر برمی‌گردد، این تیم توان بردن همه چیز را دارد.»

او در پایان درباره فعالیتش در فوتبال پایه گفت که مربیگری در رده‌های پایین را دوست دارد اما برنامه‌ای برای حضور در سطح حرفه‌ای ندارد: «کودکان بهتر بازی می‌کنند وقتی آزاد باشند و نترسند. من همین‌جا راضی‌ام، بدون برنامه‌ریزی برای ده سال آینده.» این صحبت‌ها بار دیگر نشان داد که کروس همچنان با آرامش، منطق و صداقت خاص خودش، حتی پس از خداحافظی نیز در قلب بحث‌های رئال مادرید جای دارد، اما ترجیح می‌دهد نگاه‌ها از گذشته جدا و به آینده معطوف شود.

صلاح، به جام ملت‌ها برو!

آرنه اسلوت، سرمربی لیورپول، در روزهایی که پرونده حضور محمد صلاح در جام ملت‌های آفریقا دوباره به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده، موضعی شفاف اتخاذ کرده است. او پیشنهاد جدایی زودهنگام ستاره مصری را رد کرد و اعلام داشت صلاح تا دیدار برابر برایتون در مرسی‌ساید در اختیار تیم می‌ماند و مطابق مقررات، ۱۵دسامبر به اردوی مصر ملحق خواهد شد. اسلوت تأکید کرد، این تصمیم محصول «گفت‌وگویی سه‌جانبه» میان باشگاه، بازیکن و فدراسیون فوتبال مصر بوده و چیزی خارج از چهارچوب‌های فیفا در میان نیست. اسلوت در این خصوص گفت: «فیفا زمان مشخصی را تعیین کرده و ۱۵دسامبر آخرین فرصت برای آزادسازی بازیکن است. ما هم بر همان اساس عمل کردیم.»

این تصمیم در حالی نهایی شده که صلاح فصل جاری را با افتی طولانی‌مدت پشت سر گذاشته است. چهار گل و دو پاس گل در ۱۲مسابقه لیگ برتر برای مهاجمی که طی سال‌های اخیر استانداردهای متفاوتی از ثبات و قدرت ارائه داده بود، آمار قابل قبولی نیست. کاهش تعداد شوت‌ها، حضور کمتر در محوطه جریمه و افت محسوس در دریبل‌زنی، تصویری از مهاجمی می‌دهد که هنوز در حال جست‌وجوی فرم ایده‌آل است. به همین دلیل عملکرد او زیر ذره‌بین قرار گرفته و بحث وابستگی بیش از حد لیورپول به یک ستاره نیز دوباره پیش کشیده شده است. لیورپول اما در مقطع حساسی از فصل قرار دارد؛ پیروزی ۲برصفر مقابل وستهم سقوط نگران‌کننده هفته‌های قبل را متوقف کرد و دیدارهای پیش‌رو برابر ساندرلند و لیدز می‌تواند سکویی برای بازیافتن ثبات پیش از مصاف مهم لیگ قهرمانان با اینتر باشد. با این حال، مهم‌ترین چالش پیش‌رو نه مسابقات نزدیک، بلکه غیبت احتمالی طولانی‌مدت صلاح در دوران جام ملت‌های آفریقاست؛ تورنمنتی که ممکن است تا هشت بازی او را از ترکیب لیورپول دور کند. با توجه به اینکه فینال این رقابت‌ها ۱۸ژانویه برگزار می‌شود، بازگشت صلاح ممکن است به اواخر ژانویه موکول شود؛ فشاری که می‌تواند ساختار هجومی لیورپول را در یکی از شلوغ‌ترین مقاطع فصل مختل کند.

با این حال، فضای هواداری این بار نسبت به غیبت صلاح متفاوت است. اگر در دوره‌های گذشته جام ملت‌های آفریقا، رفتن صلاح به اردوی مصر برای هواداران لیورپول یک کابوس همیشگی بود، امسال شرایط تغییر کرده است. لیورپول در دو بازی که صلاح را در اختیار نداشت، برابر استون‌ویلا و وستهم به پیروزی رسید و نشانه‌هایی از یک تیم متعادل‌تر و کمتر وابسته به سوپراستار مصری دیده شد. اسلوت نیز با تاکتیک‌های منعطف و چرخش حساب‌شده بازیکنان، تیمی ساخته که شاید بهتر از گذشته بتواند دوره غیبت او را مدیریت کند.

آیا چلسی مدعی قهرمانی است؟

چند ماه پس از شروع کار انزو مارسکا در استمفوردبریج، هر بار که صحبت از شانس قهرمانی چلسی پیش می‌آمد، او با صراحت این ایده را کنار می‌گذاشت. سرمربی ایتالیایی باور داشت تیمش هنوز در سطحی نیست که بتواند با آرسنال، منچسترسیتی یا لیورپول رقابت کند؛ تحلیلی که فصل گذشته درست از آب درآمد و چلسی تنها در آخرین روز لیگ سهمیه لیگ قهرمانان را قطعی کرد. اما حالا در فصل جدید، لحن مارسکا نسبت به گذشته اندکی تغییر کرده است؛ هرچند همچنان احتیاط در حرف‌هایش دیده می‌شود. دیدار حساس روز یکشنبه مقابل آرسنال که با تساوی ۱□۱ به پایان رسید، تصویر خوبی از موقعیت کنونی چلسی ارائه داد. آبی‌ها که از میانه نیمه دوم ۱۰ نفره شدند، نه‌تنها فرو نپاشیدند بلکه یکی از منسجم‌ترین نمایش‌های فصل خود را مقابل صدرنشین ارائه کردند و نشان دادند فاصله‌شان با بالای جدول بیش از گذشته کم شده است. اگرچه پیروزی می‌توانست اختلاف سه امتیازی با صدر بسازد، اما همین یک امتیاز هم روایت تازه‌ای از پیشرفت چلسی عرضه کرد.

فراتر از نتیجه، داده‌های تحلیلی نیز از روند رو به رشد تیم حمایت می‌کند. چلسی در معیار «تفاضل امید گل ایجاد شده و متحمل شده بدون پنالتی در هر بازی» سومین تیم برتر لیگ است؛ شاخصی که کیفیت موقعیت‌های خلق‌شده و دریافت‌شده را اندازه می‌گیرد و معمولاً وضعیت واقعی تیم‌ها را دقیق‌تر از جدول نشان می‌دهد. این آمار با واقعیت جدول هم همخوانی دارد: آبی‌ها پیش از این هفته سومین تفاضل گل لیگ را نیز ثبت کرده بودند. همچنین تنها سیتی و آرسنال در ۱۲ هفته اول گل‌های بیشتری زده‌اند. البته یک نکته مهم نباید نادیده گرفته شود: آسان‌تر بودن برنامه چلسی نسبت به رقبا. آنها هنوز در برابر بخشی از حریفان بزرگ، از جمله منچسترسیتی و استون‌ویلا، قرار نگرفته‌اند و این می‌تواند تصویر دقیق‌تری از جایگاه واقعی‌شان ارائه کند. بر پایه نرخ امتیازگیری فعلی هم، چلسی در پایان فصل روی عددی حدود ۷۳ امتیاز خواهد ایستاد؛ نمره‌ای که طی چند سال اخیر حداقل امتیاز لازم برای کسب سهمیه بوده، اما برای فتح لیگ برتر کافی نیست چرا که میانگین امتیازات قهرمانان در ۹ فصل گذشته نزدیک به ۹۳ بوده است.

مهم‌ترین تفاوت ملموس، افزایش جسارت مارسکا در استفاده از نیمکت است؛ نقطه‌ای که چلسی را به تیمی منعطف‌تر تبدیل کرده. ۱۱.۶ درصد دقایق چلسی در لیگ توسط بازیکنان تعویضی سپری شده؛ رقمی که بالاترین در لیگ است و تقریباً دو برابر فصل قبل. این چرخش مداوم باعث شده بازیکنان ذخیره آماده بمانند و حتی هنگام تغییر گسترده ترکیب، افت کیفیت تیم چشمگیر نباشد. هرچند مواردی مثل نمایش پرخطای تیم ذخیره در برابر قره‌باغ هنوز زنگ خطر هستند. چلسی همچنین از وابستگی به یک یا دو ستاره فاصله گرفته است. فصل گذشته افت همزمان نیکلاس جکسون و کول پالمر تیم را فلج کرد، اما امسال گل‌ها میان چندین بازیکن تقسیم شده است. در خط دفاع نیز نظم بیشتری دیده می‌شود. چهار کلین‌شیت در پنج بازی اخیر، حتی اگر برابر تیم‌های پایین‌جدول ثبت شده باشد، نشان‌دهنده افزایشی قابل توجه در تمرکز دفاعی است. این پیشرفت زمانی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم چلسی در سپتامبر و اکتبر سه اخراج و هفت اشتباه منجر به شوت برای رقبا داشت اما در ماه نوامبر این آمار کمتر شد و کاهش این خودزنی‌ها برای ماندن در کورس حیاتی خواهد بود.

با این حال، فاصله اصلی با آرسنال همچنان تجربه است. میکل آرتتا طی شش سال تیمی ساخته که سه فصل پیاپی نایب‌قهرمان شده، در حالی که این تازه دومین فصل مارسکا در لیگ برتر است و نخستین باری است که باید همزمان چالش‌های اروپایی را هم مدیریت کند. در کنار این، چلسی با تغییر مالکیت و پنج مربی طی چند سال اخیر ثبات ساختاری رقیب شمال‌لندنی‌اش را نداشته است. با وجود این، نشانه‌های امیدبخش فراوان‌اند: قهرمانی در لیگ کنفرانس اروپا، بازگشت به لیگ قهرمانان و فتح نسخه جدید جام جهانی باشگاه‌ها، همراه با پیروزی ۳□۰ برابر پاری‌سن‌ژرمن در فینال، نشان می‌دهد پروژه در مسیر درستی پیش می‌رود. در باشگاه نیز فشار فوری برای قهرمانی وجود ندارد؛

نخستین صحبت‌های آلوز پس از حضور در سپاهان

هافبک تازه‌وارد سپاهان از حضور در جمع طلایی پوشان ابراز خوشحالی کرد.

ریکاردو آلوز هافبک پرتغالی پیشین تراکتور با حواشی فراوان به سپاهان پیوست و باشگاه اصفهانی در میان اعتراض تراکتوری‌ها امروز به طور رسمی از او رونمایی کرد.

آلوز بعد از پیوستن به سپاهان در گفت و گویی با بخش رسانه‌ای این باشگاه اعلام کرد که از شرایط موجود خوشحال است. او گفت: «من خیلی هیجان‌زده هستم که به این تیم و باشگاه پیوستم. تمام تلاشم را برای این باشگاه خواهم کرد. خوشحالم از اینکه عضوی از این خانواده هستم.»

هافبک پرتغالی تازه وارد سپاهان همچنین بیان کرد: «بی صبرانه منتظر حضور در تمرینات هستم و بازی ها شروع شود تا انرژی موجود در این باشگاه را حس کنم و با هم بتوانیم کاری ویژه انجام بدهیم.»

مدافع استقلال در قطر جراحی می‌کند

مدافع ازبکستانی استقلال خواهان جراحی زانوی خود در قطر شده است.

رستم آشورماتوف مدافع ازبکستانی و تازه‌وارد استقلال در جریان تمرینات پیش‌فصل دچار مصدومیت شدید شد و بعد از پیگیری‌ها مشخص شد که با پارگی رباط صلیبی روبه‌رو است.آشورماتوف که با بدشانسی باید ماه‌ها دور از فوتبال باشد، احتمالا نامش از لیست تیم خارج خواهد شد و نیم فصل با بهبودی نسبی می‌تواند برگردد.

این مدافع ازبکستانی در آخرین خواسته خود از مسئولان استقلال ، خواهان جراحی در کمپ اسپایر قطر شده اما این مسئله هنوز با موافقت آبی پوشان مواجه نشده است.

مسئولان استقلال قصد دارند آشورماتوف را متقاعد به جراحی در داخل ایران کنند و به همین خاطر باید جلسه‌ای با او داشته باشند. از طرف دیگر استقلال هنوز اقدامی برای انجام جراحی مدافع ازبک در خارج از ایران انجام نداده و همه چیز به روزهای آینده موکول شده است.

خرید جدید استقلال خداحافظی کرد

سعید سحرخیزان با انتشار یک استوری احساسی، رسماً از هم‌تیمی‌هایش در اورنبورگ خداحافظی و برایشان آرزوی موفقیت کرد.

سعید سحرخیزان، مهاجم ایرانی باشگاه اورنبورگ، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش، از هم‌تیمی‌های خود خداحافظی کرد و برای آن‌ها در ادامه مسیر آرزوی موفقیت کرد.

این خداحافظی نشان‌دهنده پایان رسمی حضور او در فوتبال روسیه و آغاز فصل جدیدی از دوران حرفه‌ای‌اش در ایران است. سحرخیزان که فصل گذشته عملکرد خوبی در لیگ برتر روسیه داشت، حالا پس از توافق کامل میان باشگاه استقلال و اورنبورگ، آماده بازگشت به فوتبال ایران شده است.

طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، این بازیکن امشب وارد تهران می‌شود تا پس از حضور در باشگاه استقلال، قرارداد رسمی خود را امضا کرده و رسماً به‌عنوان یکی از خریدهای مهم تابستانی آبی‌پوشان معرفی شود.

مصدومیت ۲ هفته‌ای مدافع ملی‌پوش پرسپولیس

رئیس کمیته پزشکی پرسپولیس گفت: مرتضی پورعلی‌گنجی نیازی به جراحی ندارد و با گارد محافظ امکان انجام کامل تمرینات را هم خواهد داشت. دکتر فرید زرینه در گفتگو با سایت رسمی باشگاه پرسپولیس در ارتباط با وضعیت مدافع سرخپوشان اظهار داشت: آقای پورعلی گنجی در بازی دوستانه با تیم آلومینیوم اراک دچار آسیب‌دیدگی از ناحیه بینی شد. گرافی انجام شده یک شکستگی خطی را نشان داد.وی گفت: این نوع آسیب نیازی به جراحی نداشته و با مراقبت‌های لازم یک دوره درمان دو هفته‌ای دارد. او با گارد محافظ، امکان تمرینات با توپ را هم خواهد داشت و بدون گارد تمرینات بدون توپ می‌تواند انجام بدهد. استفاده از گارد برای محافظت و عدم تشدید آسیب در صورت برخورد توپ یا دیگر برخوردهای معمول در بازی فوتبال است.

ورود استقلال به لیگ بسکتبال

تیم فوتبال استقلال رسماً صاحب تیم بسکتبال شده و قرار است در فصل جدید رقابت‌های لیگ بسکتبال حضور یابد. مؤید این موضوع هم انتخاب یکی از بهترین مربیان داخلی است که باشگاه استقلال از این خبر رونمایی کرده است. باشگاه استقلال در این راستا به مصوبه هیأت‌مدیره اشاره کرده که در آن تأکید شده به تشکیل تیم‌های ورزشی به جز فوتبال در دو بخش آقایان و بانوان. به همین منظور تیم بسکتبال تشکیل شده و هدایت تیم بسکتبال آقایان استقلال به مهران شاهین طبع واگذار شده است. در عین حال باشگاه استقلال تیم بسکتبال بانوان خود را نیز راه‌اندازی کرده و قرار است مربیگری این تیم را فرزانه جمامی برعهده بگیرد.

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۵۷
صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

شبی برای سایه

همزمان با سومین سالروز درگذشت هوشنگ ابتهاج(هـا. سایه) «شب یاد سایه» برگزار می‌شود. به مناسبت سومین سالروز درگذشت امیرهوشنگ ابتهاج (ه ا. سایه)، هشتصد و هفتاد و دومین شب از شب‌های بخارا به یادبود این شاعر اختصاص یافته است.این نشست با همکاری نشر کارنامه و فرهنگسرای نیاوران، در ساعت شش بعدازظهر جمعه هفدهم مردادماه ۱۴۰۴ با سخنرانی زیبا اشراقی، پریا فضل‌اله، یلدا ابتهاج و علی دهباشی در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران به نشانی خیابان پاسداران، مقابل پارک نیاوران، برگزار می‌شود.پخش خواندن شعر «ارغوان» با صدای سایه، نمایش فیلم مستند دربارهٔ سایه به کارگردانی سیف‌اله صمدیان و نمایش یادگارهایی از سایه با مرور بر عکس و فیلم‌های او، از دیگر بخش‌های این نشست خواهد بود.

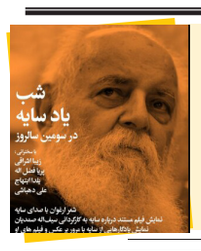

آخرالزمان کسب و کارهای رمزارزی

مرتضی اکبری - بیت‌کوین از اوج بیش از ۱۲۶ هزار دلاری اکتبر ۲۰۲۵ تقریبا نصف شد و به پایین‌ترین سطح ۱۶ ماهه خود سقوط کرد. این افت شدید ترازنامه شرکت‌های بزرگ کریپتو را تحت فشار قرار داد.

نقدینگی بازار را خشک کرد و اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت کاهش داد. درحالی‌که دونالد ترامپ با اعمال سیاست‌هایی برخی از مقررات سختگیرانه بر صنعت کریپتو را حذف کرد، GENIUS Act را امضا کرد؛ اقدامات گسترده‌ای برای تسهیل تصویب قانون CLARITY Act انجام داد، اما با نگاهی به بازار رمزارزها می‌توان فهمید که این اقدامات نتیجه عکس دادند. بیت‌کوین نتوانست پناهگاه امن باشد و به اهرم ریسک تبدیل شد. این در حالی است که طلای جهانی در محیط پرتنش و پرریسک جهانی بیش از ۶۰ درصد جهش کرد، اما در مقابل بیت‌کوین با روند نزولی همراه شد. شرکت‌های هولدر بیت‌کوین مانند Strategy ضررهای‌میلیاردی ثبت کردند و ارزش بازار سهام آنها به میزان قابل‌توجهی سقوط کرد. ماینرها حاشیه سود منفی تجربه کردند و فارم‌های خود را خاموش کردند و عملیات ماینینگ را متوقف کردند. صرافی‌ها نیروهای خود را تعدیل کردند و حجم معاملات به شدت کاهش یافت. کسب‌وکارهای کریپتو با چالش‌های نقدینگی دست‌وپنجه نرم کردند و مدل‌های درآمدی خود را بازسازی کردند. بسیاری از آنها به سمت استیبل‌کوین‌ها حرکت کردند، خدمات پرداخت واقعی را توسعه دادند و با بانکداری سنتی ادغام شدند.

در سال‌های اخیر، دنیای ارزهای دیجیتال یا همان کریپتو با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو شده که بسیاری از آنها مستقیما با سیاست‌های دونالد ترامپ پیوند خورده است. ترامپ همان‌طور که وعده داده بود، بخش عمده‌ای از مقررات مرتبط با کریپتو را لغو کرد و با امضای قانون هدایت و نوآوری ملی برای استیبل‌کوین‌های ایالات متحده (GENIUS Act) گامی کلیدی برداشت. او همچنین برای تصویب قانون شفافیت بازار دارایی‌های دیجیتال (CLARITY Act) فشار وارد کرد. اما این اقدامات تنها بخشی از داستان بودند. ترامپ از معاملات مشکوک داخلی و خارجی در حوزه کریپتو سود شخصی برد، میم‌کوین بی‌فایده خود را تبلیغ کرد، مجرمان کریپتو را که به‌گفته برخی به سازمان‌های تروریستی کمک کرده بودند، عفو نمود و میزبان شام‌های خصوصی برای فعالان این صنعت در کاخ سفید شد.

در عین حال، انتظار می‌رفت کریپتو از ریسک‌های کلان اقتصادی و ژئوپلیتیک سود برد؛ این ریسک‌ها شامل افزایش بدهی و کسری بودجه در ایالات متحده و دیگر اقتصادهای پیشرفته، کاهش ارزش دلار و سایر ارزهای فیات، آغاز جنگ‌های تجاری جدید و بالا گرفتن تنش‌ها با کشورهایی همچون ایران و چین بود.

با این حال، در سال ۲۰۲۵ طلا بیش از ۶۰ درصد رشد کرد، اما بیت‌کوین ۶ درصد افت را تجربه کرد. تا زمان نگارش این گزارش، بیت‌کوین ۳۵ درصد پایین‌تر از اوج اکتبر خود قرار دارد و کمتر از سطح زمان انتخاب ترامپ است، درحالی‌که میم‌کوین‌های TRUMP و MELANIA بیش از ۹۵ درصد ارزش خود را از دست داده‌اند. هرگاه طلا در واکنش به بحران‌های تجاری یا ژئوپلیتیک جهش کرده، بیت‌کوین سقوط شدیدی را تجربه کرده است؛ این نشان می‌دهد که بیت‌کوین به جای یک پناهگاه امن، وسیله‌ای برای اهرم ریسک است و همبستگی شدیدی با دارایی‌هی پرریسک دیگر دارد. این وضعیت نه تنها انتظارات اولیه از کریپتو را زیر سوال می‌برد، بلکه ناپایداری ذاتی آن را برای ایفای نقش به‌عنوان یک ابزار مالی قابل اعتماد آشکار می‌کند.

بیت‌کوین ارز است یا خیر؟

از ابتدا این ادعا که بیت‌کوین یا هر وسیله کریپتویی دیگری یک ارز است، همیشه بی‌اساس بوده است. بیت‌کوین نه واحد حسابداری است، نه وسیله پرداخت مقیاس‌پذیر و نه ذخیره ارزش پایدار. حتی در السالوادور که بیت‌کوین را به عنوان پول قانونی پذیرفت، کمتر از ۵ درصد معاملات کالا و خدمات با آن انجام می‌شود. کریپتو حتی یک دارایی هم نیست زیرا جریان درآمدی، عملکرد یا کاربرد صنعتی یا واقعی ندارد برخلاف طلا و نقره که کاربردهای عملی دارند. ۱۷ سال پس از راه‌اندازی بیت‌کوین، تنها اپلیکیشن (killer app) در کریپتو، استیبل‌کوین است که نسخه دیجیتالی پول فیات قدیمی است و صنعت مالی و بانکی دهه‌ها پیش آن را دیجیتال کرده بود. بله، سوال باقی می‌ماند که آیا پول دیجیتال و خدمات مالی باید روی بلاک‌چین که همان دفتر کل توزیع‌شده است، باشد یا روی پلتفرم دوگانه سنتی؟

اما ۹۵ درصد از پول‌ها و خدمات دیجیتال بلاک‌چین فقط در نام بلاک‌چین هستند. آنها سیستم‌شان را خصوصی به جای عمومی، متمرکز به جای غیرمتمرکز و مجوزدار به جای بدون مجوز اداره می‌کنند و گروه محدودی از تاییدکنندگان معتبر آن را کنترل می‌کنند؛ این رویکرد کاملا مانند سیستم‌های سنتی بانکی رفتار می‌کند و شباهتی به شبکه‌های غیرمتمرکز بدون قانون ندارد.

این واقعیت نشان می‌دهد که وعده‌های اولیه کریپتو در مورد انقلاب مالی، بیشتر یک تبلیغات بوده تا یک واقعیت عملی. بسیاری از پروژه‌های کریپتو ادعا می‌کنند که غیرمتمرکز هستند اما در عمل، کنترل آنها در دستان افراد یا شرکت‌های محدودی است که منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند. این تناقض باعث شده تا اعتماد عمومی به این حوزه کاهش یابد و سرمایه‌گذاران معمولی اغلب ضرر ببینند. سرمایه‌گذاران عادی معمولا ضرر می‌کنند، در حالی که افراد داخلی (یا داخلی‌ها) سودهای هنگفت می‌برند. علاوه بر این، نوسانات شدید قیمت‌ها مانند آنچه در سال ۲۰۲۵ دیدیم، تاکید می‌کند که کریپتو بیشتر شبیه به یک قمار است تا یک سرمایه‌گذاری مطمئن و این مساله برای اقتصادهای نوظهور که به دنبال ثبات هستند، مشکل‌ساز می‌شود.

دیفای در قفس دولت‌ها

دیفای واقعی، یعنی مالی کاملا غیرمتمرکز، بدون کنترل مرکزی، بدون نیاز به مجوز و کاملا ناشناس، هیچ‌وقت نمی‌تواند به اندازه کافی بزرگ و گسترده شود که جایگزین سیستم‌های مالی سنتی (مثل بانک‌ها، ویزا، پی‌پال یا پرداخت‌های روزمره جهانی) شود یامیلیاردها کاربر معمولی را پوشش دهد.

هیچ دولت جدی حتی دولت ترامپ هرگز اجازه ناشناس ماندن کامل معاملات پولی و مالی را نخواهد داد، زیرا این کار برای مجرمان، تروریست‌ها، دولت‌های سرکش، بازیگران غیردولتی، قاچاقچیان انسان، کلاهبرداران مختلف و فراریان مالیاتی سودمند خواهد بود. علاوه بر این، چون کیف‌های دیجیتال و صرافی‌های تنظیم‌شده باید تحت قوانین استاندارد ضدپولشویی و شناخت مشتری قرار بگیرند، حتی مشخص نیست که هزینه‌های تراکنش از طریق بلاک‌چین‌های مجوزدار و خصوصی کمتر باشد به ویژه حالا که دفترهای مالی سنتی با ابزارهای تسویه واقعی‌زمان و پاکسازی سریع‌تر بهبود یافته‌اند. آینده پول و پرداخت‌ها تکامل تدریجی خواهد داشت نه انقلابی که کلاهبرداران کریپتو وعده دادند.

از ابتدا این ادعا که بیت‌کوین یا هر وسیله کریپتویی دیگری یک ارز است، همیشه بی‌اساس بوده است. بیت‌کوین نه واحد حسابداری است.

افت اخیر بیت‌کوین و دیگر ارزهای دیجیتال بیشتر بر طبیعت بسیار نوسانی این کلاس شبه دارایی تاکید می‌کند. این نوسانات نه تنها سرمایه‌گذاران فردی را نابود می‌کند بلکه می‌تواند اثرات سیستمیک بر بازارهای مالی داشته باشد اگر بیش از حد گسترش یابد. دولت‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی و مالیاتی، همیشه نظارت را افزایش خواهند داد و این مساله مانع رشد واقعی دیفای می‌شود. برای مثال، در ایالات متحده، حتی با سیاست‌های ترامپ، قوانین AML و KYC همچنان اعمال می‌شوند و این نشان‌دهنده محدودیت‌های ذاتی است. علاوه بر این، فناوری بلاک‌چین واقعی که غیرمتمرکز باشد، با مشکلات مقیاس‌پذیری روبه‌رو است مانند مصرف انرژی بالا و سرعت پایین تراکنش‌ها که آن را برای استفاده روزمره نامناسب می‌کند. در نتیجه، بسیاری از پروژه‌ها به سمت مدل‌های هیبریدی حرکت کرده‌اند که ترکیبی از سنتی و جدید است اما این هم نتوانسته وعده‌های اولیه را برآورده کند.

GENIUS تکرار ناپایداری قرن نوزدهم

قانون (قانون هدایت و نوآوری ملی برای استیبل‌کوین‌های ایالات متحده)، که صحنه را برای آزمایش مخرب دیگری در بانکداری آزاد آماده کرد مانند آنچه در قرن نوزدهم به پایان رسید، ممکن است به عنوان قانون احمقانه بی‌پروا به یاد آورده شود. تحت این قانون، استیبل‌کوین‌ها به عنوان بانک‌های باریک (بانک باریک بانکی است که سپرده‌ها را فقط در دارایی‌های کم‌ریسک نگه می‌دارد و از وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری پرریسک اجتناب می‌کند تا ریسک کاهش یابد) تنظیم نمی‌شوند یعنی سپرده‌ها و پرداخت‌ها از وام‌دهی و سرمایه‌گذاری پرریسک جدا نیستند و همچنین به حمایت بانک مرکزی از طریق وام اضطراری یا بیمه سپرده‌ها دسترسی ندارند.

بنابراین، تنها کافی است چند نهاد آسیب‌پذیر در ایالت‌های pseudo-libertarian ایالات متحده سرمایه‌گذاری‌های خود را اشتباه مدیریت کنند یا سپرده‌های خود را در نهادهای ضعیف مانند بانک سیلیکون ولی قرار دهند تا وحشت ایجاد شود و یک بانک ران (زمانی رخ می‌دهد که سپرده‌گذاران همزمان برای برداشت پول خود صف بکشند و بانک به دلیل کمبود نقدینگی فلج شود) آغاز شود.

مانند قرن نوزدهم، رویکرد فعلی ایالات متحده به دلیل ناآگاهی ترامپ و نفوذ در صنعت کریپتو، دستورالعملی برای ناپایداری مالی و اقتصادی است. این قانون نه تنها ریسک‌های سیستمیک را افزایش می‌دهد بلکه می‌تواند منجر به بحران‌هایی مشابه آنچه در سال ۲۰۰۸ دیدیم، شود. بدون نظارت مناسب، استیبل‌کوین‌ها می‌توانند به ابزارهایی برای انتقال ریسک به اقتصاد واقعی تبدیل شوند و اگر یکی از آنها شکست بخورد، اثرات زنجیره‌ای خواهد داشت. ترامپ با تمرکز بر منافع شخصی، این خطرات را نادیده گرفت و این مساله انتقادهای گسترده‌ای از سوی کارشناسان مالی به همراه داشت. علاوه بر این، عدم دسترسی به حمایت‌های مرکزی بانک، استیبل‌کوین‌ها را آسیب‌پذیرتر می‌کند و در زمان بحران، هیچ شبکه ایمنی وجود ندارد که این می‌تواند اعتماد عمومی را از بین ببرد.

تقابل اصول بانکداری سنتی با نوآوری استیبل‌کوین‌ها

مبارزه اخیر بین بانک‌های واقعی و صنعت کریپتو بر سر قانون شفافیت (CLARITY) مثال دیگری از عدم درک ترامپ از اصول اولیه پولی و مالی است. مساله نه در مورد تمایل بانک‌ها به حفظ انحصار نزدیک بر معاملات پولی است. در سیستم بانکداری ذخیره کسری، بانک‌ها هم در پرداخت‌ها و هم در ایجاد اعتبار از طریق تبدیل سررسید سپرده‌های کوتاه‌مدت به وام‌ها و اعتبارهای بلندمدت درگیر هستند. این به معنای ارائه یک کالای نیمه‌عمومی بسیار ارزشمند است.

واضح است که سپرده‌های کوتاه‌مدت سود نمی‌پردازند زیرا تقریبا معادل ارز هستند. با این حال، صنعت کریپتو در حال فشار برای اجازه پرداخت سود برای استیبل‌کوین‌ها مستقیم یا غیرمستقیم از طریق صرافی‌ها است که این کار پایه‌های سیستم بانکی را که همه ما به آن عادت داریم، تضعیف می‌کند. بنابراین، یا باید سیستم مالی خود را به طور اساسی تغییر دهیم تا پرداخت‌ها را از ایجاد اعتبار جدا کنیم و از طریق بانک‌های باریک برای پرداخت‌ها و وجوه وام‌دهی جدید از نهادهای مالی برای اعتبار یا پرداخت سود برای استیبل‌کوین‌ها را ممنوع کنیم و از واسطه‌گری بانک‌ها جلوگیری کنیم. این یک مساله سیاسی و پایداری مالی است و تعداد کمی به اندازه آن جدی یا حساس هستند.

جیمی دیمون، رئیس و مدیرعامل جی‌پی‌مورگان چیس، به درستی در مورد تغییراتی که صنعت کریپتو می‌خواهد، هشدار می‌دهد. اگر ترامپ مشاورانی داشته باشد که توسط پول کریپتو فاسد نشده باشند، امیدواریم بتوانند به او آموزش دهند که سیستم بانکی چگونه کار می‌کند قبل از اینکه اجازه دهد منافع شخصی خودش پایه‌های آن را نابود کند. این درگیری نه تنها بر آینده کریپتو تاثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند ساختار کلی سیستم مالی ایالات متحده را تغییر دهد. بانک‌ها با سال‌ها تجربه، نقش کلیدی در ثبات اقتصادی دارند و اجازه دادن به استیبل‌کوین‌ها برای رقابت ناعادلانه، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی شود. کارشناسان معتقدند که بدون اصلاحات اساسی، این قوانین جدید تنها به نفع insiders صنعت خواهند بود و عموم مردم ضرر خواهند دید.

زمستان سخت کسب و کارها

در فوریه ۲۰۲۶، صنعت رمزارزها با یک زمستان سخت واقعی روبه‌رو شده که کسب‌وکارهای آن را به شدت تحت فشار قرار داده است. بیت‌کوین که در اکتبر ۲۰۲۵ به بیش از ۱۲۶ هزار دلار رسیده بود، اکنون به محدوده ۷۰□۶۵ هزار دلار سقوط کرده و بیش از ۵۰-۴۰ درصد ارزش خود را از دست داده است. این افت، همراه با کاهش شدید حجم معاملات و خروج سرمایه، مدل‌های کسب‌وکاری وابسته به رشد سریع و نوسان بالا را به چالش کشیده و بسیاری را در آستانه تعطیلی یا بازسازی اساسی قرار داده است.

صرافی‌ها یکی از آسیب‌دیده‌ترین بخش‌ها هستند. Gemini، صرافی متعلق به برادران وینکل‌ووس، اخیرا اعلام کرده تا ۲۰۰ نفر (حدود ۲۵ درصد نیروی کار) را تعدیل می‌کند و عملیات خود را در اروپا، بریتانیا و استرالیا تعطیل می‌نماید. این تصمیم بخشی از تلاش برای کاهش هزینه‌ها و تمرکز بر بازارهای اصلی آمریکا و سنگاپور است. صرافی‌های دیگر مانند OKX و Polygon Labs نیز بخش‌هایی از تیم‌های فروش نهادی و آسیایی خود را کاهش داده‌اند. حجم معاملات پایین، درآمد کارمزدی را خشک کرده و بسیاری از پلتفرم‌ها را وادار به تغییر استراتژی کرده - از جمله تمرکز بیشتر روی خدمات پرداخت واقعی و استیبل‌کوین‌ها به جای معاملات اسپات پرریسک.

اینفوگرافیک

غربالگری سرطان، روشی برای تشخیص زودهنگام برخی سرطان‌ها قبل از بروز علائم است، برخی از انواع سرطان‌ها مانند سرطان دهانه رحم، پستان، کولورکتال و پروستات بیشتر از سایر سرطان‌ها قابل غربالگری هستند، در حال حاضر غربالگری به روش جدید برای سه سرطان شایع کشور انجام می‌شود.

عکس نوشت

آیین بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی مناطق آزاد با حضور رئیس جمهور

کارتون

مراسم تجدید میثاق رئیس و اعضای کمیته امداد با آرمانهای امام راحل

«شروین حاجی‌پور» بازیگر شد

شروین حاجی‌پور، خواننده‌ای که اولین بار در برنامه عصر جدید روی صحنه رفت و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد، به دنیای بازیگری پیوست.

حاجی‌پور به همراه پریناز ایزدیار نقش‌های اصلی فیلم «بن سای» به کارگردانی علی بهراد را بازی می‌کنند.

بهراد که پیش از این فیلم‌های «تصور» و «تهران کنارت» را ساخته، از هفته آینده سومین فیلمش را به تهیه کنندگی رضا فتح‌الهی کلید می‌زند.

معرفی نامزد ایرانی جایزه «من می‌خوانم»

علی‌اصغر سیدآبادی از سوی شورای کتاب کودک به عنوان نامزد جایزه جهانی IREAD (من می‌خوانم) ۲۰۲۶ معرفی شد.

شورای کتاب کودک پس از اعلام فراخوان و طی مراحل داوری و بررسی در گروه جوایز ترویج برای بار دوم «علی‌اصغر سیدآبادی» را برای دریافت جایزه IREAD (من می‌خوانم) معرفی کرد.

بنیاد «شن ژن» در چین و دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)، اخیرا جایزه‌ای به نام IREAD (من می‌خوانم) را برای مروجان برجسته کتابخوانی بنیان نهاده‌اند که به منظور تشویق و ایجاد تعهد پایدار در قبال ترویج کتابخوانی و با امید ترویج کتابخوانی برای مردم کره زمین به فعالان این عرصه اهدا می‌شود. این جایزه مشوق افرادی است که حداقل سه سال، با نوآوری و خلاقیت، درزمینه خواندن و شیوه‌های مختلف آن، با کودکان و نوجوانان فعالیت کرده باشند و فعالیتشان تداوم داشته باشد. نامزدهای این جایزه را در ایران شورای کتاب کودک-شاخه ملی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) - تعیین و معرفی می‌کند.

داوران گروه جوایز ترویج شورای کتاب کودک، علی‌اکبر بهار، جعفر توزنده‌جانی، فاطمه چایکار، رویا شهری، لیلا کفاش‌زاده و ندا موحدی‌پور هستند.

ادبیات ترجمه کره جنوبی رکورد زد

گزارش تازه مؤسسه ترجمه ادبیات کره نشان می‌دهد که فروش خارجی کتاب‌های کره‌ای در سال ۲۰۲۴ با جهشی ۱۳۰ درصدی نسبت به سال قبل آن، به رکورد تاریخی ۱.۲ میلیون نسخه رسید.

فروش ادبیات کره‌ای در بازارهای بین‌المللی در سال ۲۰۲۴ بیش از دوبرابر شد؛ موجی از علاقه‌مندی جهانی به آثار کره‌ای و کسب جایزه تاریخی نوبل توسط هان کانگ نقش کلیدی در این جهش داشت.

بر اساس داده‌های تازه منتشرشده توسط موسسه ترجمه ادبیات کره (LTIKorea)، کتاب‌هایی که با حمایت مالی این مؤسسه برای ترجمه و انتشار منتشر شده‌اند، در سال گذشته حدود ۱.۲ میلیون نسخه در خارج از کشور فروش داشته‌اند. این رقم نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۵۲۰ هزار نسخه بود، رشدی بیش از ۱۳۰ درصد را نشان می‌دهد.

نتایج این بررسی همچنین حاکی از آن است که در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، در مجموع ۹۴۲ عنوان کتاب در ۴۰ زبان مختلف به فروش رسیده و در مجموع ۲.۶۸ میلیون نسخه فروخته‌اند؛ این عدد ۷۳۰ هزار نسخه بیشتر از دوره پنج‌ساله قبلی (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳) است.

سال ۲۰۲۴ از نظر تعداد عناوین منتشرشده و فروش کلی سالی استثنایی بود. میانگین فروش هر کتاب به رکورد ۱,۲۷۱ نسخه رسید و ۴۵ عنوان بیش از ۵ هزار نسخه و ۲۴ عنوان بیش از ۱۰ هزار نسخه فروختند.

در میان پرفروش‌ترین‌ها می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

(درس‌های یونانی) نوشته هان کانگ (ترجمه انگلیسی)

(خشکشویی خندان یون‌نام-دونگ) نوشته کیم جی-یون (ترجمه انگلیسی)

(گوله برفی) نوشته پارک سو-یونگ (انگلیسی)

(فروشگاه رؤیاهای دالرگات) نوشته لی می-یه (ترجمه فرانسوی)

فروشگاه مواد غذایی فرصت دوباره) نوشته کیم هو-یون (ترجمه آلمانی)

(دم باشکوه روباه) نوشته سون وون-پیونگ (ترجمه روسی)

موفقیت هان کانگ و دریافت جایزه نوبل ادبی ۲۰۲۴، بنا بر اعلام موسسه ادبیات کره، نقطه عطفی در گسترش جهانی ادبیات کره‌ای بوده است. آثار این نویسنده که با حمایت این نهاد به ۲۸ زبان ترجمه و در ۷۷ نسخه منتشر شده‌اند، در سال گذشته به‌تنهایی حدود ۳۱۰ هزار نسخه فروش داشته‌اند.

علاقه‌مندی به آثار او تنها محدود به انتشارهای جدید نبود؛ فروش بین‌المللی کتاب‌های منتشرشده پیش از ۲۰۲۳ نیز پنج‌برابر افزایش یافت و از حدود ۳۰ هزار نسخه در سال ۲۰۲۳ به ۱۵۰ هزار نسخه در سال ۲۰۲۴ رسید.

آغاز تولید انیمیشن سینمایی «بچه‌های جنگ»

با پویانمایی «بچه‌های جنگ»، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی در قالب فیلم سینمایی روایت می‌شود.

طبق گزارش رسیده، مجموعه مهوا، تولید اولین انیمیشن سینمایی با موضوع جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران را با عنوان «بچه‌های جنگ» آغاز کرده است.